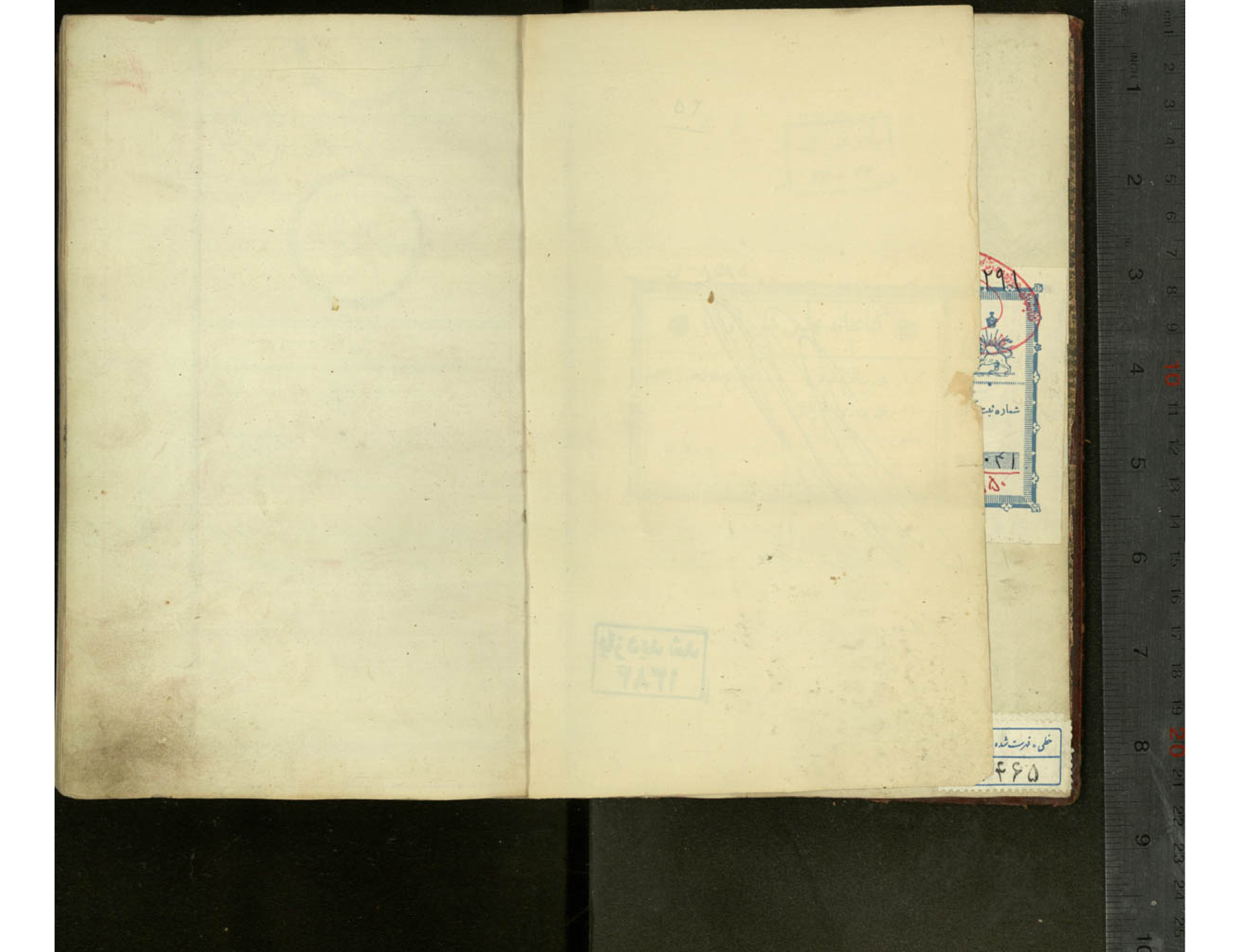
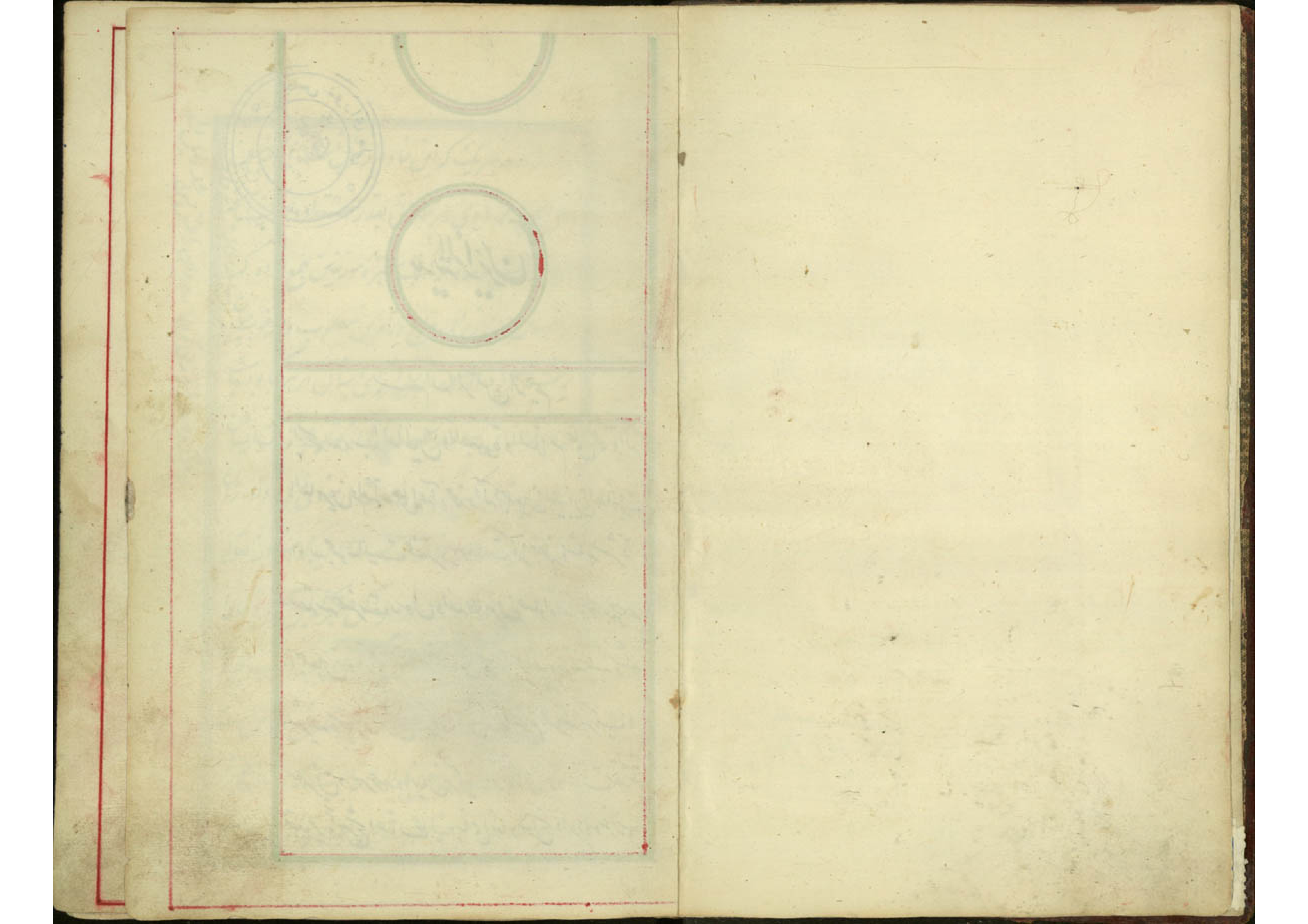
۲۵







بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد وآله
الطاهرین ولعنة الله علی اعدآء محمد وآله اجمعین الطیبین الطاهرین
اما بعد مجموعه ایست مختصر در احوالات مکه معظمه ومشاهد مشرفه
مقدسه حضرت رسول وائمه طاهرین صلواة الله وسلامه علیهم
اجمعین وتاریخ بنا وتجدید بنای مسجد الحرام ومدینه طیبه ومشاهد
شریفه وسایر اماکن متبرکه ومساجد وبقاع متبرکه هریک و
معمرین در هر عهد وبانیان هریک از بناهای روضات مقدسات
تصویر وتشریح اعتاب عالیه وبنای انها وسوانح وارده وغرایب

ونوادر متعلقه بهریک که این خادم زائرین آستان ائمه دین
اقل الحاج محمد هادی زائر طهرانی بقدر استعداد وقابلیت آنچه
دیده وتحقیق نموده واز کتب معتبره مورخین جمع نموده که
دانستن ان از برای حاج وزائرین مطلوب ومرغوب میباشد
برشته تحریر درآورده تا بمنزله دلیلی از برای ایشان در هر کجا بوده باشد
که انشاءالله این بنده درگاه راهبره از ثواب زیارت ایشان
حاصل شود هر کسی از بهر خدمت ارمغانی هدیه داد زان
میان در اضطراب افتاد مور خسته امید که انشاءالله تعالی
مقبول طبع انها گردیده ودر هر اماکن متبرکه این ملتمس دعا را
فراموش نفرمایند **مقصود اول** در بنای کعبه ونصب حجر الاسود
اما بنای خانه کعبه که مفاد ان اول بیت وضع للناس است
از حضرت ابراهیم واسماعیل علیه السلام است که در سال یکهزار
وهشتصد ونود قبل از حضرت عیسی علی نبینا وآله وعلیه السلام

بوقوع پیوست وازروزیکه بنای خانه کعبه شده است تاکنون که
[۱۳۲۱]
هزار وسیصد وبیست ویکباشد سه هزار ونهصد وشانزده سال
قمری میباشد که بنای خانه کعبه شده وهرساله که بنی ادم درزمین
دورکعبه طواف وحج می کنند اهل آسمان دوربیت المعمور طواف
مینمایند بیت المعمور درآسمان چهارم است مثل شمس قبلهٔ اهل
اسمان است همان قسمیکه ما وقت عبادت روی بطرف کعبه
میکنیم اهل آسمان روی بطرف بیت المعمور میکنند وبیت
المعمور محاذی ضراح وعرش است اگر فی المثل سنگی از
عرش بیفتد بپشت بام ضراح وازانجا برپشت بام بیت المعمور
وازانجا برپشت بام خانهٔ کعبه قرار می گیرد وهرساله خداوند
عالم قرار داده که سیصد هزار نفر حج کنند اگر عدد آن از
فرزندان آدم ناقص باشد ازملئکه تکمیل عدد میکنند
که خلف وعده نشده باشد وخانهٔ کعبه را اول حضرت آدم

بنا کرد وقتی که حضرت ادم دران مکان نشسته بود جبریل
قطعهٔ ابری اورد وبرسر ادم نگاه داشت وتوبه اش قبول شد
پس بقدریکه ان ابر سایه انداخت مامور شد دران
مکان خانه بسازد پس از وادی سلام وطور سینا وصفا
وابوقبیس سنگها اورد وقواعد بیت را بلند نمود وبعد از
طوفان نوح خلیل الرحمن حضرت ابراهیم علی نبینا و
اله وعلیه السلام بنای خانه کعبه نمود چون هاجر اسمعیل را
از حضرت ابراهیم آورد ساره را رشک آمد پس حضرت
ابراهیم را الزام کرد تا هاجر واسماعیل را ازپیش او دور نماید
حضرت خلیل الرحمن حضرت اسماعیل وهاجر را بزمین مکه
آورد مادر وفرزند را بلطف خداوند سپرد وگذاشت در
زمین مکه مراجعت کرد هاجر بجهة رفع عطش خود وپسر آن
کوهها میدوید هفت مرتبه بکوه صفا ومروه رفت وباز آمد واز

این جهة هر وله بین منارتین بر حاجیان واجب شد وحضرت
اسماعیل علیه السلام می کریست پاشنهٔ پا بر زمین بمالید کا
از زیر پاشنهٔ انحضرت بقدرت کامله حق تعالی آب ظاهر
کردید چون هاجر از طلب آب باز کشت آب را مشاهده نمود
قدری خاک بدور آن آب پاشید کفت زمزم یعنی بایست
مرویست که اکر هاجر آن اب را بند نمیکرد از همه رود بار زر کیر
میکشت باری چون آب زمزم در ان موضع پیدا شد
قوم جرهم امدند انجا مسکن کرفتند وحضرت اسماعیل در میان
ایشان پرورش یافت وحضرت ابراهیم بعد از مدتی باشارهٔ
جبرئیل از شام بمکه آمد وبجمال فرزند دلبند خود خورسند کردید
بعد از دیدن فرزند بتعلیم حضرت روح الامین وبمدد حضرت
اسماعیل از سنک کوه قیقاع وسنکهای دیکر بنای خانه کعبه
نمود ولیکن اورا سقف نبود وسنک حجر الاسود که در زمان

طوفان نوح در کوه ابوقبیس بودیعت بود جبرئیل اورا ظاهر
کرد بابراهیم داد در موضع معهود نهاد و در جاهلیت چاه
زمزم انباشته بود وکسی نمیدانست جناب عبد المطلب
جد امجد رسول خدا صلی الله علیه واله در خواب دید حفر
نمود اهوان وزرین واسلحه یافت قریش با او نزاع کردند
وتفصیل ان در کتب اخبار مسطور است وزمانیکه قریش
کعبه را بنا می کردند از درختانی که نجاشی پادشاه حبشه جهة
کلیسیای انطاکیه از راه دریا بشام فرستاده بود حق تعالی
آن کشتی را غرق ساخت آنچوبها را بجده انداخت و
اهل مکه برخصت نجاشی آوردند وخانه کعبه را مسقف
کردند زمان عبد الله زبیر چون بنی امیه دیوار کعبه را بسنک
منجنیق خراب کرده بودند از اعمارت نموده وخانه را دو در
ساخت وحجر الاسود را در اندرون خانه نشانید وکفت

چون رسول خدا فرموده که حجر الاسود از خانه کعبه است باید
در اندرون خانه باشد و اینجا باید نشاید بعد حجاج بن یوسف
وضع عمارت را باطل کرد و حجر الاسود را بیرون آورد چنانکه
رسول خدا صلی الله علیه واله نشانیده بود جای داد و خانه را
مثل صورت اول یکدر ساخت در بجا است چون خانه
کعبه را حجاج خراب کرد خاک او را مردم بردند وقتیکه خواست
بنا کند ماری بهم رسید مانع بود از بنا رفت به منبر چاره
این کار را از مردم خواست شخصی از پای منبر گفت که از
علی بن الحسین علیهما السلام چاره این را باید سوال نمود حجاج
از منبر فرود آمد خدمت حضرت رسید کیفیت را عرض
نمود حضرت فرمود برو بمنبر بگو بمردم که هر کس خاک کعبه را
برده بجای خود برگرداند حجاج رفت بمنبر گفت بمردم مردم
قدر خاکی که برده بودند بجای خود برگردانیدند انوقت خانه کعبه را

بنا کرد

بنا کرد مرویست که حجر الاسود یکی از بزرگان ملائکه است
که خداوند او را در کعبه مقیم نموده و ملازم مکه است مردم
عوام گمان می کنند که سنگی سیاه میباشد که بنا را انجا
گذارده وقتی که خداوند عهد و میثاق میگرفت بجهة خدائی
خود و نبوت محمد و ولایت علی علیه السلام اول کسی
که اجابت کرد ملکی بود که حالا حجر الاسود است از حضرت رسول
مرویست که چون خدا یتعالی عهد و میثاق از بندگان
خود گرفت و امر فرمود حجر الاسود را که تا آنرا فرو برد پس
ازین جهة در نزد آن میگویند امانتی ادیتها و میثاقی تعاهدته
و در وقتی که توبه آدم قبول شد بخداوند شکایت کرد از
تنهائی خداوند صورت ملک را تغییر داد و او را بصورت
در سفیدی کرد از اسمان انداخت بروی زمین هند پیش
حضرت آدم علیه السلام آدم او را شناخت و او را در بغل

گرفت بوسید و تجدید عهد و میثاق کرد برداشت بدوش خود
گرفت بجهة حرمت آن از سراندیب بهند آمد بمکه هر وقت خسته
میشد جبرئیل او را برمیداشت چون بمکه رسید ملائکه بامر خداوند
خانه کعبه را بنا کردند جبرئیل بآدم گفت این درّه بیضا را در رکن
عراقی نصب کن و بمقدار مسافتی که حالا حدّ حرم است که
حجاج غسل می کنند وارد میشوند از ذره روشنائی میداد بسکه
معصیت کاران او را مس کردند حالا رنگش تغییر کرده حضرت
رسول در حین طواف بعایشه فرمود اگر دستهای نجس اهل
جاهلیت مس حجر نکرده بود هر مریض که دستش به حجر میرسید شفا
مییافت الحجر یمین الله فی ارضه بمنزله دست راست خداوند است
و حجر الاسود را در سنه سیصد و هفده هجری که قرامطه مکه را قتل
عام کردند حجر را کندند بردند بکوفه در مسجد جامع در اسطوانه هفتم
قرار دادند و وقتیکه میبردند چهل شتر بختی در زیر بار او سقط شد

و در وقتی بر گردانیدند بار کردندش بیک شتر لاغر آوردند در
مکه در زیر بار او فربه شد در سنه سیصد و سی و نه بمکه معظمه
آوردند مدت بیست و دو سال در دست قرامطه بود
خلفای عباسی پنجاه هزار دینار میدادند که حجر را بگیرند بجای
خودش نصب کنند قرامطه راضی نمی شدند و وقتیکه قرامطه
میخواستند حجر را باسطوانهای مسجد قرار دهند باسطوانه اول و
دویم قرار نگرفت تا باسطوانه هفتم قرار گرفت چنانکه حضرت
امیر المؤمنین ع از پیش این خبر را داده بودند و این حجر الاسود
جمیع مردم را می شناسد و شان هر کس را میداند یکی از خواص
حجر الاسود هر کس او را استلام کند محتاج نشود دست بسؤال
دراز نکند مگر آنکه مخالف آن باشد و معترف بشأن حجر الاسود
نباشد خاصیت دیگرش این است که چون معصوم است
غیر از معصوم هر کس او را نصب کند قرار نمیگیرد چنانکه اول مرتبه

حضرت آدم ع در کعبه نصب نمود و مرتبهٔ دویم حضرت ابراهیم
علیه السلام حجر را نصب نمود و مرتبهٔ سیم که سیل خانهٔ کعبه را
خراب کرد قریش خانهٔ کعبه را بنا کردند حضرت رسول خدا ص
حجر را نصب فرمود این حکایت قبل از بعثت پیغمبر صلی الله علیه
و آله بود قریش بجهة وضع حجر الاسود نزاع داشتند بعد از قیل
و قال بسیار گفتند از باب بنی شیبه هر که داخل شد او حاکم
بشود میان ما در این اثنا حضرت رسول خدا ص از آن در
داخل شد گفتند هرچه محمد ص این حکم کند راضی هستیم پیغمبر ص
ردای خز را از دوش مبارک برداشت و آن ردا پهن کرد
و حجر را در میان ردا گذاشت و فرمود از هر قبیلهٔ قریش یکنفر
بیاید چهار نفر از صنادید قریش آمدند اطراف عبا را گرفتند
بلند کردند پیغمبر ص حجر را برداشت در جایش نصب فرمود
مرتبهٔ چهارم حجر الاسود را سید سجاد علی بن الحسین نصب

نمود در زمانیکه حجاج بن یوسف خانهٔ کعبه را بر سر عبدالله
زبیر خراب کرد و او را کشت بعد خانه را تعمیر کرد از هر
صنفی زرگانش آمدند که حجر الاسود را در جایش قرار بدهند
قرار نمیگرفت تا آنکه حضرت علی بن الحسین صلوات الله
علیه تشریف آورد بدست مبارک حجر را برداشت و بوسید
در مکانش گذاشت مرتبهٔ پنجم در زمان قرامطه حجر را از مکه
بردند بکوفه و شکستند و حجر را هفده قسمت نمودند ناخوشی در
میان قرامطه افتاد دوباره ریزه‌های آنرا که قسمت کرده بودند
جمع کردند بردند بمکهٔ معظمه این کیفیت در زمان غیبت کبری
بود که امام زمان عجل الله فرجه تشریف آورد و حجر را نصب فرمود
در کتاب خرایج از ابن قولویه نقل میکند که استاد شیخ مفید است
گوید که در سال سیصد و سی و نه که قرامطه حجر الاسود را
بمکه برگردانیدند عزم کردم بمکه بروم به بینم آنکس که حجر الاسود را

نصب میکند کیست چون در کتابها دیده بودم که بغیر از معصوم
هر کس حجر را نصب کند قرار نمیگیرد در بغداد بیمار شدم
نتوانستم بمکه بروم مردیکه اورا ابن هشام میگفتند نایب گرفتم
اورا بمکه فرستادم و رقعهٔ نوشتم که آیا من درین مرض
می میرم یا نه اگر چنانچه نمی میرم چند سال دیگر زندگی
می کنم و با بن الهشام گفتم مقصودم این است که رقعهٔ مرا
برسانی به کسیکه حجرالاسود را نصب میکند جواب بگیری
ابن الهشام گوید چون بمکه رسیدم روزیکه میخواستند
حجر را نصب کنند من قدری دراهم و دینار بخدام
کعبه دادم که مرا راه بدهند و یک نفر از خواجه های حرم را
پول زیاد دادم پیش من باشد که مردم مانع نشوند
تا من واضح حجر را ببینم هر کس میآمد از بزرگان معروف
که حجر را در مقام خودش نصب کند قرار نمیگرفت ناگاه

دیدم در این اثنا جوان گندم گونی خوش روئی آمد و
حجر را گرفت در محل خود نهاد و قرار گرفت بطوری که گویا
از اصل کنده نشده بود صداها بتکبیر بلند شد انجوان
از میان مردم بیرون رفت و من از عقب او میدویدم
لکن او با وقار میرفت و من با و نمیرسیدم تا بکوچه خلوتی
رسیدیم روی مبارک بمن نمود فرمود عریضهٔ که آورده
بده بمن کاغذرا باو دادم عریضه را نخوانده فرمود بگو با بن
قولویه که ازین مرض شفا خواهی یافت و بعد از سی سال
خواهی مرد و از نظر من غایب شد و از خواص حجرالاسود
دیگر این است که باب غرق نشود و باتش گرم نگردد
و یکی دیگر از خواص حجرالاسود عزت او است که همه کس
اورا میبوسد و اورا احترام میکند در خبر است اگر کسی مقابل
حجرالاسود معصیتی کند با انکه خداوند حلیم و صبور است و بعجل

در عقوبت نمیکند مع هذا در عقوبتا و تعجیل میکند در
عوالم بحار مذکور است سالی در مکه موسم حج زنی
[و مردی در عقب او بود]
در دور کعبه طواف میکرد آن زن دستش را دراز کرد استلام
حجر کند چشم آنمرد بدستش افتاد شیطان ملعون وسوسه
کرد دستش را روی دست آن زن گذاشت دست
آنمرد بدست آن زن چسبیده کم کم مردم مطلع شدند
هر قدر سعی کردند از هم جدا نشدند خواجه های حرم
هر دو را نزد امیر حاج بردند بعضی گفتند که باید دست
مرد را برید امیر حاج پرسید که از آل رسول امسال
کسی بمکه آمده گفتند آری در شب گذشته حضرت
حسین ابن علی ع وارد شده آنمرد و زن را برداشته
خدمت آنجناب بردند کیفیت را بعرض رسانیدند آن
حضرت دعا کردند بعد از آن پیش آمدند و دست آنمرد را

گرفت و از دست آن زن خلاص نمود امیر حاج عرض کرد
یا بن رسول الله این مرد در چنین جائی جسارت نموده
بتنبیهی لازم است حضرت فرمود من از خدا خواستم
که از او عفو کند بیش از این رسوا نشود و خداوند عفو کرد
او را رها کنید و دیگر از خواص خانه کعبه این است که مرغی
بالای آنخانه پرواز نتواند کرد و نتواند نشست حرمت
خانه کعبه و سنگ حجر الاسود و احترام زمین مکه در اخبار
بسیار وارد است در خبر است که ابرهه از یمن با لشکر
عظیم از جهة خرابی خانه مکه آمده دوازده زنجیر فیل همراه
آورده بود از جمله فیلی بود مسما بمحمود چون نزدیک مکه
رسیدند فیلها را پیشاپیش میبردند فیل محمود مقدم بر همه بود
چون بوادی محسر رسیده فیلها ایستادند آنچه کردند فیلها
قدم از قدم بر نداشتند در این اثنا لشکر الهی مرغهای ابابیل

پیدا شدند همه را هلاک کردند و وادی محسر بایین مشعر و منی میباشد
وقتیکه حجاج بانجا میرسند شتر را تند میرانند بطریق هروله میکنند
مروی است که از جانب خدای تعالی بحضرت آدم ع امر شد
که هفت مرتبه دور خانه کعبه طواف کند در عوض هفت هزار
سالیکه ملائکه دور عرش طواف کردند هر شوطی بعوض هزار سال
طواف ملائکه ثواب دارد در زمان جاهلیت مردم هرکس هر قدر
دلش میخواست طواف میکرد و عدد معینی نداشت جناب
عبد المطلب جد رسول خدا قرار داد که مردم هفت مرتبه دور
خانه کعبه طواف کنند و در زمان رسول خدا ان قرار عبد المطلب
برقرار ماند در خبر است بعد از آنکه قوچ فدای اسمعیل را که جبرئیل
از بهشت آورده بود حضرت ابراهیم ازا ذبح کرد و آن قوچ
کشته را بر دراز گوش انداخت و ورود در مکه گوشت و را بر فقرای
مکه تقسیم نمود و کله و شاخهایش را بخانه کعبه آویخت که بسیاری

مردم در زمان جاهلیت آنرا دیدند ابن عباس گوید دیدم
کله قوچ فدای اسماعیل را با شاخهایش بناودان خانه کعبه
آویخته بود و خشکیده بود و کله بهمان حالت باقی بود تا زمان
عبد الله زبیر که پرده خانه کعبه آتش گرفت کله و شاخها ناپیدا
شد پوست آن قوچ را جناب ابراهیم سفره کرد و مردم را
روی او طعام میداد و ان سفره بود تا زمانیکه حضرت موسی ع
متولد شد و موسی را مادرش در صندوق گذاشت
و در نیل انداخت ان سفره را با آن صندوق پیچید و در نیل
که انداخت مفقود شد پشم ان قوچ را ما جبرئیل رشته جامه
بافت که حضرت خلیل الرحمن ع میپوشید و الجامه بخاتم
انبیا ص رسید و الحال در نزد حضرت قائم عجل الله فرجه است
از روزیکه بنای خانه کعبه شده است انقدر احراق دماء
هدایا شده است و خون گوسفند قربانی ریخته شده است

که خدا امید اند و پس اول خود بانی کعبه حضرت خلیل الرحمن
پسر خود اسمعیل را هدی کعبه نمود لاکن خداوند قبول کرد فدا داد و بعد
از ابراهیم اول کسیکه بدنه هدی از برای کعبه آورد الیاس
ابن مضر بود و این الیاس از اجداد خاتم انبیا میباشد و
پیغمبران و سلاطین مؤمن همه ساله ارسال هدی میکردند از آنجمله
سلیمان بن داود بود آمد بمکه چند روز توقف کرد هر روز پنجهزار
شتر نحر میکرد سوای گاو و گوسفند و مردم را خبر داد که پیغمبری
از عرب درین شهر مبعوث شود که خاتم پیغمبران خواهد بود تبع
پادشاه یمن اول کافر بود جمعی را برداشت آورد و امد خواست تا خانه
کعبه را خراب کند و مکیان را قتل کند چشمهایش از حدقه بیرون افتاد
چون قصد خرابی خانه کعبه را از دل خود بیرون برد چشمش شفا
یافت برگشت بحدقه بحالت اول آمد بمکه یکماه ماند هر روز صد
شتر نحر میکرد و طعام می پخت باهل مکه میخورانید و خانه کعبه را جامه

پوشانید و هیچ سال بقدر سال حجة الوداع شتر هدی بمکه نرفت
بجهة آنکه پیغمبر بمردم اعلام کرد که امسال مردم بیایند
مناسک خود را از من یاد بگیرند و درانسال هفتاد هزار نفر با پیغمبر
بحج آمدند غالبا شتر هدی داشتند از یکی تا صد تا از آنجمله خود پیغمبر شصت
شتر هدی از مدینه اشعار و تقلید کرد و سوق هدی نمود همراه خود بمکه آورد
و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه در یمن بود و از یمن سی و چهار
شتر هدی کعبه کرد و با خود آورد و به پیغمبر ملحق شد یوم عید آیه مبارکه
نازل شد فصل لربک وانحر علامه مجلسی درینجا نقل کرده که پیغمبر ص
در حجة الوداع صد شتر هدی سوق کرده بمکه آورد چون حضرت امیر ع
از یمن شتر هدی با خود نیاورده بود سی و چهار شتر هدی بجهة حضرت
امیر ع قرار داد مجموع صد شتر را پیغمبر بدست مبارک خود نحر کرد
هدی خود و هدی امیرالمؤمنین ع را که امیر باصحاب فخر نمود که کیست
مثل من و حال آنکه انقدر نفس من با پیغمبر اتحاد داشت که پیغمبر ص

شترهای قربانی مرا عوض من بدست مبارک خودش نحر نمود و از آن
زمان تا الی اکنون معین است که هر سال موسم حج چه قدر خون
در منی ریخته میشود که کسی از عهدهٔ حساب او بر نمی اید الحاصل اخبار
در احوالات مکه و در فضیلت خانه کعبه و شرافت زمین مکه در کتب
علما مبسوط و مکه جائی است که مکرر نزول وحی در انجا شده جبرئیل ع
و ملکه در انجا آمد و شد نموده و بخدمت رسول اعظم رسیده اند
و سابق این منزل خلیل رب جلیل بوده با وجودیکه بیت المقدس قبلهٔ
اهل کتاب بوده و حضرت خاتم انبیا مدتی بدان سمت نماز میکرد
در سنه دو یا سه هجری در بین صلوة عصر بامر الهی توجه بسمت
کعبه آورده و از بناهای حضرت داود و حضرت سلیمان علیهما السلام
میباشد بشرافت خانه کعبه و زمین مکه نمی باشد در کتب مورخین
مسطور است از ارزه الا برزه که بلاد فلسطین و بیت المقدس
و شام است هفتاد هزار پیغمبر مدفون است که از ان جمله

حضرت داود و حضرت سلیمان در بیت المقدس و حضرت ابراهیم
و ساره و اسحق و یوسف و حضرت موسی و عزیر و یوشع و حضرت
یعقوب و ایوب پیغمبر و حبیب نجار که در قدس خلیل و ان اطراف
مدفونند و مکان های شریف دیگر مثل کوه زیت که مریم مادر عیسی
در آنجا مدفون است صخرهٔ صما و مقام انبیا لهذا نمیرسد بشرافت
خانه کعبه و زمین مکه بلکه زمین مکه معظمه سرزمینی است که پیوسته منزلگاه
خلیل و انبیا از آدم تا خاتم و همیشه مهبط وحی و محل نزول کروبیان بوده
و در انجا سید انبیا و حضرت امیر المؤمنین و فاطمه زهرا متولد
گشته   جای مولود اگر نبود انجا   نبدی حاجی و نبه ایتیه
طواف خانه کعبه از آنست بر همه واجب   که در انجا وجود آمد علی ابن ابیطالب
چنانکه در زیارت حضرت امیر ع در روز مولود
حضرت خاتم انبیا میخوانی السلام علیک یا من
شرفت به مکه و منی والسلام علیک یا من ولد

فی الکعبه چو خوش گوید ریاضی بنیاد کعبه
کرد زر ویش خلیل خال مطبوع طبع هم عجم افتاد
هم عرب القصّه مقصود عمارات ظاهری وبناها
و مواضع متبرکه ان است و امّا مکّه معظمه زاد الله
شرفاً در عرض بیست و یکدرجه سی و سه دقیقه شمالی
و در طول چهل درجه ده دقیقه شرقی و جمعیت مکه
معظمه درین سنوات تقریباً چهل هزار نفر میباشد
واصل مکه وخانها بدرازی تنگه و فاصله کوه ابو قبیس
و جبل دگر واقع شده و بهمین واسطه از سیلاب
ایمن نیست چنانکه یکوقتی سیل امد سبب خرابی
بیت مبارک شد و بعد در وادی عشر گز فرقه
میان جبل نور و شهر مکه معظمه است سلطان
سلیمان عثمانی سدی عظیم ساخته که اب سیل را

از مکه برگردانیده است و طول السد تقریباً
پانصد ششصد زرع میشود امّا بنای مسجد الحرام
و خانه کعبه فی الجمله این است مسجد الحرام را بنی امیّه
بزرگ کرده اند و تعمیرات مسجد الحرام از خلفاء عباسی
و از سلاطین عثمانی و چراکسه مصر می باشد و اسم
انهاسنگ کنده در میان خانه و اطراف خانه
نصب کرده اند از چراکسه مصر اول ملک الاشرف
در سنه [٨٢٦] هشتصد و بیست و شش تعمیر نموده ملک
الاشرف اینال ناصری در سنه [٨٥٨] هشتصد و پنجاه و
هشت بتجدید انجا اقدام نموده و خادم الحرمین
قایتبای در سنه [٨٨٤] هشتصد و هشتاد و چهار تعمیر
کرده است ملک الکامل قانصوه غوری در سنه [٩٠٥]
نهصد و پانزده تعمیر نموده قانصوه اخر سلاطین

چراکه مصری باشد سلطان محمد خان عثمانی
هم بعد تعمیرات نموده و درین سنوات خادم
الحرمین سلطان عثمانی سلطان عبد الحمید خان
هر ساله که لزوم بهم رساند تعمیر میکند و مسجد الحرام
سی و نه در دارد و در سمت باب الزیاره
که غربی خانه است هفت در دارد و در سمت
باب ابراهیم که جنوبی خانه کعبه است چهار
در است و در سمت باب الصفا که شرقی خانه
کعبه است هفده در است و در سمت باب
السلام که شمالی بیت مبارک است یازده
در است و طول مسجد الحرام از شمال بجنوب است
که مشتمل بر سی و شش طاق است که دهنه
هر طاق چهار زرع و نیم است که مجموع ان یکصد

شصت زرع میشود عرض مسجد الحرام بر طول
خانه کعبه اتفاق افتاده است که از مشرق
بمغرب است مشتمل بر بیست و چهار طاق که دهنه
هر طاقی چهار زرع و نیم میشود که مجموع ان صد و
هشت زرع است و چهار طرف شبستانیست
که عرض شبستانها از همه طرف سیزده زرع است
که حیث المساحه باستثنای شبستانها زرع اندر
زرع هفده هزار و دویست و هشتاد زرع است
با شبستانها بیست و چهار هزار و نهصد زرع میشود
مجموع میلهای سنگی که طاقها را بر بالای انها
بنا نهاده اند پانصد است و از جمله ان پانصد
میل یکصد و بیست و پنج ان سنگ کوچک است
که مثل اجر تراشش بر بالای هم نهاده اند کار کرده اند

و دیگر سیصد و هفتاد و پنج میل ان یکپارچه است
که از سنگ سفید است و بلندی هر یک
تخمیناً سه زرع و نیم است و قطر هر یک نیم
زرع میشود اما اصل خانه کعبه که در وسط مسجد ا
الحرام واقعست و کعبه بدین اسم موسوم شده است
از آنکه در وسط دنیا است یا آنکه مربع است
مقابل بیت المعمور در آسمان چهارم و عرش
نیز مربع است و کعبه را چهار رکن است رکن
عراقی رکن شامی رکن یمانی رکن مغربی
که سنگ حجر نصب است رکن حجر محاذی
رکن عراقی است از یکسمت و باندازه شش
وجب بلند است از زمین از حجر الاسود تا
رکن یمانی که بر طول مسجد الحرام است عرض خانه

حساب میشود ده زرع است و از رکن *
یمانی تا رکن شامی که عرض مسجد و طول جانب است
دوازده زرع است و حجر الاسود در رکن شرقی
جنوبی واقع است که شکسته اند هفده قطعه است
چسبانیده اند بنقره گرفته اند رکن یمانی در غربی
جنوبی رکن عراقی مابین مشرق شمال رکن شامی
در مقابل حجر الاسود در غربی شمالی و باب بیت
مابین رکن حجر الاسود و رکن عراقی که بحجر الاسود
نزدیکتر است و از زمین باندازه دو زرع بلند است
که تپه میگذارند داخل بیت مبارک میشوند چهار
حلقه از نقره دارد میزاب رحمت که مردم ناودان
طلا میگویند مابین رکن عراقی و رکن شامی است
و در زیر او در پرده سیاه که جامه کعبه است اسم

سلاطین است با منقول دوزی زر دنقش
میکنند و در هر سال جامه کعبه را عوض مینمایند
و حجر اسمعیل در زیر میزاب رحمت است
که اب ناودان طلا بحجر اسمعیل میریزد و اما حجر
اسمعیل دیواریست کوتاه مستدیر مانند
نصف دایره و طول ان عرض کعبه است و مرقد
هفتاد پیغمبر جلیل القدر است هاجر و اسمعیل را
در ان محل حکایات بسیار است مستجار ما بین
رکن یمانی و رکن شامی است که مقابل در خانه
کعبه است که متصل رکن یمانی است مستجار
بدین جهت گویند که انبیاء درین محل استجاره میکردند
و دعاهای ایشان مستجاب میشد حاجتمندان
در انجا دعا میکنند حطیم بین حجر الاسود و باب

خانه کعبه است که حضرت ابراهیم و اسمعیل گل
از جهة خانه کعبه درین موضع میساختند یا حطیم
می نامند از انکه ازدهام حاج مردم بهم میخوردند
یکدیگر را خورد میکردند حطم بمعنی خورد کردن است
افضل بقاع ارض است ان محل شادروان
و ان عبارت از سکوی باریکیست که متصل
بخانه و اطراف ان واقع است از سطح حرم تقریبا
نیم ذرع ارتفاع دارد باختلاف بعضی مواضع و غرض
ان یکوجب و انهم باختلاف و جزو خانه است
در حال طواف بران سکو دست نباید بگذارند
در پشت بام خانه کعبه از میان بیت مبارک
و طرف رکن عراقی است و در روی بام قدری
گود است یعنی دیوار اطراف او بلند است از

روی کوه ابوقبیس که نگاه میکنی تقریبًا نیم ذرعست دیوار

مقام ابراهیم در برابر خانه خدا واقع شده که برکن

عراق نزدیک تراست درمابین شمال و شرق مسبیت

شش ذرع نیم تا خانه کعبه مسافت دارد وان مقامیست

که ابراهیم استاد بعداز بناء خانه کعبه و مردمان را

نداء بحج کرد درمیان مقام ابراهیم ضریحیست که روپوش

کلابتون هرساله تجدید میکنند ودرانجا سنگی است که

جای پای مبارک حضرت ابراهیم است که بالای او

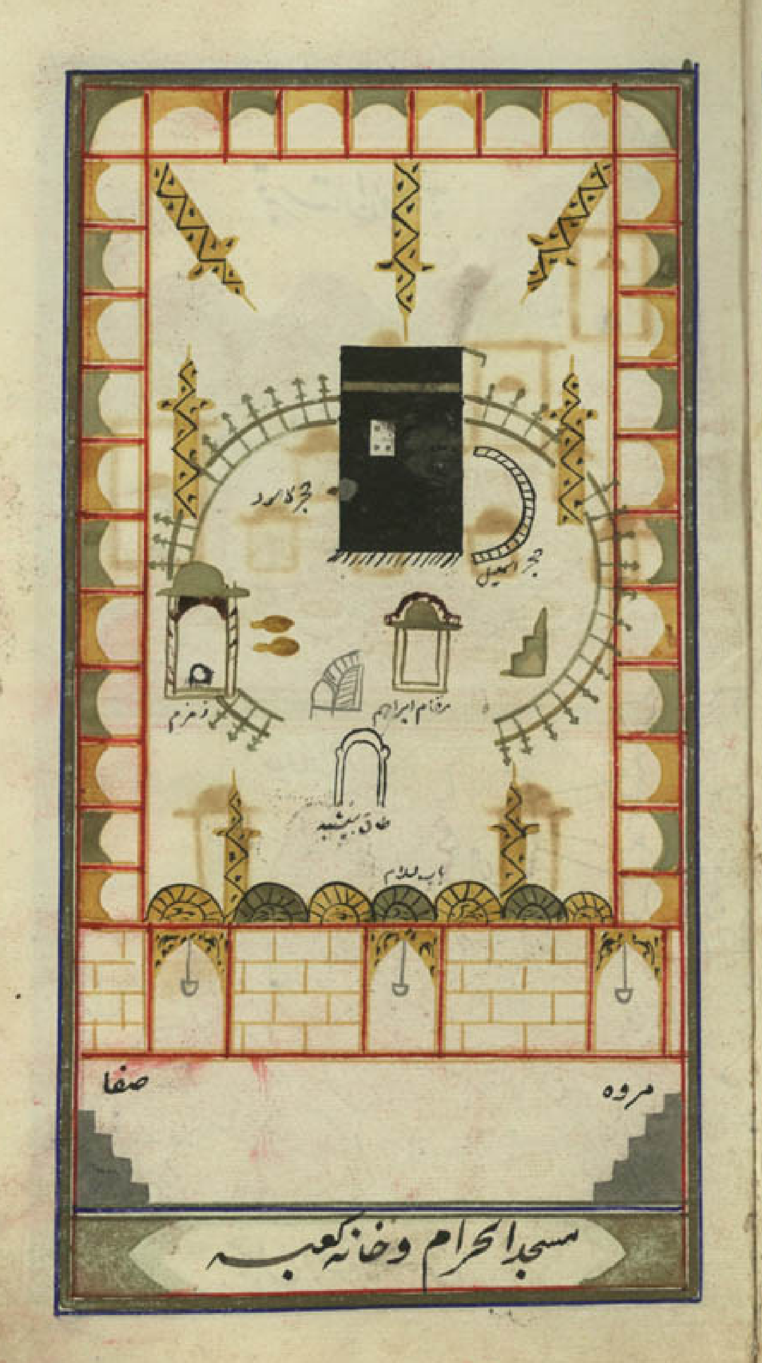
در بنای کعبه استاده و مردم اب زمزم درانجا

ریخته بجهة استشفا می اشامند دورکعت نماز طواف

عمره و تمتع و دورکعت نماز حج تمتع با دورکعت نماز

طواف نساء را حجاج درپشت مقام بجامی اورند

چاه زمزم درشرقی خانه که درطرف حجرالاسود است



مسجد الحرام وخانه کعبه



میباشد عمق چاه از قرقره که اب میکشند تا روی
اب چهارده زرع است که سه زرع از قرقره تا کف
زمین میشود وروی چاه را طاق زده اند واطراف
چاه را از مرمر بالا اورده اند قطر چاه تخمینا دو زرع و
نیم میشود و در وقت تعمیرات مسجد الحرام چهار
سقف و گلدسته جای موذن و مکبر ساخته اند
بجهة نماز شافعی حنفی مالکی حنبلی در وقت نماز
هر یک بیک سمت روبروی کعبه امام جماعت
می ایستند بنماز شافعی بین رکن عراقی و رکن
حجر حنفی بین رکن عراقی و رکن شامی مالکی بین
رکن شامی و رکن یمانی حنبلی بین رکن یمانی و حجر
القصه کوه صفا در شرقی خانه در دامنه کوه ابوقبیس است
و کوه مروه فیما بین شمال و مشرق خانه خدا است

و فاصله میان کوه صفا و مروه سیصد و چهار ده
زرعست لفظ کوه نمیتوان بصفا و مروه اطلاق کرد
از شعبه های کوه ابو قبیس و کوههای دگر است کوه
ابو قبیس در شرقی مایل بجنوب بیت الله است و بالای
کوه دو مقام است یک مسجدیست که شق القمر انجا شده
و مسجد دگر را میگویند بلال در انجا اذان گفته در خبر است
در وقتی که خاتم انبیاء قمر را بامر خدا شق نمود و دو نیم
شد یک نیمه بالای کوه صفا ایستاد و یک نیمه بالای
کوه مروه و منی قریب بمکه است و در طرف شرق
مایل بجنوب مکه است و منی ما بین دو کوه واقع شده
و مسجد خیف و میلهای جمرات که حاج برگشتن از
عرفات و مشعر سنگ ریزه بان میلها میزنند
و مذبح قربانی در منی میباشد و مسجد خیف را اول

قایتبای در سنه ۸۹۴ هشتصد و نود چهار ساخته و بعد
سلطان احمد خان ابن سلطان محمد خان ثالث
در سنه ۱۰۲۵ هزار و بیست و پنج تعمیر نموده و در میان
صحن گنبدی است که اطراف ان باز است
و محراب هم دارد معلوم میشود که جای حضرت رسالت
انجا بوده و مسجد ان است که قایتبای ساخته است
و عرض مسجد چهار ستون است و طول مسجد بیست و
یکستون است طول صحن مسجد هشتاد و یک ذرع است
و عرض صحن مسجد نود یک ذرع
و از منی تا مشعر الحرام یکساعت راه است و مشعر
الحرام جائیست که حاج برگشتن از عرفات شب
عید را انجا بیتوته میکنند و سنگ ریزه را از برای
جمره زدن از کوهی که در ان موضع است جمع
میکنند و از مشعر الحرام تا عرفات دو ساعت

راهست و عرفات هم در مشرق مایل بجنوب بیت الله است
واب عرفات را زبیده زن هرون الرشید از
طایف اورده یعنی قنات کنده و الحق خیرات
عظمی است که از کوهستان طایف تا انجا اب را
اورده و اکنون اب مکه معظمه همان است که بفاصله دو
زرع و سه زرع در زیر زمین جاریست و در عرفات
مسجدیست به مسجد ابراهیم معروف است وان مسجد
در طرف ایمن واقع شده جبل الرحمه همان جبل عرفات است
که حضرت ادم حوا را انجا شناخت و عرفات جا نیست
که حجاج از ظهر تا غروب افتاب روز عرفه در انجا وقوف
میکنند حجون معروف و مشهور بقبرستان ابوطالب
در سر راه منی واقعست و در حدیث معتبر وارد شده
که الحجون والبقیع یؤخذان باطرافهما و ینثران فی الجنة

یعنی

یعنی این دو قطعه را چهار گوشه او را میگیرند مانند
پلاس می تکانند به بهشت و قبر حضرت خدیجه کبرا
در حجون است بقعه علاحده دارد و حضرت عبد المطلب
و عبد مناف در یک بقعه میباشند و حضرت
ابوطالب بقعه دگر دارد و حضرت امنه ام رسول ص
در بقعه دگر است ولی موافق اخبار صحیحه در ابواء سه
منزلی مدینه طیبه وفات یافت مدفنشان انجاست
و هاشم پدر عبد المطلب در غزه شام مدفونست
غزه بندریست درمیان مصر و شام الحاصل خانه حضرت
خدیجه کبری در مکه است که تولد حضرت صدیقه طاهره ع
در انجا شده است و مولود خانه حضرت رسول ص
در شعب ابوطالب است و دو پله میخورد تا پائین
میرود و در انجا سنگ سیاه مدوریست چنین میگویند

که حضرت رسول ص در بالای ان سنگ زیب بخش عالم
امکان شده است و درمیان کوچه زقاق الحجر سنگ
سیاه مستطیلی نصب است که میگویند ان سنگ بحضرت
رسول ص سلام داده عجب این است که خانهٔ ابوجهل
ملعون مستراح مسجد الحرام واقعشده هرچند عجبی نیست
باید اتفاق بیفتد الحاصل کوه حرا که اکنون بجبل نور
معروف است مابین شمال و مشرق مکه واقعشده است
و تا مکه معظمه تقریباً یکفرسخ است و دران کوه جبرئیل
بحضرت رسول ص نازلشده و ابلاغ نبوت از جانب
پروردگار بجهان فخر کاینات اورده و سوره علق
درانجا شرف نزول یافته وان اول سوره ایست
که نازلشده معروفست که انشراح صدر حضرت
درین کوه شده اگرچه در طایفهٔ بنی سعیده شده و سوره

الم

الم نشرح در مدینه طیبه نازلشده دخلی باین مکان ندارد
باری غار حرا غار کوچک است که حضرت
رسالت ص قبل از نبوت دران مکان شریف بعبادت
خدا مشغول بودند و از مکه معظمه تا جبل الثور یکفرسخ است بسمت
جنوب واقعی مکه اتفاق افتاده و جبل الثور
همانست که حضرت رسول ص حضرت امیرالمؤمنین
علی علیه السلام را بجای خود خوابانید و حضرت رسول ص
از مکه معظمه هجرت کردند بسوی مدینه باین جبل تشریف
اوردند و در غاریکه سنگ مجوفی است تقریباً پنج
زرع طول و دو زرع عرض دارد پنهان شده
و دران غار عنکبوت تنید و کبوتر بچه گذارد که کفار
قریش پی نبرند بعبارت کتاب تاریخ معتمد الدوله
مرحوم که در حقیقت تشریف بردن انحضرت



مکه

بان مکان بحکمت بوده است که کسی خیال شریف
فرمائی ایشان را بمدینه منوره نکنند و مدینه منوره در
سمت شمالی مکه واقع است واین کوه درجنوب
مکه است وبقول شاعر چپاوازه افکندو
ازراست شد ومستحب است در مکه معظمه مشرف
شدن بموضع تولد حضرت رسول ع و در منزل حضرت
خدیجه وزیارت قبر ابوطالب ورفتن بغار حرا و
بغاری که در کوه ثور است وزیارت قبور شهدای فخ در
تنعیم است که قریب بوادی فاطمه میباشد و
شهدای فخ انچه معلوم میشود در طرف طایف است
که در شرقی مکه است شهدای فخ حسین ابن علی ابن
حسن الثالث ابن حسن الثانی ابن حسن المجتبی ع که
و عبدالله ابن اسحق ابن ابراهیم الغمر
که با سلیمان و عبدالله المحض و حسن ابن محمد و از ذات

حسینی چندین نفر و جمعی دیگر میباشند که بیست و
شش نفر از اولاد علی علیه السلام هم هستند ایام
خلافت موسی الهادی بالله از خلفای بنی عباس
بود خلیفه لشکر مامور کرد سید حسین را با جمعی از
سادات شهید کردند که حضرت امام محمد تقی فرمود
که بعد از واقعه کربلا اعظم از جنگ فخ واقع نشد
در شبی که سید حسین کشته شد بر سر ابهای غطفان
ان قبیله تا صباح صدای نوحه جن میشنیدند الرضا
امام محمد باقر میفرماید که پیغمبر در فخ از مرکب فرود
امد دو رکعت نماز خواندند و فرمودند جبرئیل نازل شد
و گفت یکی از فرزندان تو درین زمین کشته خواهد شد
و اجرامات کسیکه با او کشته میشود دو برابر شهیدان
دیگر است و حضرت صادق نیز در فخ فرود امدند و نماز



کرد که اینجا مردی از اهل بیت من کشته خواهد شد
با گروهی که ارواح ایشان سبقت خواهد کرد بسوی
بهشت و دعبل خزاعی در قصیده خود که خدمت
علی ابن موسی الرضا عرض کرده اشاره بدین موضع بیت
واخری بفخ نالها صلواتی الحاصل بالفعل فخ موضعی است
نزدیک مکه که اطفال را از اینجا محرم می‌کنند و سنت است
هرکه از مکه بیرون میرود از باب الحناطین که مقابل رکن
شامی است بیرون رود باب الحناطین بدین سبب
گویند که حنطه فروشها خطوط میفروختند و مستحب است
از در بنی شیبه داخل مسجد الحرام شوند گویا جهه از در بنی
داخل شدن بدین جهت است که حضرت رسول ص
بتهائی که در خانه کعبه بود برداشتند در آن محل دفن
نمودند و آن در بالفعل برابر باب السلام است

پس

پس باید شخصی که از باب السلام داخل شود در است
برود تا ستونها و در اطراف بیت چون مسجد قدیم را
علامتی گذاشته اند که ستونهای آهنی وارد و باب
بنی شیبه آنجا بوده است که بعد مسجد را بزرگ کرده اند
حالا هم که داخل مسجد الحرام میشوی بان علامتها
برسی باب بنی شیبه معلوم است در طرف بیت
واقعست و مستحب است وقت داخلشدن در
مکه از راه اعلای مکه که راه عقبه باشد داخل شود و
وقت رفتن از اسفل مکه که ذیطوا باشد و
ذیطوی داخل در حرم است تقریبا یکفرسخ است
تا مکه در ذیطوی خانهای مکه نمایان است و مکروه است
مجاورت مکه معظمه و دیگر از مکه معظمه تا جده شانزده ساعت
راهست که ده ساعت با یعفور پیته میرود و

در جده از باب مکه که بیرون میروی بدست چپ
قبرستان بزرگیست سکوی طولانی در وسط قبور است
بارتفاع یکزرع وامتداد دویست قدم که تقریباً یکصد و
چهل زرع میشود و عرض ان دو زرع و میگویند قبر حضرت
ام البشر حوا میباشد و امتداد سکو قامت علیا جناب
او میباشد چون بر تمام بدن ممکن نبود رواقی ساخته
شود لهذا در وسط که جای ناف و ستره است گنبدی
ساخته اند ضریحی گذاشته اند و سنگی نصب کرده اند
و متولی دارد محل زیارت کاهست الحاصل نوشته اند
و معروف است در سابق در روز عاشورا اهل مکه
عیش و عشرت داشتند ساز طنبور میزدند بجهة اینکه
می گفتند که کشتی نوح پیغمبر امروز در جودی قرار گرفت
بنی امیه این ساز را کوک کرده بودند شریف مکه

شریف عون این عمل شنیع را موقوف کرد که
از برای کشتی نوح باید عیش عشرت کرد و نباید
برای پسر فاطمه که امروز شهید شده محزون ملول شد
ان یکی کار غیر معلومست و این یکی کار محقق است
که سبط رسول درین روز شهید شده است و
حضرت رسول امروز ملول و محزون است بر ما چه
افتاده که متابعت پیغمبر خود را گذاشته متابعت
امت حضرت نوح را بکنیم در ایام امارت شریف
عون این رسم بنی امیه موقوف شد باری
مواضع شریف دیگر مسجد غدیر خم است که در راه
مکه و مدینه واقع است که بمکه نزدیکتر است در رابغ
و نزدیک جحفه و رابغ در سه منزلی مکه است و جحفه
اسم قریه بوده است که اکنون هیچ اثاری ندارد

علامت مکانی باقی است که اهل سنت وجماعت
از جحفه محرم میشوند در وقت رفتن بمدینه طیبه از مکه
معظمه از منزل خزیمه بغدیر خم واز انجا برابغ ایند
ونزدیک جحفه است ومسجد غدیر خم جائیست که
حضرت رسول دست امیرالمؤمنین علی علیه السلام را
گرفت وفرمود من کنت مولاه فهذا علی مولاه
بگفته مولوی هرکه من مولای اویم پس علی مولای اوست
واین خادم زائرین در تبریک عید غدیر که باستان
مقدس حضرت امیر مشرف شده در قطعه این رباعی را
درروز عید عرض کردم وتقدیم استان مقدس نموده

الیوم رسول حق بفرمان آله بگرفت کمر بند علی والله
فرمود بخلق ایها الناس علیت من کنت مولاه
فهذا علی مولاه والحق مسجد غدیر خم موضع شریف

مکه

علی باشد در صورت امکان حجاج باید مشرف شوند
واز جمله مستحبات مؤکد است مراجعت از مدینه
طیبه برای زیارت فخر کائنات ودر حدیث
وارد شده که ترک زیارت آنحضرت بعد از
حج جفاست بران حضرت وقلیلی از حاج که بمدینه
مشرف نمیشوند وباوطان خویش میروند گویا نمیدانند
که یکی دار السلام ویکی نعم المقام است ودر زیارت
ان حکمت است و در حضور این نعمت القوم
بحج رفته کجایند کجایید معشوقه همین جاست بیایید
بیایید اللهم ارزقنا زیارت بیت الله الحرام وزیارت
قبر نبیک علیه السلام فی عامنا وفی کل عام میان
کعبه ومن گرچه صد بیابان است در پیچ از حرم
در سراچه جانست شنیده ام که بحجاج عاشقی

میگفت که کعبهٔ من سرگشته کوی جانانست

مقصود دویم در احوالات مدینه طیبه و مسجد
حضرت رسول ص اما مدینه منوره در عرض بیست درجه
و صفر دقیقه شمالی و در طول سی و نه درجه و پنجاه و پنج
دقیقه است و جمعیت مدینه طیبه تقریبا شش هزار
نفر میشود و مدینه منوره شهر کوچکی است که قدیما
یثرب می گفتند دار الهجره حضرت ختمی مآب است
و مدفن مطهر ان بزرگوار است در سال دهم از هجرت
امیر المومنین است علی علیه السلام ان بدن شریف را
در خانه ئی که خود حضرت رسول ص که در جنب
مسجد است دفن نمود و جمعی از علما مدفن را
داخل مسجد دانند حدیث لا تتخذوا قبری
مسجدا مؤید قول اوست گویند اولا خانه

ابو ایوب انصاری بوده که ناقه انحضرت زانو
بر زمین نهاد و مرقد شریفش در مکانیست
که اول دفعه پای انحضرت با مکان رسید

و اما مسجد حضرت رسول ص چون جناب رسول خدا
تشریف بمدینه اوردند قطعه زمینی بود از
دو طفل یتیم که مردم در انجا شتر می خوابانیدند
و از معاطن ابل بود جناب ختمی مآب ان زمین را
خریده مسجد بنا کرده و خود حضرت با اصحاب
کار میکردند تا مسجد با تمام رسید و بعضی سقف
انرا بجذوع نخل پوشیدند و ده ستون برای
ان قرار دادند از جذوع نخل وقتی که مسجد تمام
شد شخصی از انصار یکشب چراغی در مسجد
اویخت روشن نمود پیغمبر بسیار مسرور شد

درحق او دعا کرد و حضرت رسول ص در ان مسجد نماز
میکرد و وقتی که از نماز فارغ میشدند بر ستونی
که در جنب محراب واقع شده بود تکیه میکردند
مردم را موعظه میفرمودند بروایتی که عیسی علیه الرحمه
نقل کرده بعد از غزوه خندق که عمرو بن عبدود
کشته شد از شمشیر علی علیه السّلام دین و شریعت
رواج گرفت پسر زن انصاری منبری سه پلّه
ساخت برای مسجد پیغمبر ص حضرت فرمود اجعل له ثلاث
مراة سه پله برای منبر قرار بده شکل دو رمانه در
دو طرف پله اول قرار داده بود و عرض منبر
یک زرع بود ارتفاعش از زمین دو زرع بود بلندی
هر پله دو وجب بود چون نوبت خلافت
بمعویه رسید خواست که منبر را ببرد بشام

و در

و در مسجد یکه بنا کرده بود منبر را نصب کند
شاید خیال پیغمبری داشته این بود که بمروان
حکم نوشت درین خصوص مروان خواست
که منبر را حرکت بدهد کسوف شد و ستاره
نمایان شد در روز موقوف کرد و نوشت
بمعویه سال بعد خود معویه رحمت کشید
بقصد حجّ بمدینه امد خودش امد ایستاد حکم
کرد منبر را حرکت بدهد زلزله شدیدی شد
و باد سیاهی وزید دید چون موافق خواهش
او نشد موقوف داشته رفت بمکّه محض انکه
وضع مسجد را خواست تغییر بدهد امر نمود مسجد*
بزرگ شد و منبر هم باید بزرگ شود شش پله
بر منبر افزود فان المنبر صار بما زاد فیه تسع

* [illegible]

درجات منبر نه درجه شد بالان سه پله اول که در زمان
پیغمبر بود وان منبر بود تا زمان مهدی عباسی که
از خلفای بنی عباس بپا شد در عصر او مندرس
شد از چوب منبر مردم شانه ساختند ملک
مظفر سلطان یمن منبری از چوب صندل فرستاد
که دو رمانه طلا داشت بعد از ان رکن الدین منبر
نه پله فرستاد تا انکه شبی زنی نذر کرده بود
شمع در بالای منبر روشن کند شمع را روی
چوب منبر کذاشت خدمه مسجد هم ملتفت
نشدند شمع سوخت بچوب منبر رسید
اتش کرفت ستون پهلوی منبر مشتعل شد
جذوع سقف مسجد که معویه زیاد کرده بود
اتش کرفت خدام خبر شدند نتوانستند

اتش را خاموش کنند بعضی از منبر و مسجد
سوخت ان اثار معویه از میان رفت
تا چندی منبر از اجر ساخته بودند و مجصص نمودند
بعد از ان سلطان مراد که از قیاصره و از ال عثمان نسبت
منبری فرستاد تا این زمان هنوز نقصی در او
بهم نرسیده کاهی بتعمیر جزئی محتاج میشود ان
منبر چار رمانه دارد دو رمانه در پله اول که در زمان
پیغمبر بوده و دو رمانه بالای عرشه که پشت
سر خطیب بود که معاویه زیاد کرد اما وضع
حالیه مسجد حضرت رسول و مرقد مطهر
اصل بنیان قبر شریف و حجره شریفه و ضریح
و محراب مبارک از ملک الاشرف
قایتبای است قایتبای از سلاطین چراکسه

مصر است که در مصر سلطنت کرده در مصر هم آثار
خیر از او بسیار است در مسجد الحرام هم تعمیرات
نموده و در سنه هشتصد و هشتاد و هشت اینجا را بنا
نهاده و اسم او در حجره شریفه و در ضریح مطهر
در پهلوی اسطوانه و خود در پشت محراب
نوشته است و بنای این حرم و صحن جدید و
اسطوانها که الحق بسیار خوب ساخته انداز
بناهای سلطان عبد المجید خان ابن سلطان محمود خان است
که در عرض پانزده سال بانجام رسانید و بر روضه
شریفه که قایتبای ساخته است که قبر مبارک
حضرت رسول صلعم و صدیقه طاهره سلام الله علیها
و شیخین پلپاشند هیچ متعرض نشده است
و اسم خودش را بنا بر ادب در جائی حکم کرد

نویسند و اکنون باب توسل را باسم او باب
مجیدی میگویند و در صحن مسجد هم در بالای
اسطوانها اسامی ائمه اثنا عشر صلوات الله علیهم
اجمعین را و اسامی عشره مبشره و حضرت
حمزه و عباس را باب طلا نوشته اند و هیچ
متعرض اسم معاویه خال المؤمنین نشده است
که اسم او هم نوشته باشد و در صحن مطهر باغچه
کوچکی است که بباغچه حضرت فاطمه مشهور است
چند درخت خرما دارد و آب او از چاهیست
که در پهلوی باغچه است بقدر چهار پنج زرع ریسمان
پکشک میخورد القصه برای آنکه در میان حرم مبارک
و مسجد شریف فرقی باشد در اسطوانها تفاوتی
گذاشته که نصف اسطوانها مرمر سفید حجاره

دار است و باقی سنگ است و عرض
مسجد مبارک که بجنوب و شمال واقعست شش
ستونست که از این ستون دو پایهٔ مربع بزرگ
حساب میشود چهار ستون مدور است در
اسطوانهها نوشته شده است اول اسطوانه
سریر دویم اسطوانه حرس که صحیح آن محرس است
سیم اسطوانه وفود و طول مسجد مبارک که بشرق
غرب واقع است با پایهٔ مربع که در ضلع هر دو
طرف حساب میشود هفت اسطوانه است
که یکی پایهٔ مربع است و شش اسطوانه شیاره
دار است که اسطوانه اول قطار دویم نوشته است
اول اسطوانه توبه که اسطوانه ابی لبابه است
ابی لبابه اسمش رفاعة ابن منذر نقیب بوده

که خود

که خود را بستون مسجد بست تا قبول توبه اش
از آسمان نازل شد دویم اسطوانه عایشه است
و محراب مبارک در میان اسطوانه سیم و چهارم است
متصل با اسطوانه مخلقه است که اسطوانه چهارم است
و منبر مبارک در میان اسطوانه پنجم و ششم است
و اسطوانه حنانه در قطار ثانیست که اسطوانه
پنجم است که محاذی پله اول منبر مبارک است
دور حرم قدیم در طول هفت ستون است و حد
حرم جدید نه ستونست و حرم قدیم که روضه
مبارک و فضای مسجد بوده است چهل و دو
اسطوانه است و حد حرم جدید که بعد خلفا به
مسجد زیاد کرده اند پنجاه و چهار ستونست
و اصل ضریح مطهر و گنبد شریف از قایتبای است

که یکطرف شبکه برنجی دارد و سه طرف فولادی
که رنگ سبز کرده اند شش حجره طول ضریح سه حجره
عرض که چهار پایه از این چهار پایه مربع محکمی است
که در چهار طرف دارد که بنیان گنبد مطهر که
قبر مبارک است بالای ان چهار پایه است
و چنان محکم و بزرگست که پای طاق مسجد را هم
بر روی ان گذاشته اند که تخمیناً دو ذرع در دو
ذرع میشود که از سنگ است و دو پایه دیگر خانهٔ
فاطمه زهرا علیها السلام است و قبر مبارک ایشان است
که خانه علی و فاطمه بخانه حضرت رسول ص اتصال
دارد و صدیقه طاهره در وسط خانه خود اثار
مرقدی دارد و پوشی بر روی او کشیده و شمع
کافوری و بعضی جارها در روضه حضرتش روشن

نمود

میشود و دو در دارد که از روضه انحضرت داخل
ضریح پدر بزرگوارش میشوند بجز این در راه
دیگری معمول نیست این اوقات بدور همه شباک
ضریح فولاد نصب است و در روضه حضرت
رسول ص قنادیل طلا و بعضی چراغهای دیگر اویزانست
بدور مرقدش هر شب روشن مینمایند و در پیش
روی مبارکش سه شمعدان طلا و مرصع و مکلل
بجواهر گذارده و هر شب روشنست و شیخین را
در پشت سر مبارک حضرت رسول ص بمجاورت
یکدیگر ابو بکر را در جلو و بعد عمر را در عقب
دفن نموده اند چراغها دارد که روشن میکنند
الحاصل باقی اراضی که در مسجد اضافه شده سلطان
عبد المجید خان زیاد کرده و داخل نموده و زمینهای

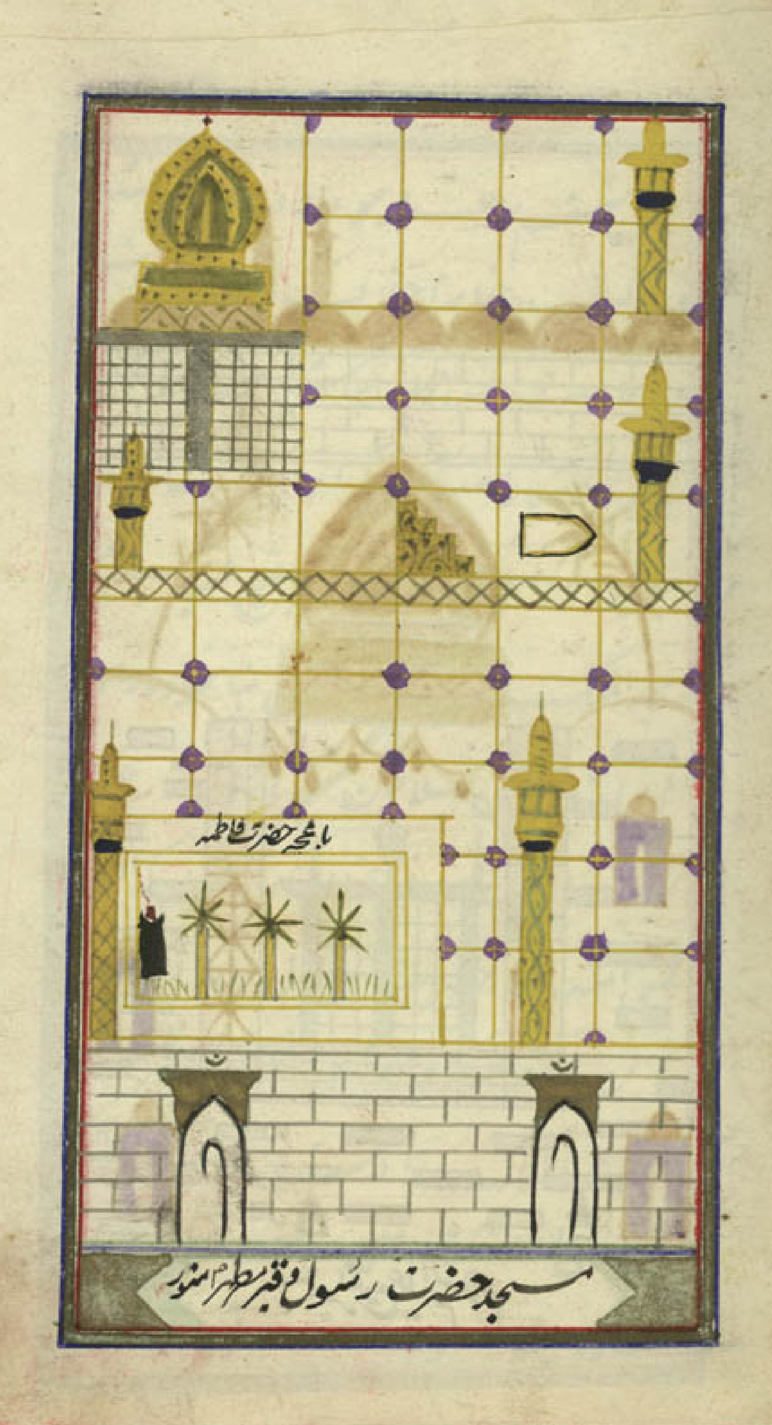
بیست و بلندرا التسطیح نموده واکنون تمام اسطوانهای
حرم مطهر واطراف صحن مبارک دویست و
پنجاه وشش ستونست و در دیوارها هم نصف
ستونهای مربع است که ان خارج ازین حساب است
و در روضه مبارک هم چند ستونست و حرم مبارک
پنج در دارد باب السلام و باب الرحمه در طرف
مغربست باب توسّل که باب مجیدی است در طرف
شمال است باب جبرئیل و باب النسا در طرف
مشرقست طول مسجد مبارک از باب توسّل تا
اخر دویست وبیست قدم است عرض مسجد
از باب رحمت تا باب النسا چهل قدم متوسط است
و فاصله ستونها از سه سمت از یکدیگر نه قدم
متوسطست و فاصله ستونهای رواق مطهر از

یکدیگر

یکدیگر هفت قدمست دور ستونها تفاوتیست
یکزرع و سه چارک یکزرع و نیم است و ستونهای
بزرگ سه زرع است و ستونهائیکه از نصفه
پایین سنگ مرمر است قطر انها سه چارکیست
از هر دهنه سه چراغ اویخته که با روغن زیتون میسوزد
غیر از جارهای قدی و چهل چراغهای بزرگ
و کوچک در مسجد مطهر و منارهای مسجد مبارک
پنج است از همه بزرگتر مناره مایل بجنوب و قبله است
و از همه کوچکتر مناره باب الرحمه باقی در زوایای دیگر است
اسم منارها ازین قرار است مناره باب
السلام مناره باب الرحمه مناره سلیمانیه مناره
رئیسیه مناره اشکلیه در ایام حاج چراغانست
میگویند مناره بزرگ مراتب فوقانی از چوبست

و در مسجد او طاق بجهة خواجهای حرم مطهر و تختی
جای مکبر و موذنان الحق یکقطعه از قطعات جنان
همان موضع مقدس است رزقنا الله زیارته ان شاء الله
و در سمت شرقی قلعه مدینه منوره بفاصله چند
قدم قبرستان بقیعست بقیع از بقاع مکرمه است و
مدفن ائمه اربعه بقیع علیهم السلامست که در بقیع در قبه
عباس ابن عبد المطلب مدفون میباشند صندوق
مطهر ائمه در میان صندوق بزرگ مفروز است
عباس عم رسولخدا هم در میان صندوق
بزرگ مدفونست و اثار مرقد حضرت فاطمه ع روبروی
ضریح مطهر ائمه اربعه است چون در مدفن
ان حضرت اختلافست در مدینه طیبه در سه
موضع ان حضرت را زیارت میکنند

یکی با ائمه بقیع یکی باز هم در روضه ائمه بقیع که اثار
مرقد است و یکی در بیت الاحزان و یکی در مابین
مرقد مطهر و منبر حضرت رسول ص و احتمال کلی درین
موضعست چنانکه منقولست از حضرت امام رضا ع
سؤال کردند از قبر فاطمه ع فرمود که در خانه خود
مدفون شد پس چون زیاد کردند بنی امیه مسجد را
داخل مسجد شد رئیس المحدثین محمد ابن بابویه
قمی نقل کرده که صحیح انست که حضرت فاطمه ع
در خانه خود مدفونست چون بنی امیه مسجد را
بزرگ کردند قبر انحضرت داخل مسجد شد
و الحال در پشت خانه که حضرت مدفونست
علامت ضریح مقدس انحضرت است اما چهار
امام بزرگوار که در بقیع مدفون میباشند اول



حضرت امام حسن ع که بحکم معویه ابن ابی سفیان
جعده بنت اشعث ابن قیس در سال چهل ونه از
هجرت آن امام همام را زهر داد و حضرت سید الشهدا
آن بدن شریف را اورده در بقیع دفن نمود دویم
علی ابن الحسین سید سجاد ع امام چهارم که بفرمان عبد
الملک اورا زهر دادند در سال نود و چهارم
یا نود و نهم از هجرت وفات یافت در پیش
عم بزرگوار خود مدفون شد سیم امام محمد باقر ع امام
پنجم که بحکم هشام ابن عبد الملک مسموم شد
و در سال یکصد و چهارده از هجرت رحلت نمود
و در بقیع در پیش پدر و عم پدر مدفون شد چهارم
امام جعفر صادق علیه السلام امام ششم است که بفرمان
منصور حضرت را زهر دادند و در سال یکصد و

چهل ششم رحلت فرمود و در بقیع مدفون شد
و در کتب اخبار اختلاف در زمان ولادت
و وفات ائمه اطهار بسیار شد چون مبنای کتاب
بنا بر اختصار است ذکر آنها باعث تطویل
میشود اما اصل بنای بقعه ائمه بقیع علیهم السلام را
مجد الملک را دستانی قمی بنا نموده و او
یکی از وزرای سلاطین سلجوقی بود و آثار خیر او
بسیار است و قبه عثمان ابن مظعون که اول
کسی است حضرت رسول او را در بقیع
دفن نموده که اصحاب خاص آنحضرت است
اینهم مجد الملک را دستانی ساخته است
و گاهی اشتباه اسمی با مقبره عثمان ابن
عفان میشود معلوم است که قبه عثمان



خارج است از بقیع واما تعمیر بقعه مبارک

ائمه بقیع از سلطان محمود خان که از سلاطین عثمانیست

که در سنه هزار و دویست و سی و چهار ۱۲۳۴

محمد علی پاشای مصری بامر سلطان تعمیر نموده

و بعد هم تعمیرات کرده اند و هر ساله در صورت

لزوم تعمیر میکنند و ضریح مطهر ائمه بقیع علیهم السلام

از چوب بود چند سال قبل یکضریح فولادی

کتابیب طلاکوب بسیار ممتاز اعلا حاجی

محمد علیخان امین السلطنة بمباشرت حاجی

حسینعلی وسعی حاجی میرزا علی نقشینه در اصفهان

تمام نموده از جهة روضه منوره ائمه بقیع علیهم السلام

که طول الضریح هفت ذرع است و عرض سه ذرع و

نیم قد با دو ذرع و نیم تقدیم نموده حمل بجده شده

و بعد حمل بمدینه منوره تا درین سنه که هزار و سیصد و ۱۳۲۱

بیست و یک برپا شد از جانب باب عالی ارشد نصب

الضریح مطهر و الضریح را نصب نمودند که در تاریخ نصب

آن این خادم زائرین عرضه داشته هزار شکر که شد نصب

بر بقیع ضریح   بنای کعبه دگر شد از خلیل ذبیح   گذشت

سیصد و بیست و یک هزار هجرت   که نور حق

تجلی بود یقین در ضریح   مصرع آخر را هرگاه تجلا نخوانی هزار و

سیصد و بیست و یک میشود   اگر تجلی بخوانی هزار و

سیصد و سی میشود امید است که انشاالله تا سال دیگر

که هزار و سیصد و سی میشود مثل سایر ائمه گنبد بارگاه

عالی بانیان خیر را موضع مقدس بنا نمایند معین است

خدمت بائمه طاهرین باعث شکوه دولت

اسلامیان و استیلای بر اشرار است واقعاً

[illegible] تاریخ

[illegible] شعر

نصب ضریح ائمه بقیع

قبور مطهر [illegible]

علیهم السلام [illegible]

[illegible] این

[illegible]

مقدس [illegible]

[illegible] ۱۳۰۱

[illegible] اسمعیل

غریب در وطن این چهار امام بزرگوار میباشند
الحاصل از بنی هاشم واصحاب کبار وفضلای روزگار
واز مخدرات در بقیع قبر بیا راست بیت الاحزان
فاطمه در بقیع است وصفیه عمه حضرت رسول هم
در بقیع مدفونست وقبر عقیل وعبد الله ابن جعفر طیار
هم در بقیع است اگر چه مشهور است که عقیل در راه
شام شهید شد وقبر فاطمه بنت اسد والده حضرت
امیر المؤمنین انهم در بقیع است واز دیوار قبرستان
بقیع خارج است بقعه علاحده دارد که حضرت رسول
درمیان قبر او خوابیده ورحمت فرستاده ونماز
گذارده وفرموده که حق مادری وپرستاری بمن دارد
مجلسی علیه الرحمه در تحفة الزائر نقل مینماید که از کلام
شیخ در تهذیب مفهوم میشود که فاطمه بنت اسد

نزد ائمه بقیع مدفون باشد ومزاریکه الحال معروفست
دور است از ائمه بقیع ودور نیست که آن موضعیکه در
پیش روی ائمه بقیعست زیارت حضرت فاطمه
زهرا را در آنجا میکنند محل قبر فاطمه بنت اسد باشد
که اشتباه کرده باشند الحاصل بنابر آن خبر که حضرت
امام حسن ع وصیت میکند به برادر بزرگوارش
حضرت سید الشهدا ع که اگر مانع شدند در روضه
جدم رسول خدا مرا ببر در بقیع نزد جده ام فاطمه بنت
اسد دفن کن شاید همین طور باشد واین قبر یکه
معروفست بفاطمه بنت اسد شاید که از فاطمه بنت
الحسین باشد یا از مخدرات دیگر والعلم عند الله باری
بنات رسول خدا ام کلثوم وزینب ورقیه در یک
بقعه میباشند وقبر ابراهیم پسر رسول خدا وسعید

خدری هم در بقیع است زوجات پیغمبر هشت
نفر در یک بقعه مدفونند و اسمشان به تخته نوشته
روی قبرشان گذارده اند و مقبره حضرت عبد الله
پدر حضرت رسول ص در سوق الطوال واقع است
و آنحضرت بدیدن اخوال پدرش عبد المطلب که از
بنی نجار بودند آمده بود و در مدینه دو سال و چهار
ماه بعد از ولادت فخر کاینات و سید موجودات
وفات یافته است و در مدینه منوره مدفون شده
و قبر مبارک ایشان اکنون بقاعده اهل اسلام رو
بقبله است رسم نبوده که اموات را آن زمان رو بقبله
دفن کنند یعنی نکه بعظمه بتجمل ضریحرا در اسلام
چنین ساخته باشند و کوه احد کوه احمریست
که در شمال مدینه واقعست و از مدینه تا مقبره حضرت

حمزه

حمزه سید الشهدا سه ربع ساعت راه است
و شهادت ایشان سال سیم از هجرت اتفاق افتاده
بالاتر از حمزه در شمالی مقبره مسجدیست که میگویند دندان
مبارک حضرت رسول ص آنجا شکسته است تقریبا
بفاصله هشتصد قدم از مقبره حمزه در آخر دره باز
مسجدیست که حضرت رسول کمانداران لشکر را
با عبد الله جبیر در آنجا باز داشته اینها که بغنیمت
رفته لشکر مخالف دره را گرفتند که شکست
بر اسلام واقع شد در جای اینمسجد میگویند که حضرت
رسول ص مجروح شد بتنهائی نماز خوانده که حضرت
صادق ع بعقبه ابن خالد یا مالک فرمودند که درین
مسجد نماز کن و اینمسجد در میان دره واقعست
و مقبره حضرت حمزه را سلطان عبد المجید خان



شهدای احد و قبر حضرت حمزه سید الشهدا

ساخته است و شهدای احد نیز در همانجا میباشند
بجز حمزه ابن عبدالمطلب و عبدالله ابن جحش برادر
زینب است که از زوجات محترمات حضرت
رسول ص بوده که خواهرزاده حضرت حمزه است
و مسجد الفتح که مسجد احزاب نیز میگویند در سمت
غربی واقعست انجا که غزوه خندق اتفاق افتاده که
عمرو ابن عبدود بدست مبارک حضرت امیر کشته شد
رسم خندق که حضرت رسول ص بدست مبارک خود
با اصحاب کنده بود درین زمان منطمس شده و اعراب
حفظ نکرده اند که چنین علامتی در اسلام پایدار بماند
و طول خندق از اعلای وادی بطحا نست و درین
مورد بود که حضرت رسول ص فرمود که تمام ایمان
مقابل شد با تمام کفر باز فرمود ضربت علی یوم

اسم دیگری معروف زینب و عبدالله بن جحش

الخندق افضل من عبادة الثقلین درین واقعه است
که شاعر میگوید پیمبر سرودش که عمر است این
که دست یلی آخته ز آستین علی کتف الشاه
اینک منم که یکحمله است شیر است در جوشنم
و در قبله مسجد فتح چهار مسجد دگر هم هست که همه را
مسجد فتح میگویند مسجد مصلی که او را نیز مسجد قما
هم میگویند بابین مغرب و جنوب قلعهٔ مدینه است
مسجد شجره که میقاتگاه اهل مدینه است که حالا
عربان بئر علی میگویند تا مدینه یکفرسخ نیم است
که حجاج در انجا غسل کرده محرم میشوند و دران مکان
چندین چاه کنده اند و خود مسجد شجره چهار دیوار
مختصری دارد و در انجا حدیثی نوشته شده است
که در صحیح بخاریست که حضرت رسول ص در مسجد شجره



نماز خوانده است مسجد قبا در جنوب مدینه واقعست
واز دروازه مدینه تا مسجد قبا تقریباً دو هزار قدم میشود
برای مسجد قبا همین شرافت بس که در قران مجید خداوند
انجا را المسجد اسس علی التقوی بیان فرموده و تعمیرات
مسجد قبا از سلاطین عثمانیست چهل و یک اسطوانه
دارد در پایه طاق بزرگ اثار محرابیست و بر او
نوشته هذا محل ایة القرانیة بفاصله چند قدم محرابی
دیگر است در انجا نوشته محل ناقه قصوی بیرون مسجد
بقعه ایست بر سر در او نوشته هذا مقام علی کرم الله
و بالاتر از ان مسجد کوچکی و در انجا چاهیست اب
شیرین و خوشگوار دارد معروف به بئر خاتم میگویند
انگشتر حضرت ختمی ماب در انجا افتاد و اب بالا
امده خاتم را بدست خاتم پیغمبران داد و در نزدیکی

انجا دو بقعه میباشد یک بقعه بر محرابش نوشته
هذا مقام فاطمه رضی الله عنها و دیگری بر محرابش نوشته
هذا مقام عمة النبی علیه الصلوة والسلام مشربه ام ابراهیم
که ماریه قبطیه مادر ابراهیم پسر رسول خداست در همانسمت
واقعست که حضرت صادق مخصوصاً بعقبه ابن خالد
زیارت چند مکان را بیان فرمودند که یکی مشربه ام
ابراهیمست که حضرت رسول ص یکماه بزنان خود
خشم کرده انجا اقامت فرمود از سنگ
سیاه ساخته اند مسجد کوچکیست و چندان ابادی
ندارد مسجد سقف و دیوار سه طرف ندارد
مسجد فضیح میان مسجد قبا و مشربه ام ابراهیمست مسجد
طولانیست تقریباً بیست ذرع طول دارد و
قدری از ان مسجد را بچوب خرما پوشانیده اند

وقتی که حضرت رسول ص بنی نضیر را محاصره فرمود
خیمه مبارک را در نزدیک آن مسجد زده و شش شب
حضرت در آن مکان نماز خوانده و از مدینه تا مسجد قبا
تمام باغستان خرمات و مسجد فضیخ در جنوب مدینه
و مشربه ام ابراهیم مایل بمشرقست و قبر نفس زکیه
محمد ابن عبد الله المحض ابن الحسن ابن علی در ما بین مغرب
و شمال شهر مدینه است در نزدیکی کوه سلع در راه
احد واقعست که پشت مدینه طیبه باشد برادر
ابراهیم قتیل باخمراست که عیسی ابن موسی با امر
منصور نزدیک شهر مدینه وی را شهید کرد و
خواهرش او را در مدینه دفن نمود و قلعه مدینه از سلطان
سلیمانست افسوس که خندقی که حضرت رسول ص
بدست مبارک خود با اصحاب کنده چنان

رسم آن مندرس شده که بقرینه قیاس باید
دانست و اسمعیل ابن جعفر صادق در پهلوی دیوار
قلعه مدینه است بسمت بقیع میان قلعه مدینه
و سادات اسمعیلیه نسبشان منتهی بشود باو و مسجد
ابوذر رضی الله عنه در سمت کوه سلع در راه احد
واقعست الغرض مدینه طیبه تمام از زمین عرش تمکین
از مقدم خاتم النبیین ص مشاهد و معابد و مساجد است
ولی بر حسب ظاهر سی مسجد و بیست چاه که از آب
آنها حضرت رسول وضوء ساخته و چهل مشهد است
و در بین مکه و مدینه قریب بصفراء آثار مخروبه است
که میگویند ربذه آنجا است و قبر ابوذر رضی الله عنه
در آنجا میباشد که هیچ شایسته آنجناب نیست
شخصی را که حضرت رسول در حق او بفرماید ما اظلت

الخضراء ولا اقلت الغبراء اصدق من ابی ذر دریچه
شخصی عجب مجهول القدر و مفقود القبر مانده است
در وادی صفراء قبوریست که میگویند شهدای
بدراند و بدر موضعیست که خداوند عالم یاری
کرد پیغمبر خود را فرمود لقد نصرکم الله ببدر و انتم اذلة
ابوجهل ملعون درین موضع بجهل خود رسیده و
بدر چاهیست که بدر ابن قریش کنده و چنین بین
طایفه و مکه است الحاصل مستحب است مجاورت
مدینه طیبه و غسل در وقت دخول مدینه دو رکعت
نماز ما بین قبر مطهر و منبر مبارک مستحب است سه روز
روزه در مدینه طیبه بقصد ادای حاجت و نیز
سنت است نماز کردن در نزد ستون ابی لبابه
که ستون توبه است در شب چهارشنبه و نماز در

نزد ستون که مقام حضرت است در شب
پنجشنبه و نیز سنت است رفتن در مساجد
مدینه مثل مسجد احزاب و مسجد فتح و مسجد فضیخ
و مسجد قبا و قبور شهدای احد خصوصا قبر
حضرت حمزه سید الشهدا و مواضع دیگر و مناسبست
اتفاق و اکرام در حق شیعیان که در مدینه طیبه ساکن
میباشند که انها را نخاوله میگویند و اکرام سادات
بنی هاشم که در انجا هستند و زیارتگاهیکه در بین
رفتن و برگشتن بمکه و مدینه دیده میشود از جمله زیارت
زینب بنت امیر المؤمنین است که بنا بر روایت
معروف در شام مدفون میباشد که در بیرون شام
بقعه مطهره انخدره است جای باصفائی اتفاق
افتاده است اصل بنای بقعه را امیر تیمور گورکانی

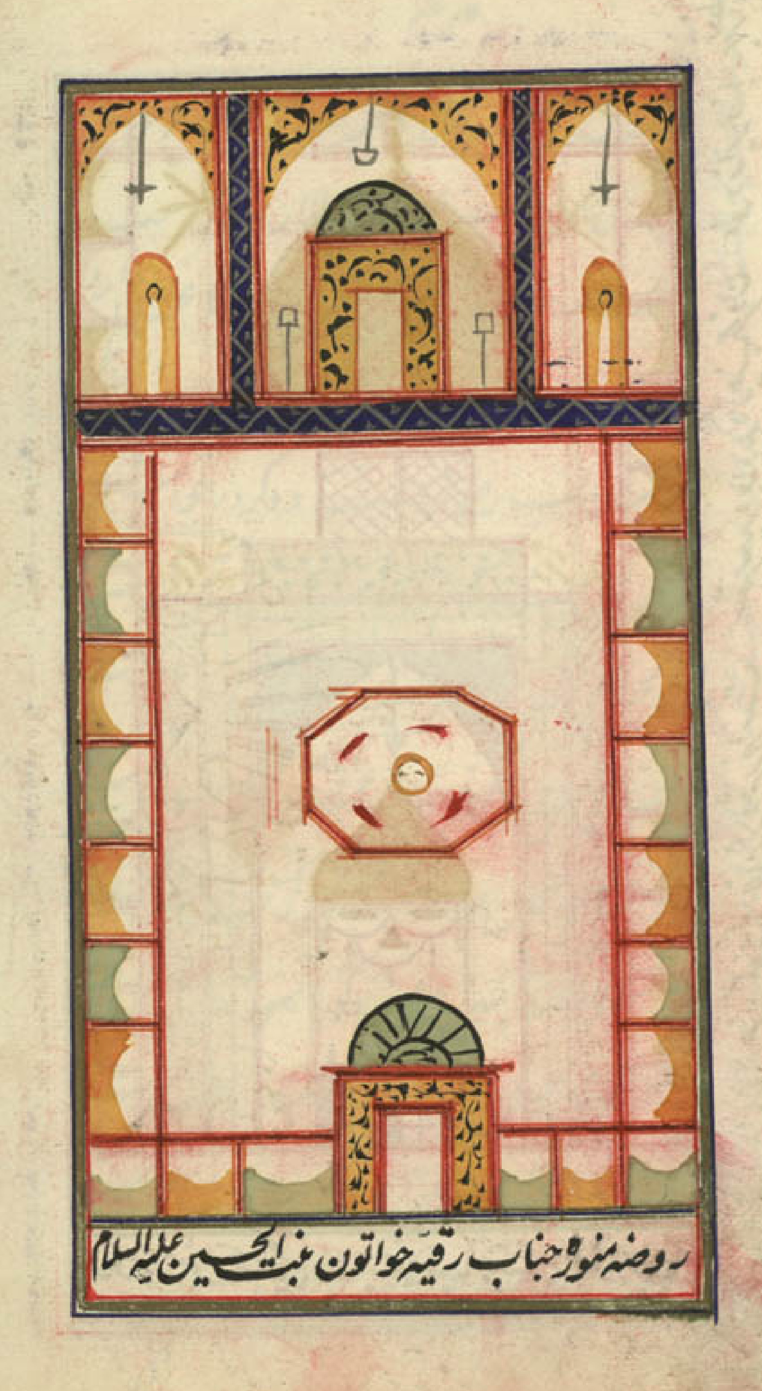
نسبت میدهند و تعمیر بقعه و صحن را مرحوم
حاجی میرزا حسینخان سپهسالار نموده است
در روضه شریفه مظلومه حالت بکا غریبی دارد
و مصائبی که بران مظلومه وارد شده است بخاطر
انسان بسیار مؤثر است و دیگر در خود شام
محوطه میباشد که در انجا مشهور است که رقیه بنت
الحسین طفل سه ساله حضرت سید الشهدا وفات
نموده حیاط محقر و روضه مختصر کوچکی دارد گویند
وقتی که شخص وارد انجا میشود یک سوزشی در قلب
شیعیان پیدا میشود که گویا هنوز ناله الطفل یتیم
بگوش جان میرسد بی اختیار رقت دست
میدهد و همین سوزش بود که در قلب امیر تیمور گورکان
اثر کرد که حکم کرد شهر شام را اتش زدند



روضه منوره علیا جناب زینب بنت امیر المومنین ع

وگویند خرابه شام همان موضعیست که از طفل یتیم
مدفونست و این مرثیه را در زبان حال صغیره حضرت
ابا عبدالله ع این خادم الزائرین عرضه داشته

تا گشت در خرابه سر شاه جلوه گر ... میداد نور
عارض وی نور بر قمر ... برداشت گل نقاب
ز رخ چون بگلستان ... چهچه فتاد بلبلکی در پدر ز پدر
پژمرده دید چون گل بستان فاطمه ... بابا کنان
ز دیده همی ریخت اشک تر ... کی باب تاجدار
عجب امدی بیا ... از اهلبیت خویش نداری مگر خبر
بابا کدام ظالم بیرحم از ستم ... بکشت کودکان ترا
کرد بی پدر ... در مجلس یزید شنیدم صدای تو
فهمیدم این زمان که تو بودی بطشت زر ... حق داری
امی پدر که تبسم میکنی ... هی زد یزید چوب بدین غنچه گهر



روضه منوره جناب رقیه خواتون بنت الحسین علیه السلام

رفتی کجا سراغ تو هرگه گرفتمی ‌ میگفت عمه ام پدرت رفته در سفر
بابا مگر مسافرت خلد کرده ‌ هر جا که رفته بی دل نخسته را ببر
میگفت و میگریست نبد چیز دیگرش ‌ جز جان نازنین
که نمودی نثار سر ‌ خاموش شد یتیم حسین و بلند شد
افغان ز بانوان و ز اطفال در بدر ‌ بر تخت زر یزید
راحت بخواب خوش ‌ زین العبا بگریه شب ناله سحر
زایر اگر بشام خراب گذر فتد ‌ اید هنوز ناله ز قبرش
پدر پدر ‌ روزی شود به بهشت ابدل کربلا ‌ بر خاک
استان حسینی نهاده سر ‌ و چند بقعه دیگر هم در شام
هست که یکی از انها را میگویند سکینه بنت الحسین است
و یکی را هم نسبت بعبدالله جعفر طیار شوهر حضرت
زینب خاتون علیها سلام میدهند میگویند انجا مدفونست
و قبر بلال موذن حضرت رسول ص در شام است

و در مصر مزاریست که مشهور است بسیده نفیسه دختر
محمد ابی محمد حسن ابن زید بن الحسن ابن علی ابیطالب
علیه السلام است که زوجه اسحق ابن جعفر الصادق علیه
السلام است از علویات صحیح النسب است و عباس
پاشا ضریح خوبی ساخته است و مزار مطهر راس الحسین
نیز در مصر است که بنا بروایتی سر مطهر حضرت ابی عبدالله ع
در مصر مدفونست محل زیارتگاه است گویند حالت
بکاء غریبی دارد و خدیو مصر مسجد را التعمیر بسیار خوب
نموده چهل و پنج ستون سنگ مرمر یکپارچه دارد
و قبر عبدالله ابن طباطبا نیز در قرافه مصر است و قبرش
معروف است باجابت دعوت اللهم ارزقنا زیارت قبر
نبیک و اله علیهم السلام **مقصود دویم** در
احوالات نجف اشرف مشهد منور حضرت امیر المؤمنین ع

علی ابن ابیطالب علیه السلام است در غربی شهر کوفه
بمسافت یکفرسنخ اتفاق افتاده است و عرض
نجف سی و دو و طول شش انحراف قبله سیزده درجه است
و در انخاک پاک مرقد مطهر امام المشارق والمغارب
علی ابن ابیطالب علیه السلام است که در نزد مدفن ادم
ابو البشر و نوح پیغمبر مدفون شده و قبر مطهر انحضرت
مخفی بود و مطلع نبودند مگر قلیلی از خواص شیعه
تا انکه چون حضرت صادق ع در زمان سفاح
بعراق تشریف اوردند بجمعی از شیعیان و اصحاب
خود نمودند قبر انحضرت را و فرمود علامت
قبر را ساختند و باز همین طور مخفی بود تا در عصر
هرون الرشید معلوم و ظاهر گردید و هرون
الرشید گنبدی و مسجدی در انجا بنا نهاد و عضد

الدوله

الدوله دیلمی بر عمارت و ابادی او کوشیده
و در تاریخیست که مشهد امیر المومنین و مشهد
حسین ابن علی و باروی مدینه و بیمارستان
بغداد از عضد الدوله دیلمی بوده و قبرش هم در
نجف است و بعد از عضد الدوله ال بویه و سلاطین
صفویه بتعمیرات و زیارات ان بقعه شریفه مفتخر
بودند و بنای گنبد مطهر از صفویه است و بعد
نادرشاه در سنه [۱۱۵۶] هزار و صد و پنجاه و شش بیرون گنبد
مطهر را با ایوان و گلدستها را طلا نموده معروفست در وقتی
که نادرشاه افشار گنبد مطهر را طلا میکرد در پنجه طلائی
که میخواستند بالای گنبد مطهر نصب کنند از نادر پرسیدند
درین پنجه چه باید بنویسیم و در طلا نقش نمائیم نادرشاه
بدون تامل گفت بنویسید ید الله فوق ایدیهم

میرزا مهدیخان وزیر متحیر ماند که نادر سواد ندارد
این را از کجا گفته روز بعد از نادر شاه سؤال
کردند نادر گفت همان را که دیروز گفته ام بنویسید
معلوم شد که از غیب بزبان او جاری شده و این
خادم الزائرین عرض کرده انشکل پنجه که بران گنبد
زر است اینک نمونه ایست که از جنگ خیبر است
با دست حق گرفت در قلعه را وکند یعنی روز
جنگ مراکوه اسپر است باری داخل گنبد مطهر
منور را با کاشی معرق مثل قدح چینی معلق ترصیع کرده اند
که خطوط ان باسم منوچهر خان معتمد الدوله است
اینطور کاشی باین لطافت و امتیاز کمتر دیده
شده ضریح مطهر از نقره است پیشکش صفویه
علیا شد چهار قبه مرصع خیلی ممتاز اعلی برای

چهار گوشه ضریح مطهر شاه سلطان حسین صفوی
پیشکش کرده است کلابتون دوز روپوش از عهد عضد الدوله
دیلمی برای روی مقبره مبارک حضرت فرستاده اند
وقتی که قبر مطهر هیچ حفاظ نداشت و از اجر و گچ بوده است
الی حال که در روی ضریح مطهر می اویزند تقریبا هشتصد
سال میشود بدون عیب است الفقدر جواهر و طلا از سلاطین
و مخلصین شیعه برسم وقف و نیاز دران استان مقدس
پیشکش شد که بعد از فتح هندوستان پیشکش ان استان
مقدس نموده از جمله دو الماس بزرگ گرانبها نادر
و یاقوت و لعل بسیار ممتاز با بعضی اشیا دیگر
و قندیل بسیار بزرگ مرصع که علیمراد خان زند پیشکش
نموده که فیروزه های درشت و جواهرات دیگر دارد
و یک قطعه اسوز مرصع خیلی ممتاز و شمشیر جواهر و بعضی

جواهرات دیگر انهم از پیشکشهای نادرشاه مرحوم است
قندیل بزرگ با زنجیر طلا آویز مروارید درشت جور
وغلطان که خیلی امتیاز دارد زینب بیگم دختر شاه طهماسب
صفوی پیشکش نموده جای دو انگشت مبارک جواهرات
بسیار نصب شده جقه الماس برلیان از مرحوم
ناصرالدین شاه شاه ایران در سفری که بزیارت مشرف
شده پیشکش نموده در انموضع نصب شده وجواهرات
دیگر بسیار است و قندیلهای طلا و نقره معلق بسیار است
ویکتاج طلا مرصع بالای سر در قفس بزنجیر آویخته است
گفته اند از پیشکشهای هند است و پرده ها از جبه در
حرم مطهر مروارید دوزی و منقول دوزی بسیار است
که مردم پیشکش کرده اند و سنگهای هزاره حرم مطهر
در رواق تقریبا طول انها دو زرع میشود گفتند این سنگ

بارگاه منور حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام



قبرستان وادی السلام

نجف

از اعجاز آن بزرگوار از معدنیست که در همان نواحی
پیدا شده که زمین حرم و رواق را از همان سنگها
فرش کرده اند و درهای حرم مطهر از نقره است
دو در از سمت بالای سر که محل آمد و شد نیست پنجره
نصب کرده اند و از پائین پا دو در است که داخل
حرم مطهر میشوند و از پشت سر مبارک هم در بزرگیست
جز این سه در راه دیگر بحرم مطهر نیست در رواق مطهر دور
تا دور حرم مقدس میگردد و رواق مطهر را حاجی
حمزه آقای خوئی آئینه کاری بسیار ممتاز کرده د
از سه طرف از صحن مقدس وارد رواق میشوند یکدر
از طرف ایوان طلا وارد رواق مطهر میشود و یک
در از سمت در قبله و یکدر هم از پشت سر رو
روی در طوسی و ایوان مقدس ایوانیست

بی سقف و ستون که تمام گلدسته و دیوار ایوان یک
پارچه تا هزاره از خشت طلاست بسیار عالی و
باشکوه و ایوان مطهر بسمت مشرق واقعست در وقت
طلوع آفتاب جلوه غریبی دارد چنانکه شاعر گوید
زهی بخاک درت از ره پریشانی   بهر صباح نهد
آفتاب پیشانی   و صحن مطهر حضرت صحنی است وسیع
دارای پنجدر است یکدر بسمت قبله و یکدر بسمت شمال
و یکدر بسمت مغرب و دو در از سمت مشرق است و اصل صحن
مطهر بسیار با روحست و اطراف آن دو مرتبه حجرات است
با کاشی معرق ساخته شده است خیلی رفیع ممتاز
اصل بنای صحن از سلاطین صفویه است و تعمیرات
صحن مقدس از نادرشاه افشار است بالای سردر صحن
در طلا کردن گنبد و ایوان سردر اسم نادرشاه

افشار ثبت شده است و گنبد و رواق مطهر در وسط
صحن واقع شده است از سه سمت محجر است از سمت
شرقی طاق زده اند که از زیر طاق بطور دالان آمد و
شد میشود یک ناودان طلا از بام رواق مبارک
رو بقبله نصب کرده اند که ناودان رحمت میگویند
و بالای سردر بزرگ که در سمت مشرق وارد میشوی
یکدستگاه ساعت نصب نموده اندکه پیشکش
میرزا اسمعیل خان امین الملک مرحوم است و از علما
در ایوان و صحن مقدس و اطراف صحن مقدس قبور
بسیار است سید بحرالعلوم و مقدس اردبیلی علامه حلی اعلی الله مقامهم
در بین ایوان مقدس مدفون هستند از در
قبله که وارد میشوی بدست چپ قبر مرحوم شیخ
مرتضی انصاری است و در روی بقعه مرحوم شیخ

و در این اوقات [illegible] صحن [illegible]
[illegible]
نموده اند

مرقد قدسی مرحوم حاجی سید اسدالله اصفهانی اعلا الله مقامه
میباشد مقبره شیخ طوسی اعلی الله مقامه با بعضی از علما
نزدیک بصحن سمت در طوسی واقعست و متصل بدر
طوسی وقت وارد شدن بصحن مقدس دست چپ
مقبره مرحوم حجة الاسلام حاجی میرزا محمد حسن شیرازی
اعلی الله مقامه میباشد و سمت بالاسر که دالانست مرحوم
شیخ جعفر شوشتری با بعضی از علما مدفون میباشند
نزدیک بدالان جائیست که درویش بکتاشیه منزل
دارند از سلاطین قاجار قبر آقا محمد خان مرحوم در
رواق پشت سر واقعست و در پای ایوان طلا حوضیست
از سنگ مشهور بحوض کوثر است که در وسط آن
چهل چراغ برنج نصب است که شبها با فانوسهای
شیشه روشن میکنند و در تا بدور صحن مقدس

فانوسهای

فانوسهای بسیار می آویزند که هر شب روشن میکنند و
قلعه نجف اشرف از حاجی محمد حسین خان صدر اعظم
اصفهانی میباشد که در عهد خاقان خلد آشیان فتحعلی شاه
قلعه از آجر و گچ دور قصبه نجف اشرف کشیده نود و چهار
هزار تومان اشرفی یکمثقالی طلا مخارج القلعه و مدرسه
صدر شده اجرای نهر نجف اشرف ابتدا مرحوم
شیخ محمد حسن مجتهد از پول هند ناقص گذاشت وکیل
الملک خواست بانجام برساند مباشرین از روی
بی بصیرتی موازنه ارتفاع از آن کرده باز ناقص و مجهول
ماند تا آنکه در سفر تشرفیابی مرحوم ناصر الدین شاه بتوسط
مرحوم حاجی سید اسدالله جاری شد و تاریخ آن جاء
۱۲۸۸
ما، الغری و بعد باز بتعمیر محتاج شد در این سنوات ملک
التجار اصفهان جاری ساخت و خدام ملائک پاسبان

حضرت امیر مؤمنان و مولای متقیان قریب ند و بیست
نفر میباشند درین سنه کلیددار و خازن ان عتبه
عالیه اقا سید جواد که از اجله سادات است
میباشد و از دروازه قبلی سمت جنوب تا محل
دریا که این سالها خشک شده و زراعت میکنند
تقریبًا چهار صد قدم میشود وادی السلام در سمت
شمال قلعه نجف واقعست که کشیده شده تا بسمت
مشرق قلعه نجف اشرف و از دروازه سمت مشرق
تا وادی السلام تقریبًا صد قدمست و در قبرستان
وادی السلام از اخیار و علما العقدر مدفون میباشند
که نهایت ندارد از چهار طاقی و قبور پیش از یک
شهر معتبر سواد دارد و بعضی بقعه ها و گنبدها دارد
از جمله بقعه هود و صالح است مرویست از حضرت

امام جعفر صادق ع که با اهل کوفه فرمودند که در پهلوی
شهر شما قبرستانی هست که از ان محشور میشوند صد و
بیست هزار کس مثل شهیدان بدر وان وادی السلام است
فضیلت زمین نجف بسیار در کتب اخبار مبسوط و در
حدیث وارد است که نجف اشرف قطعه البیت
از کوه طور بین عرب و عجم معروفست سلطان مراد
که از سلاطین عثمانی بود در وقتی که قصد زیارت
حضرت امیر المؤمنین ع نمود و قبه علویه را از دور دید
خواست که از چهار فرسخی پیاده مشرف شود یکی از
اهل عداوت گفت که علی ابن ابیطالب خلیفه حضرت
رسول بود و تو نیز خلیفه هستی پیاده بروید سلطان
مراد قران خواست برای انجام این قصد تفال زد
این ایه امد فاخلع نعلیک انک بالواد المقدس طوی



سلطان حکم الفضول را زدند پس با ارکان دولت
پیاده بآن آستان مقدس مشرف شده القصه از دروازه
نجف که بسمت کوفه میروی بدست چپ راه مقبره
کمیل ابن زیاد است تقریباً تا قلعه نجف اشرف یکمیدان
راه است و کمیل ابن زیاد از اصحاب خاص امیر مؤمنان است
و نزدیک بمسجد کوفه دست راست قبر میثم تمار است
در آنجا مدفون است میثم هم از شیعیان خاص مولای متقیان است
از نجف اشرف تا مسجد کوفه تقریباً یکفرسخ است و در آن
مسجد مقامات بسیار است که تفصیل آن اجمالاً از این
قرار است اما مسجد بزرگ کوفه که قلعه مانند از آجر پخته
شده است معلوم نیست اصل بنا را کی کرده و در چه
تاریخ ساخته اند آنچه از روی تحقیق میگویند دیوار
سمت قبله که محراب حضرت ولایت مآب آنجا واقع شده



از قدیم مانده است و بعد از دو طرف دیوار کشیده اند
و بنای کهنه را حفظ کرده اند پاپهای جلو صفه قبله قدیمیست
و حجراتی که موجود بوده از بنای مرحوم سید بحر
العلوم و شخصی تاجر از اهالی مسقط و ملا محمود کلیدار
نجف اشرف و از زوار ایرانی و بیشتر تعمیر از مرحوم
شیخ عبد الحسین بوده و بعد حاجی محمد صادق اصفهانی
تمام مسجد و حجرات را تعمیر کرده و مناره مسجد که در
جنب باب الفیل ضلع شمالی مسجد واقعست حاجی
قاسم نام تاجر سمنانی بنا کرده است الحاصل مقامات
مسجد که نذر هر یک دو رکعت نماز وارد است
اول مقام حضرت ابراهیم دویم مقام حضرت رسول که در
لیلة المعراج در آسمان چهارم محاذی اینمقام نماز خوانده
سیم مقام حضرت آدم چهارم مقام حضرت جبرئیل

پنجم مقام امام زین العابدین ششم مقام نوح هفتم
مقام محراب حضرت امیرالمومنین ع که متصل آنحضرت است
هشتم محراب دیگر که بفاصله سی قدم در صفه دیگر واقعست
که اختلاف کرده اند که شهادت درین دو محراب کدام واقع شده
باشد نهم محراب حضرت امام جعفر صادق ع دهم دکة القضا
که محل حکومت و مرافعه حضرت ولایتمآب بوده است
یازدهم بیت الطشت که موضع معجزه معروف حضرت
حضرت امیرالمومنین ع در باب دختر حامله دوازدهم مقام
حضرت خضر آنچه معلوم میشود که این مسجد مسقف
بوده و این مقامها موضع ستونهاست بنای
محرابها که در مقامات ساخته اند مختلف است
و معلوم نیست که ساخته است غالباً بتوسط سید
بحر العلوم تعمیر شده است یک میل سنگی بارتفاع

دو ذرع

دو ذرع در مقام امام محمد تقی است بقطر یک نعل
شاخص ظهر است که در بعضی مساجد نصب میکنند
و محل کشتی نوح نبی در وسط واقعست و بقعه حضرت
مسلم ابن عقیل در ضلع مسجد ما بین مشرق و جنوب
واقعست اصل بنای بقعه از مرحوم شیخ محمد حسن
مجتهد است که از پول هند ساخته است ایوان و
تعمیرات و طارمه و غیره را از جانب شاه مرحوم
محمد شاه شیخ عبد الحسین مباشر بوده است و ضریح
برنج او را مادر آقا خان محلاتی ساخته و بالفعل ضریح او
نقره و بقعه و گنبد را تعمیر بسیار خوب کرده اند و این
بیت از مرثیه است که در کاشی بالای سردر او
نوشته   نه هر کس را رسد نایب مناب شاه دین گردد
مگر مسلم که در عالم بدین خدمت مسلم شد * و روبروی

بقعهٔ مسلم علیه السلام بفاصلهٔ چند قدم در ضلع شمالی
مسجد بقعهٔ هانی ابن عروه است اصل بقعه را شیخ
محمد حسن مجتهد و اضافات را مرحوم شیخ عبد الحسین
ساخته است و در زاویهٔ مسجد معروفست که قبر مختار
ابن ابو عبیده ثقفی آنجا میباشد و از دیوار سمت قبله
مسجد بفاصله صد قدم خانهٔ حضرت ولایتمآبست که
برای علامت گنبد کاشی کبودی ساخته و تعمیر کرده اند
درب مسجد که بسوی خانهٔ حضرت تشریف میبردند پهلوی
منبر حضرت بوده که نزدیک مقام هفتم معین است
و حالا برای علامت سنگی نصب کرده اند و در سمت
شمالی مسجد مقبرهٔ حضرت خدیجه صغرا دختر حضرت امیر است
که تغییر نشده است سه باب دکان خارج مسجد
در سمت باب الفیل شیخ عبد الحسین مرحوم از تنخواه

بی

جمعی خودش ساخته است و از مسجد کوفه تا مجدم فرات
که الحال آباد شده تقریباً یکمیدان میشود که اکنون جسر
کشیده شده و بازار و کاروانسرا و حمام و دوکان ساخته اند
آبادی بسیار خوب و بندر معتبر شده و مقبرهٔ حضرت
یونس کنار نهر آب واقعست گنبد و محوطهٔ خوبی دارد
و حضرت ذالکفل پیغمبر و تل نمرود کنار نهر هندیه مابین
کربلا و نجف هم هست بقعهٔ عمران ابن علی و مقام صالح
اینهم کنار نهر هندیه سمت حله میباشد و از مسجد بزرگ
کوفه تا مسجد سهله تقریباً دو میدان میشود و سه مسجد دیگر هم
هست که یکی مسجد صعصعه و یکی مسجد زید و دیگری
مسجد حنانه است که نزدیک مسجد سهله واقعست که
در هر یک آداب اعتکاف و نماز مستحب وارد است
اما مسجد سهله اینهم مثل مسجد کوفه است اما کوچکتر



وتعمیرات امسجد از حاجی محمد صادق اصفهانی میباشد
وبعضی اعمال و قاعده اعتکاف ومقامات بسیار
دارد وخانه ادریس پیغمبر درانجا بوده که خیاطی میکرد
وخانه ابراهیم علیه السلامست ومقامیست درانجاکه معروف
بمقام حضرت صاحب الامر ع وعدل خدا درانجا ظاهر
خواهد شد وحضرت قائم ال محمد ع درانجا فرود اید با اهل
وعیالش وحق تعالی هیچ پیغمبری نفرستاد مگر اینکه درامسجد
نماز کرده است فضیلت این مسجد درکتب اخبار
بسیار میباشد ودیگر قریب بمحله مزار مطهر امامزاده
قاسم ابن موسی ابن جعفر علیه السلامست که حضرت
موسی ابن جعفر ع این فرزندش را بسیار دوست
میداشت وقبرش معروفست وسید ابن طاوس
ترغیب بزیارت او نموده است ومزار دیگر هم هست



بارگاه جناب قاسم ابن موسی ابن جعفر ع در حله

که میگویند حمزة ابن موسی ابن جعفر است و دیگر سید
ابن طاوس و محقق علیه الرحمه استاد علامه حلی و بعضی از
علماء در حله مدفون میباشند **مقصود چهارم**
در احوالات کربلا معلی اما کربلای معلا در جانب
شمال نجف اشرف و جنوب شهر بغداد واقعست و
در عرض سی و سه طول شش انحراف قبله سیزده درجه است
و از کربلا معلی تا نجف اشرف تقریبا دوازده فرسخ است
با عراده که عرابه مشهور است هشت ساعت راه است
و از کربلا تا دار الخلافه طهران تقریبا صد و پنجاه و چهار فرسخ و نیم
میشود و زمین کربلا پاکترین بقعه های زمین است
و از همه زمینها حرمتش بیشتر است و از زمین بهشت است
که حضرت امیر المؤمنین ع خطاب بان زمین میفرماید
که خوشا حال تو اینخاک که بر تو ریخته خواهد شد خون جمعی

دوستان خدا و در این ارض مقدس کربلا امام ثالث
معصوم خامس مولی الکونین حسین ابن علی با جمعی از ارادت
کیشان اصحاب و برادران و اقوام و اولاد که در روی
زمین نظیر نداشتند در روز عاشورای شصت یک هجری
بدست نامردهای کوفه بدرجه رفیعه شهادت
رسیدند و دران تربت پاک مدفون گشتند
که این واقعه جانسوز شرق غرب عالم را پر نموده و شهر
١٢١٦
کربلا را در سال هزار دویست و شانزده هجری روز
عید قدیر طایفهٔ وهابی قتل عام کردند که اثاثه و اوضاع
بقعه شریفه را بغارت بردند و از چوب صندوق
مطهر عبد الله مسعود نامی در همان رواق گردون
طاق قهوه پخته زهرمار نمود و آخوند ملا عبد الصمد
همدانی که از اجله علما بود بدرجه شهادت رسید

و بعد در سال هزار و دویست و سی سه ابراهیم پاشا
ولد محمد علی پاشا عبد الله مسعود را بقتل رسانید و از ان طایفه
١٢٥٨
بجز قلیلی باقی نگذاشت و بار دگر در یازدهم ذیحجه هزار و
دویست و پنجاه و هشت نجیب پاشا شهر کربلا را قتل عام کرد
که نه هزار نفر بشهادت رسیدند و جمعی که برواق مطهر امام
و در صحن مقدس حضرت ابو الفضل پناه برده بودند
امان یافتند از بسیاری معاصی و فساد بعضی از اشرار
جمعی از اخیار کشته شدند الحاصل صحن منور امام علیه السلام
نسبت باراضی اطرافش پست تر و در زمان متوکل آب را
بستند بر قد مطهر که اثر قبر را منطمس سازند باعجاز آن
حضرت آب بر دور حایر بلند شد ابن ادریس در سرایر
گوید که اینمکان را حایر گویند زیرا که در لغت عرب حایر را
مکان پست میگویند باری ابتداء بنائی که بر قبر مطهر

بعد از وقوع مکرر هدم از خلفای جور دست داد در
۲۴۷
سنه دویست و چهل و هفت منتصر پسر متوکل بنائی مختصر
و مخفف نمود و در ایام سلطنت آل بویه که ایشان زادیالمه
هم نیز گویند بنای مرتفع بر ان قبر شریف نهادند
توسیع و مفصل نمودند و قبر دو مرد و یک زن از آل
بویه در زیر در شرقی صحن کوچک که مشهور بدر صافی است
۱۲۹۲
انجا پیدا شد که در سنه هزار و دویست و نود و دو در باز
کردن این در بصحن مطهر قبور ایشان ظاهر شد و بعد در ایام
سلطنت قاجاریه اقا محمد خان سلطان ایران تعمیر لازمه و
تذهیب قبه منوره را نمود چنانکه یکی از شعرا گوید تعالی الله
ازاین کاخ فلک فرسا و بنیانش که سر بر اوج او دانی
زند قوسین ایوانش الا ای اسمان هین دیده
بگشا بر زمین بنگر عیان تمثال عرش و علت ترسیع ارکانش

ابن

ابن الدین حسین ابن علی ابن ابیطالب که در
نسبت پدر عین الله امد پور انسانش شگفتی گو
چنین زادی ز نسل حیدر و زهرا چنان بحرین گوهر را
چنین با سیب مرجانش عدو گر خواست کاثار قبورش
منهدم سازد بحمد الله پی تعمیر بر بسته کمر سلطان ایرانش
۱۲۷
که در سنه هزار و دویست و هفت که والده خاقان مغفور
بعتبات عالیات مشرف بشد حسب الامر شاه
شهید اقا محمد خان متولیه امر تذهیب قبه منوره گردید
و گنبد مطهر را طلا نمودند که میرزا اسلیمانخان شاعر
مشهور بصباحی در تاریخ ان گوید این مشهد
حسین علی سبط مصطفی است در پای او
بود سر افلاک بی سپر کلک صباحی از پی
۱۲۷
تاریخ ان نوشت در گنبد حسین علی زیب حسبت زر

در زمان سلطنت خاقان مغفور فتحعلیشاه عرض نمودند
که طلای گنبد مطهر سیاه شده است خاقان
مغفور مبرور فرستاد طلای گنبد مطهر را برچیدند
از نو طلا کردند و خشت سابق را تعمیر کردند بکاظمین
برده گنبدین کاظمین را طلا نمودند و سرگلدستهارا
یکی از زنهای فتحعلیشاه دختر مصطفاخان عمو طلا
نمود و در عهد مرحوم ناصرالدین شاه گنبد مطهر ترک
برداشت شاه را اخبار نمودند شاه مرحوم شیخ
عبدالحسین طهرانی که از اجلهٔ علمأ بود مامور تعمیر قبه نمود
و توسیع سمت غربی صحن مقدس نمود مرحوم شیخ
عبدالحسین قبهٔ اول را خراب نمود مجدداً بنا نمود و
کتیبهٔ گنبد مطهر که از مینا میباشد در این تعمیر زیاد نمود
اما حرم مطهر و رواق منور و ایوان مقدس دو

دفعه

دفعه تعمیر شده از زوار ایرانی وغیره و حرم مطهر چون
بهشت عنبر سرشت هشت در دارد یکدر از بالای سر
مطهر و یکدر از پایین پا که مسدود است این دو پنجره در
پشت آنها نصب شده است و شش در دیگر مفتوح و دو
در از پشت سر حضرت که مسجد است از جانب مشرق و مغرب
داخل حرم مطهر میشود و از سمت رواق قبلی سه در رو
بروی در ایوان طلا و یکدر از سمت حبیب ابن مظاهر
و نقره درها از میرزا شیراز وغیره است و در نقره رواق
مطهر از سمت ایوان طلا از محمد علیشاه هندیست که
پیشکش نموده و حرم مطهر در وسط رواق مقدس دور
حرم و تصریح ضریح مقدس از خاقان مغفور است و در
قبر مطهر دو ضریح هست یکی فولاد و یکی نقره ضریح فولاد
پایینش معلوم نیست فقط در اسطوانه وسط در

پیش روی مبارک مرقوم است من بکی او تباکی علی
الحسین فله الجنه صدق الله و رسوله صلی الله علیه و اله و سلم
سنه ۱۱۷۵ و ضریح نقره از خاقان فتحعلی شاه است که در سنه ۱۲۱۴
هزار و دویست و چهارده با مرایشان زرگر را در رشت
نموده حمل بطهران شد و مدت سه سال بواسطه اغتشاش
عراق معوق ماند در دویست و هیجده ارسال شد
بر قبر مطهر نصب نمودند و از مرثیه محتشم کاشانی
و مرثیه های خود فتحعلی شاه بر ضریح نوشته و بالای
در ضریح که بین ضلع پنجم و ششم است این بیت
ثبت است منت خدا را که فلک خواست
جا کرم شاهنشه جهانم و درویش این درم و در زیر
این پیشانی در مرقوم است السلطان ابن السلطان
فتحعلی شاه قاجار و از مرثیه های خاقان که بر ضریح

مطهر نوشته این چند بیت ثبت شد گردون
بسوخت ز آتش غم جان فاطمه شرمی نکرد از دل
سوزان فاطمه از شد باد کینه مروانیان دریغ
پژمرده گشت نو گل بستان فاطمه غلطان بخاک
معرکه چون صید بسمل است انگوهری که بود
بدامان فاطمه خاقان بپای عرش برین گفت
جبرئیل واحسرتاه ز دیده گریان فاطمه
و بیت و سه قبه منور بزرگ که از مس است
روی ان مطلاست بالای ضریح مطهر نصب
شده است تقدیمی زوار است و دو شمعدان
بزرگ که از نقره و طلا در کمال خوبی زرگری
شده بالای سر دو طرف در نقره که پنجره از برنج دارد بجز
نصب است تقدیمی والده سلطان عبد المجید خان

سلطان عثمانیست هر شب روشن میشود و بالای آن در
که بین این دو شمعدان واقعست پرده از مخمل سبز که بر او
اشعاری چند تبرکی ثبت است آویخته کشند در پشت
پرده شیشه الیست در پنجاه وصله از حریر پیچیده در میان
صندوق و دران شیشه یکتا رموی مبارک حضرت رسول
خداست که در خزانه سلاطین ال عثمان بوده و سلطان حالیه
سلطان عبدالحمید خان از اسلامبول فرستاده بدستیاری
والی سابق بغداد حاجی حسن رفیق پاشا در ده سال قبل
بدین موضع نصب نموده که در تاریخ نصب آن مرحوم حاجی میرزا
محمد حسین شهرستانی که از اجله علما بود گفته بعهد پادشه عبدالحمید خان
زاو نیک اختر درخشان شد بگیتی آفتابی تازه از خاور همایون
موی پر نور حبیب الله شد ظاهر ز نورش پرتوی
اند شعاع نیّر اکبر نه بد شایسته منزلگه این نور ربانی

مگر آنکس که پیغمبر از او بد او ز پیغمبر کجا شک
میتوان کردن درین مطلب که اثباتش هویدا گردد
از تاریخ سالش موی پیغمبر ۱۳۲ بلی یکتا رموی مبارک
حضرت ختمی مآب را سلاطین روزگار در خزینه خود
نگاه میدارند احترام میکنند افتخار دارند اما ملاحظه کنید
که این بنی امیه چه قدر مردمان ناجیب و رذل بوده اند
که موهای نازنین سبط پیمبر را بخاک و خون آغشته
نمودند فخریه میکردند چو خوب گفته حکیم قاآنی
گبر این ستم نکند نه یهود و مجوس نه هندو نه بت پرست
نه فریاد ازاین جفا الحاصل صندوق مطهر تمام از نقره است
که در روی او زری کشیده اند پرده های مروارید دوز
تاجها و جقه ها و اسلحه مرصع و قندیلهای طلا و نقره
در خزینه مبارک آنحضرت برسم وقف و نیاز

بسیار است و مقبره جناب علی اکبر در پائین پای
حضرت و داخل ضریح مقدس است لمؤلفه بمرقد علی اکبر
که میرسی زایر نظاره کن بکرّ و عز و جاه قرب وصالش
ضریح شاه ضریحش گرفته تنگ در اغوش نشان
واقعه وارد حریم عرش مثالش بار روی جمال پسر
رسید در اخر هزار حیف ز خون پرده بود بروی
جمالش بجای تسلیتش از خیام گشت بلند
صدای واولداهی فزود حزن و ملالش و شهدای
هفتاد و دو تن در پائین پای علی اکبر است که دیوار
سمت جنوب علامت قبور ایشانست و در
بالای سر حضرت دو نیم ستون از مرمر کوچک بدیوار
جرز نصب کرده اند معروفست مقام جذع
نخله مریم است که حضرت عیسی تولد یافت و در

[illegible]

وسط ان دو نیم جرز سنگی مایل بسبزی نصب است
انچه از روی تحقیق معین شده قافله از سمت خراسان
بعزم زیارت بکربلا می امدا این سنگ هم از کوه غلطید
با زوار حرکت کرده زوار همین که ملتفت شدند ان
سنگ را برداشته اوردند بکربلا معلوم نیست
که در چه تاریخ بوده در وقتی که تعمیر حرم مطهر میکردند
ان سنگ را از زیر خاکها بیرون اوردند در وسط
ان دو نیم جرز نصب کرده اند و ازاره حرم مطهر
دور تا بدور از سنگ است که در سنگها نقش گل بته
تراشیده اند و سنگهای زمین حرم و رواق هم از
جنس همان سنگهاست که در ازاره است و حبیب
ابن مظاهر در رواق مدفونست ضریح از برنج دارد
که میرزا اسمعیل خان امین الملک مرحوم ساخته و قفل کار

[illegible]

درطرف جیب ان بظاهر واقعست چند پله میخورد
وارد سرداب میشوند و از طرف صحن هم پنجره دارد
واین دو بیت از مرثیه است که در کاشی بالای پنجره
نوشته   غلطان بخون که شافع یوم الحساب شد
یکباره کارخانه ایمان خراب شد   شمرش که دید
غرقه بخون برزمین فتاد   باخنجر کشیده سوی انجناب شد
وایوان مبارک که از نصفه طلا میباشد مردم بشراکت
ساخته اند و بالای درنقره طلای ان از مرحوم
ناصرالدین شاهست وتعمیر بالای ایوان از حاجی اقا
محسن میباشد که در عهد سید جواد کلیددار در سنه ۱۲۹۵
هزار و دویست و نود و پنج تعمیر شده و رواق مطهر
هفت در دارد که وارد میشوند و رواقی که سمت
مغرب است در شمال ان قبر حضرت شاهزاده ابراهیم

مجاب است که ضریح نصب کرده اند از اولاد موسی بن
جعفر علیه السلام است و رواق گنبد مطهر در وسط صحن
مقدس واقعست و ده کفشکن دارد و این بیتها
بدر کفشکن های مبارک ثبت شده   این کفشکن است
یا بود خلد برین   این کفشکن است یا بود عرش مبین   یا
سدره بود که روز و شب می بینم   با صد ادب ایستاده
جبرئیل امین   این کفشکن است یا بود رکن مقام
یا خود در کعبه و در بیت حرام   یا این در خلد است
که بنوشته در او   گویند بصوت فادخلوها بسلام
درکفشکن حرمت ایجان بفدیک   ایروی تمام
ناسوی الیه الیک   برگوش رسد دمادم از عالم
غیب که این وادی ایمن است فاخلع نعلیک
هذه الروضة روض العارفین   ملجا الاسلام کهف

الا الذین فاخلعوا النعلین فی دروتها فادخلوها بسلام امنین
وصحن مقدس دور تا دور تمام حجرات است شش کنج دارد
صحن بسیار کرا هفت در است در قبله در زینبیه در
قاضی الحاجات در سلطانی در سدر در صافی در
صحن کوچک وحجرات وایوان ناصری که در سمت
مغرب واقعست مرحوم شیخ عبد الحسین از جانب
مرحوم ناصر الدین شاه متصدی بوده که صحن را بزرگ
کرد و تعمیرات لازمه که بود همه بتوسط مرحوم شیخ
عبد الحسین است و در سنه هزار و سیصد و نه ۱۳۰۹
ایوان تعمیر شده است که اسم سلطان عبد
الحمید خان در کاشی ان نوشته نصب است و درین
اوقات هم از اوقاف مجدداً درب قبله و تمام صحن مقدس را
تعمیر نموده اند و در سمت مشرق صحن والده سلطان

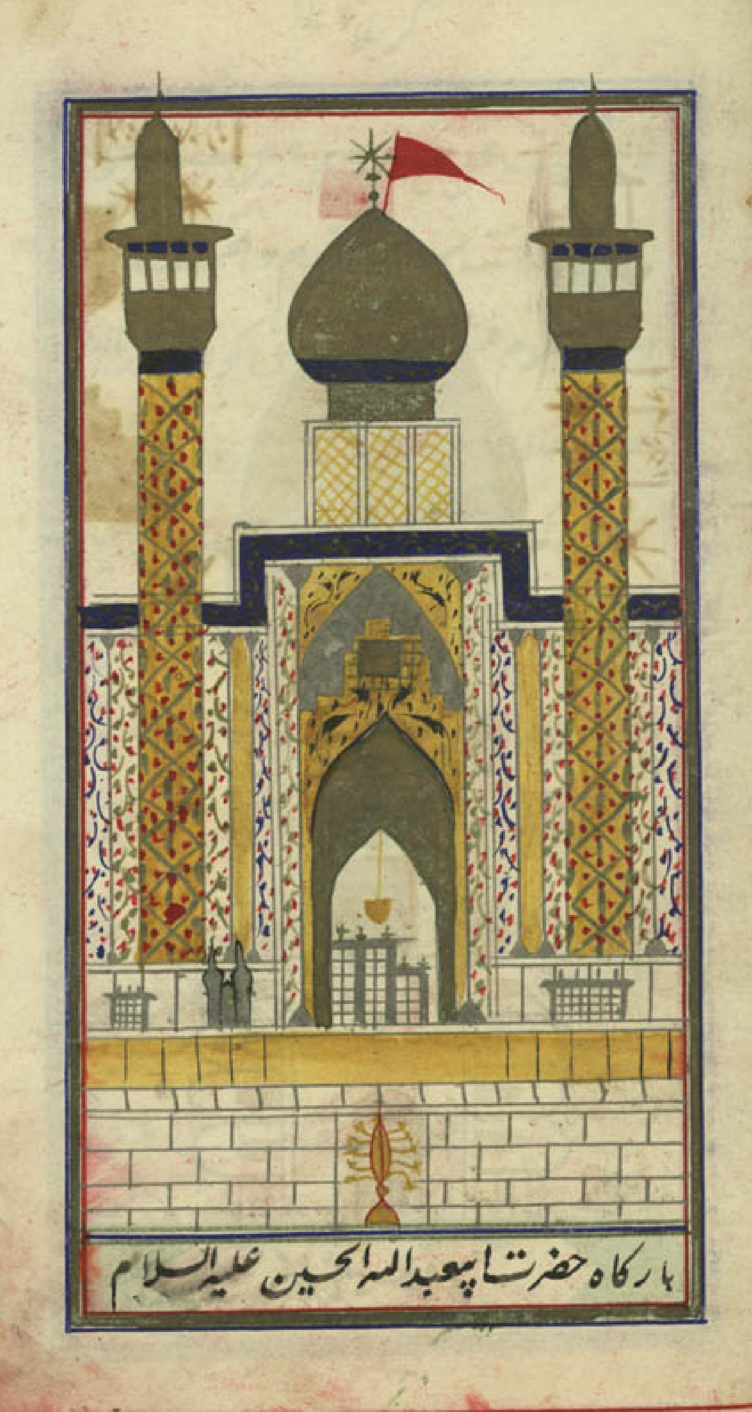
سنگفرش صحن مقدس از حاجی محمد صادق اصفهانی [illegible] سنه هزار و دویست نود و پنج فرش شده است

عبد المجید خان سلطان روم سقاخانه خوب و مزین
بنا کرده و مصارف و خدمه دارد و در جنب ان
سمت خوب تکیه بکتاشیه است که تالار بزرگ عالی
دارد و رئیس این سلسله بکتاشیه را دده میگویند
و میگویند که سلسله این طایفه بسلمان فارسی منتهی
میشود بیرون صحن در قبله دده انجا مدفونست که
اول چراغ حرم مطهر را رسم است اولاد دده
روشن میکنند واز سلسله سادات میباشند ومسجد
بزرگ که در سمت مشرق صحن واقعست اهل سنت
وجماعت دران نماز میکنند وان مسجد را نادر
خاقان مغفور فتحعلی شاه ساخته است ومناره
علام سیاه در شمالی ان واقعست وچراغهای
دور تا دور حجرات صحن مقدس از مرحوم ناصر الدین

[illegible] از تاریخ [illegible] ۱۲۸۲ [illegible]

شاهست وچراغهای جرزها ودور رواق وحرم
مطهر با بنیان خیر تازه قرار دادند وچراغهای بالای
بام و وسط صحن مقدس وچراغهای اطراف ودرهای
صحن از زوار تجار رائی وایرانی ومجاورین واهل کربلا
مهیا شد وساعت بالای سر در قبله از معیر الممالک است
واز علما در صحن مقدس ورواق مطهر واطراف صحن قبور
بسیار است مرحوم آقا باقر بهبهانی واقا سید علی
بحر العلوم اعلی الله مقامهما ودر رواق سمت مشرق
مقابل کفشکن مدفونند که صندوق نصب کرده اند
اقا میرزا صالح عرب مشهور بداماد که از اولاد
مرحوم سید علی خان کبیر است نزدیک صندوق مدفونست
اقا سید مهدی شهرستانی حاجی میرزا حسین شهرستانی
مرعشی اعلی الله مقامهما در رواق پیش رو مدفونند

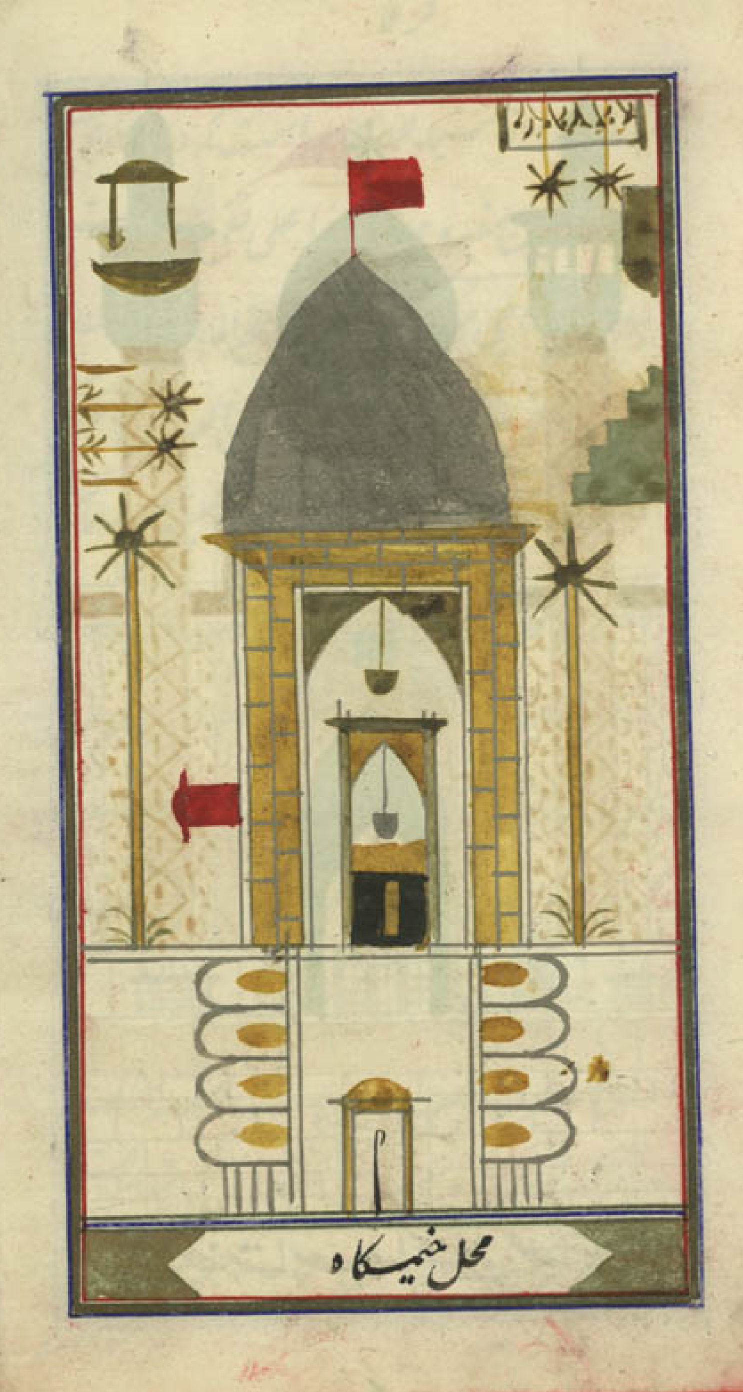
مرحوم شیخ عبد الحسین شیخ العراقین درب سلطانی
مدفونست اقا شیخ مهدی خلف هم درهمان سمت
مدفونست مرحوم سید ابراهیم قزوینی صاحب
ضوابط ومرحوم فاضل اردکانی اخوند ملا حسین درب
صحن کوچک مدفونند ومرحوم شیخ محمد حسین اصفهانی
صاحب فصول واقا سید مهدی من آل بحر العلوم
اینهم درب صحن کوچک مدفونند مرحوم ملا اقا فاضل
دربندی اعلی الله مقامه وملا محمد حسین یزدی شیخ
محمد حسین قزوینی اقا سید زین العابدین در مقبره
رکن الدوله مدفونند مرحوم شیخ زین العابدین مازندرانی
اعلی الله مقامه درب قاضی الحاجات مدفونست
شیخ محمد حسن مازندرانی در جنب مقبره مرحوم شیخ
زین العابدین مدفونست در بین الحرمین در وسط



بارکاه حضرت ابیعبدالله الحسین علیه السلام

بازار مقبره آقا سید محمد مجاهد است که در آنجا مدفونست
و مقابل آن مقبره حاجی میرزا علی نقی طباطبائیست
با مرحوم حاجی میرزا ابوالقاسم حجة الاسلام در آن
مقبره مدفونند مرحوم آقا میرزا زین العابدین طباطبائی
و مرحوم آقا میرزا جعفر پسر حاجی میرزا علینقی هم در همان
مقبره مدفون میباشند و شریف العلما درب قبله
در کوچه نقیب مدفونست و شیخ احمد ابن فهد در
جنوب قلعه کربلا مدفونست و معروف بصاحب
کشف کرامات گویند وقتی از او کرامتی بروز
کرد که جمعی از یهود اسلام اختیار کردند که ببیت
المسلمانی در کربلا و نجف مشهور است در سنه [۸۴۱] هشتصد و
چهل و یک آنجا مدفون شد القصه تل زینبیه بمسافت
چند قدم بیرون صحن ما بین مغرب و جنوب صحن

واقعست محلّ خیمگاه انهم مابین مغرب و جنوب
صحن بمسافت سیصد قدم و واقعست انچه از
اخبار معلوم میشود لشکر بیحیای کوفه دور تا بدور
حضرت ابیعبدالله را محاصره کرده بودند و اوسط
خندقی که بفرموده حضرت اصحاب دور خیام
حرم حفر کرده بودند جنگ از یکسمت واقع
شده بخط مستقیم از خیمگاه تا مقتل حضرت
دویست قدمست و این سه بیت از مرثیه ایست
که در تل زینبیه روی کاشی ثبت است زینب
درین دیار چه محنت کشیده است خون
دلش ز دیده بدامن چکیده است از هایهوی
لشکر دشمن ز خیمگاه تا این مکان چه اهوی
وحشی دویده است این تل زینب است



که بروی زسوز دل افغان وا خاه بجسرت کشیده است
و محل خیمگاه محوطه ایست که در میان ان گنبدی
تو در تو ساخته اند بشکل خیمه بسیار بزرگ و در جلو
دست راست و دست چپ کجاوه ها از
اجر و گچ ساخته اند و دوران بنا روی کاشی از مرثیه های
جانسوز محتشم روی کاشی ثبت است که یک بیت ان
این است اه از دمی که لشکر اعدا نکرده شرم
کردند رو بخیمه سلطان کربلا و در گوشه ان محوطه
حجره مختصریست که از کاشی بسیار خوب تعمیر کرده اند
که در کاشی بالای دری که داخل میشوی این بیت
نوشته دمی که وارد این حجله میشوی ناشاد
بریز اشک و بقاسم بگو مبارکباد حوض اب
و چاهی هم در پشت العمارت ساخته اند در سمت

مشرق صحن مقدس کوچه ایست و دران کوچه
موضعی است که گویند در شب یازدهم عاشورا
درین موضع بود که فضه خادمه پیغام دختر شیر
خدارا بشیر رسانید و این دو سه بیت از
مرثیه ایست که در انجا نوشته برون خرام
ازاین بیشه با ملال الشیر بحال عترت شیر خدا بنال الشیر
بدان که تشنه حسین را شهید بنمودند کنار آب
روان فرقه ضلال الشیر شنیده ام که زتیغم
ستور میخواهند تنش کنند درین ورطه پایمال
الشیر سمت در سدر مسجدیست مسجد راس
الحسین میگویند گویند سر مبارک حضرت را بعد از
جدا نمودن از بدن مطهر در انجا نهادند یا در انجا
برنی زدند محتشم گوید پس بر سنان کنند سررا

که جبرئیل شوید غبار گیسوش از آب سلسبیل

اما صحن مقدس حضرت ابو الفضل علیه السلام در شرق

و شمال صحن امام تقریباً بمسافت چهار صد قدمست

اصل بنای صحن مبارک از امین الدوله صدر اعظم اصفهانی

بوده بعد در سنه ۱۳۰۳ هزار و سیصد و سه از نو حاجی

محمد صادق اصفهانی بتعمیرات ان کوشید که صحن مقدس را

بزرگ کرده دور تا بدور حجرات بسیار عالی بنا

کرده سقاخانه بسیار خوب در قبلی صحن ساخته و گنبد

و ایوانرا هم تعمیر عالی نموده اما حرم حضرت ابو الفضل ع

شش در دارد در رواق و حرم مطهر در وسط صحن واقعست

و رواق دور تا بدور حرم میگردد و از ان شش در که

از حرم بر واقست سه در انها مسدود و دکه در پشت

ان پنجره نصب است و سه دیگر مفتوح یکی از سمت

پائین پای مبارک و دو در از سمت رواق

قبلی و نقره ضریح مطهر ابو الفضل علیه السلام اولان

از مادر محمد شاه مرحوم بوده و بعد بشیر الملک شیرازی

تعمیر نموده و چهل چراغ بسیار در اطراف ویخته اند

که هر شب روشن مینمایند و ایوان طلای حضرت

که جزئی از ان با قیمت مردم بشراکت ساخته اند

قدری از حرمت الدوله و قدری از معتمد السلطنه

تبریزی و بعضی از دگرانست و در نقره که از ایوان طلا

بر واقست از حاجی محمد حسینخان بیگلربگی اصفهانیست

و طلای بالای گلدسته از شخصی اهل ارومیه است

که در تاریخ ان عرض شده سال هزار و سیصد و

نوزده بکربلا گلدسته جناب ابو الفضل طلا شد

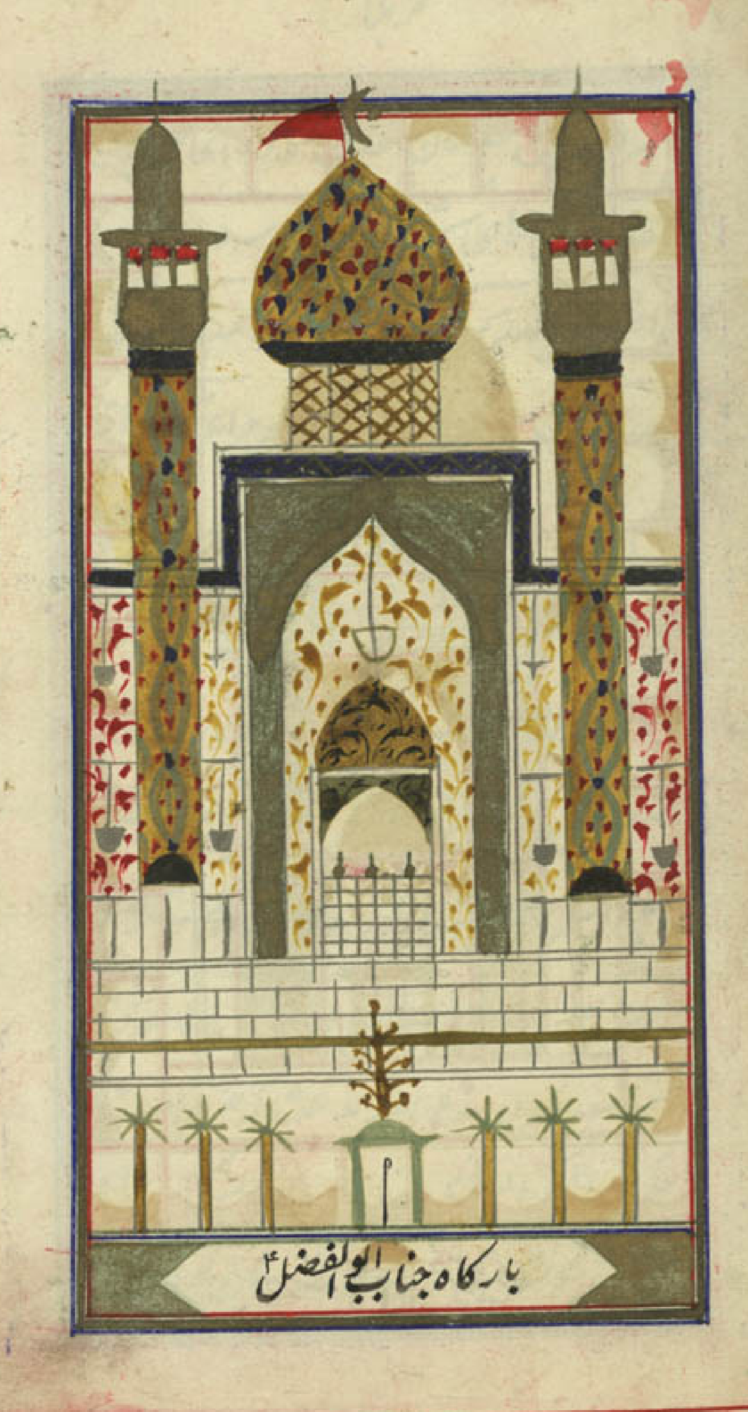
و ساعت صحن مقدس از حاجی محمد علیخان

[illegible]
۱۲۹۷

امین السلطنه است الحاصل مجلسی علیه الرحمه در تحفة
الزائر میفرماید نهر علقمی این زمان منطمس شده
و در عقب قبر مطهر حضرت ابو الفضل بوده و شریعه
حضرت صادق ع ان موضعی است که اکنون
مشهور است بمقام الحضرت چون فرات نهر
بزرگیست از پنج فرسخی کربلا میگذرد و از ان نهری
جدا کرده بودند بکربلا امده و بکوفه میرفته و ابادی
کوفه از این نهر بوده و این نهر بود بر روی امام ع
بستند و اثر نهر نزدیک مرقد مطهر ابو الفضل ع
ظاهر است و حضرت عباس ع از این نهر بجهة
اهل حرم اب برداشت و در حوالی این نهر شهید
گشته لهذا دور شهدا مدفون شده و ابن علقمی که
وزیر معتصم بود از غلاة شیعه بود که باعث بر

طرف

طرف شدن که دولت بنی عباس منقرض شد
دولت بنی عباس او شد
و ابن علقمی چون حدیثی شنیده بود از حضرت
صادق ع چون بکربلا تشریف اوردند خطاب
باین نهر کردند که ای نهر ترا بروی جدم حسین ع
بستند و تو هنوز جاری هستی و می ائی پس باین
سبب ابن علقمی ان نهر را خراب کرد
و این باعث خرابی کوفه شد و این مسمی شد بنهر
علقمی زیرا که خراب کننده اش ابن علقمی بوده و العطشان
لدی النهرین مقصود همین است با انکه جناب سید الشهدا ع
با اهل بیت نزدیک نهر کوچک و نهر بزرگ
بودند لهذا القوم بحیا اب را منع کردند و انحضرت را
بالب تشنه شهید کردند فی المرثیه در مصیبت
حضرت ابو الفضل علیه السلام است



بارگاه جناب ابوالفضل ع

سر زد ز برج خیمه یکی روی چون قمر — روشن نمود طلعت زیباش بحر و بر

شد بهر نصرت پسر فاطمه عیان — نور جمال حضرت عباس جلوه گر

بگرفت اذن و گشت سوار و بکف علم — بر دوش مشک و پشت سپر تیغ بر کمر

از بهر منع آب ستادند کوفیان — بگشود لب نه بهر نصیحت نشنید اثر

آن یادگار حیدر کرار بر کشید — تیغ از میان و گشت بدان قوم حمله ور

کشت و فرار داد عدو را بهر طرف — راند اسب در شریعه میمون نامور

پر کرد مشک و تشنه لب آمد برون ز آب — غیرت ببین وفا و مواخات را نگر

آه از دمی که ناله عباس شد بلند — کامد ز خصم تیغ عمودش بسر ز دست

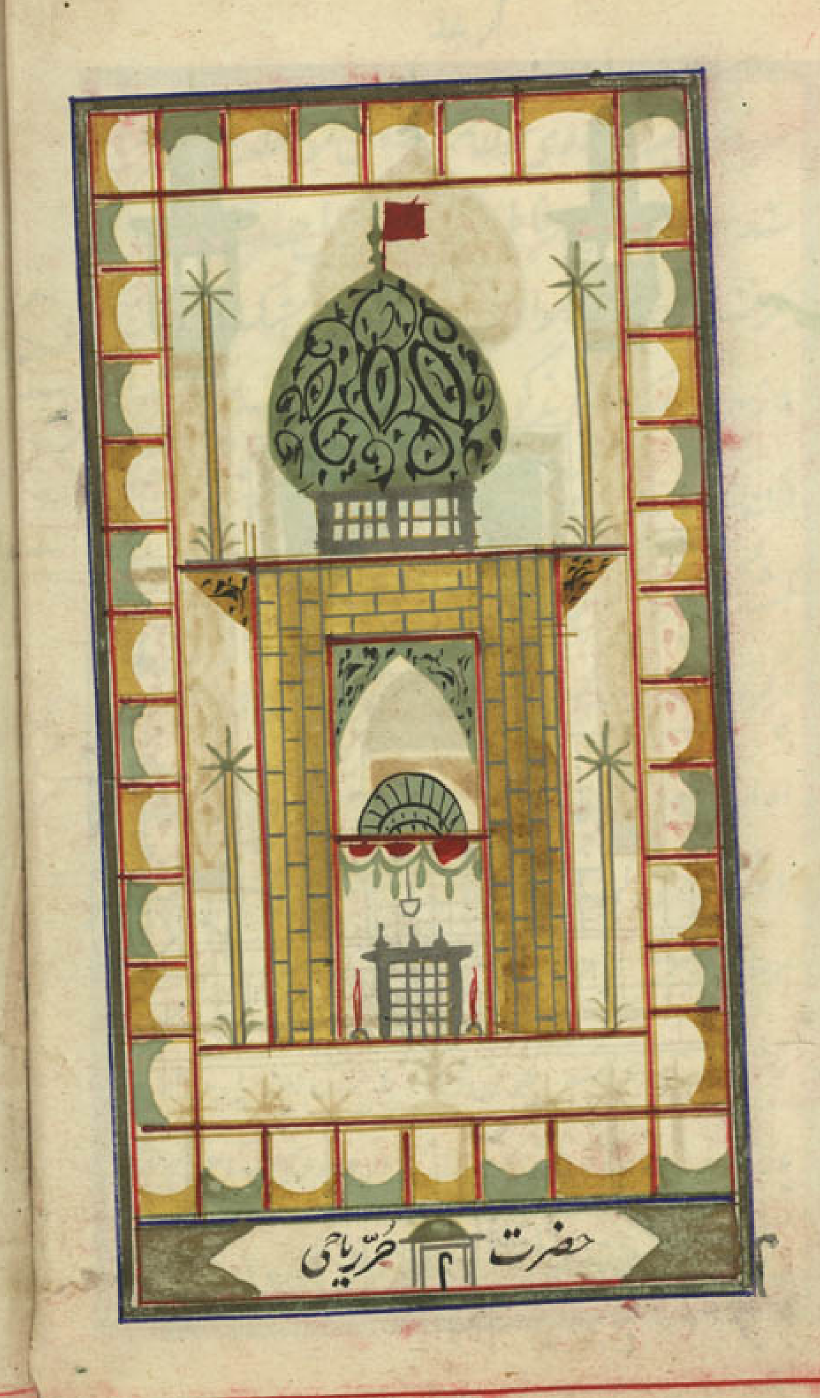
افتاد روی خاک جگر گوشه علی — شاهنشهش رسید ببالین بچشم تر

بر حال غربتش دل عالم کباب شد — کاندم عزیز فاطمه گردید نوحه گر

زائر بر آستانه عباس چون رسی — دست دعا برآر بدرگاه دادگر

یارب بهر دو بازوی سقای کربلا — از جرم دوستان علی جمله درگذر

چون این مرثیه مطابق اخبار بود در قطعه عرض نموده با دعای بالای



سر تقدیم آن آستان مقدس نموده الحاصل صحن
مقدسش دارای شش در است سه درش و بقبله
واقعشده یکدر سمت مغرب و یکدر سمت مشرق و
یکدر سمت جنوب مایل بمغرب و چراغهای بالای
بام و دور صحن و اطراف ارز و ار مجاور و بانیان
خیر مها شد و حضرت حرّ در مغرب سی درجه تقریبا
شمال کربلا بمسافت یکفرسخ که تمام راه باغات است
صدر نهر که از مسیب است یکحد ولش بدینجا رسیت
وجه اینکه حرّ از شهدا دور مدفون شده است اینست
چون بعد از واقعه کربلا در روز عاشورا طایفه بنی ریاح
با ابن سعد ملعون مدعی شدند گفتند که حرّ مخالفت
حکم امیر را کرد بسزای خود رسید ما نمیگذاریم سر او را [از بدن]
جدا کنید و متعرض بدن او بشوید این بود که حرّ را

برداشتند و روند درین موضع با لباس خون آلود
دفن کردند سید نعمت الله جزایری در انوار نعمانیه
نقل میکند که شاه اسمعیل صفوی وقتی که بغداد و
کربلا را گرفت بعد از اینکه بزیارت حضرت سید الشهدا
و حضرت ابو الفضل فایز گردید خواست بزیارت
حر بن یزید ریاحی برود بین علما در قبول توبه حر اختلافی
شنید شاه اسمعیل گفت من میروم بزیارت حر قبر
او را نبش میکنم اگر توبه اش قبول شده و از جمله سعدا
و شهداست که بدن او از هم متلاشی نشده روز
دیگر سوار شد امر نمود قبر حر را شکافتند دید بدنش
مثل کسیکه تازه دفن شده باشد گویا که در قبر خوابیده
باشد با لباس خون آلود و دستمالی که حضرت
سید الشهدا بر سر حر بسته بود در وقتی که بالینش

تشریف آورده بود همین طور بر سرش بسته بود شاه
اسمعیل گفت چون این دستمال مبارک حضرت سید
الشهدا میباشد بر میدارم دستمال دیگری میبندم بمجردیکه
دستمال را گشود خون تازه جاری شد قدری از دستمال
پاره کرد برداشت دو مرتبه دستمال حضرت را بست
گفت حسن حال حر معلوم شد بدن او را بوسید
قبر او را پوشید امر کرد قبه بر سرش بنا کردند و خادمی
از برای او تعیین نمود و اکنون گنبد بارگاه عالی دارد
و اطراف او حصار و سمت مشرق چند حجره فوقانی
تحتانی ساخته اند القصه قلعه کربلا را مرحوم حسنخان سردار
حاکم ایروان ساخته با مدرسه کنج صحن مقدس و نهر حسینیه را
سلطان سلیمان که یکی از سلاطین روم است واسطه
مقرران شد اجرای آنرا نموده پس از آن بلزوم تنقیه

نموده اگر آب فرات در حال طغیان تا یکساعتی کربلا
که سلیمانیه نامند نزدیک میشود گاهی که آب
فرات کم میشود تا کربلا سه ساعت فاصله دارد الحاصل
خدام حضرت اباعبدالله علیه السلام با خدام جناب ابوالفضل ع
تقریباً چهارصد نفر میباشند که سیصد بیشتر انها از سلسله جلیله
سادات میباشند و کلید دار و خازن استان ملایک
پاسبان حضرت اباعبدالله آقا سید عبد الحسین پسر مرحوم
اقا سید علی نوه مرحوم اقا سید جواد کلید دار است
و نایب کلید دار اقا سید مصطفی امین حرم و کلید دار
حضرت ابو الفضل العباس ع اقا سید مرتضی پسر
مرحوم اقا سید مصطفی و شهر کربلا از سمت قبله تقریباً
دو هزار قدم از قلعه سابق پیش رفته و شهر بزرگ شده
و وادی صفا که اموات را دفن میکنند تا صحن مقدس سه

هزار

هزار و پانصد قدم مسافت دارد در جنوب شهر کربلا
واقعشده که در انجا مسجدی و حوض اب بنا نهاده اند
و ابادی کربلا روز بروز در تزاید است این حدیث
در تحفة الزائر است که از حضرت امام زین العابدین منقول است
که فرمود گویا می بینم که قصرها و بناهای محکم بر دور قبر امام
حسین علیه السلام ساخته اند و گویا می بینم که بازارها بر دور قبر
انحضرت بهم رسیده است و از اطراف زمین بزیارت
انحضرت خواهند امد و در متمم حدیث ذکر است
که حضرت صادق علیه السلام بعبدالله حماد گفت که
شنیده ام قومی از نواحی کوفه و غیره ایشان میروند
نزد انحضرت و زنان میروند نوحه میکنند در شب نیمه
شعبان بعضی قران میخوانند و بعضی قصه جانسوزان
حضرت را ذکر میکنند و بعضی ندبه و نوحه میکنند و بعضی مرثیه

میخوانند گفت بلی فدای تو شوم دیده ام بعضی از اینها را
که پیغمبر ما ای حضرت فرمود حمد و سپاس خداوندیرا که در
میان مردم جمعی را مقرر فرموده است که می ایند بسوی ما
و ما را مدح میکنند و مرثیه از برای مصیبت ما میگویند و
می خوانند و دشمن ما را کسانی گردانیده که طعن کنند
بر اینها از خویشان ما و غیر ایشان و استهزاء کنند بر
ایشان و قبیح شمارند کردار ایشان را پس این خادم الزایرین
این قصیده را که مدح مراثی حضرت سید الشهداء و فضل
زایران بزرگوار است بالسان شکسته در قطعه عرض نموده
و تقدیم استان مبارک انحضرت نموده مرثیه

زهر که اگه ز اسرار سید الشهدا　　عقول هست ز رفتار سید الشهدا
عبودیت بنگر صبر در بلا را بین　　بلا بجیر تست از کار سید الشهدا
یقین انکه تمام بهشت را بگیر　　دو بند جمله بزوار سید الشهدا

بقطره اشک فروشند تاغ جنت را　　ببین تو رونق بازار سید الشهدا
کشد چه شعله جهنم فرو نشانندش　　ز اشک چشم عزادار سید الشهدا
دلا بکرب و بلا بگذر و دمی بنگر　　غریب و بیکس و بی یار سید الشهدا
گرفت شک و بسوی فرات مرکب راند　　معین برادر و سردار سید الشهدا
دو کف باب فزو برد و قطره نچشید　　نگر وفای علمدار سید الشهدا
تعجب امده لشکر ز چهره علی اکبر　　که گشته ختم رسل یار سید الشهدا
وداع قاسم وداع جوان و یاد برادر　　نمود گریه چه بسیار سید الشهدا
ستاد یک تنه اندر برابر لشکر　　بعینه حیدر کرار سید الشهدا
بقصور عطش انجناب شوانکرد　　شدش جهان بنظر تار سید الشهدا
ز استین ید و بیضا نمود و تیر امد　　بحلق اصغر افکار سید الشهدا
شکست پشت عدو تا بکوفه داد قرار　　بضرب تیغ شرربار سید الشهدا
امان ز سنگ مخالف فغان ز تیر شعین　　ز اسب گردن نگونسار سید الشهدا
ز شرم گشت فرو افتاب تابان شد　　بجلوه عارض گلنار سید الشهدا



شریعه حضرت صادق

ربود اهرمن بچهار انگشتش — یگانه خاتم شهوار سید الشهدا

که نازنین بدنش غرقه خون بمقتل بود — نشست خواهر غمخوار سید الشهدا

بلند کرد و کذر داد چونکه قربانی — بنزد حضرت دادار سید الشهدا

سپس بخنجر پاکش نهاد لب کشا — شهید و تشنه دل افکار سید الشهدا

فغان چه شور افکند عندلیب حسین — چه کرد نغمه بگلزار سید الشهدا

بخاک و خون کم نظر کرد محبت حق را — چها کذشت بیمار سید الشهدا

کشید کار در آخر اسیر شد زینب — عیال در بدر زار سید الشهدا

خموش زایر غمدیده وقت خاندان — ببین علانیه رخسار سید الشهدا

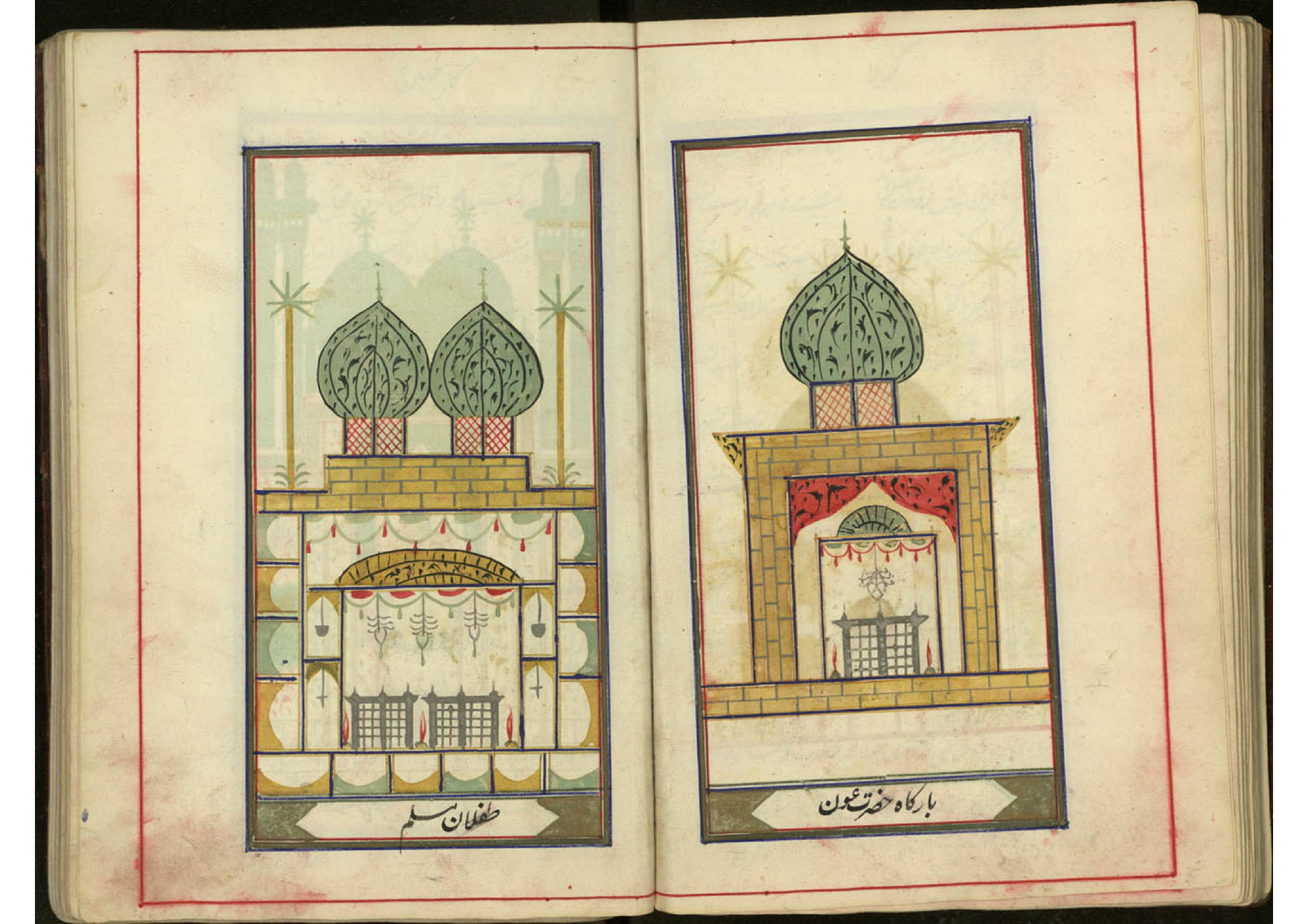
سروش غیب ندا داد کیستی گفتم — غلام زایر دربار سید الشهدا

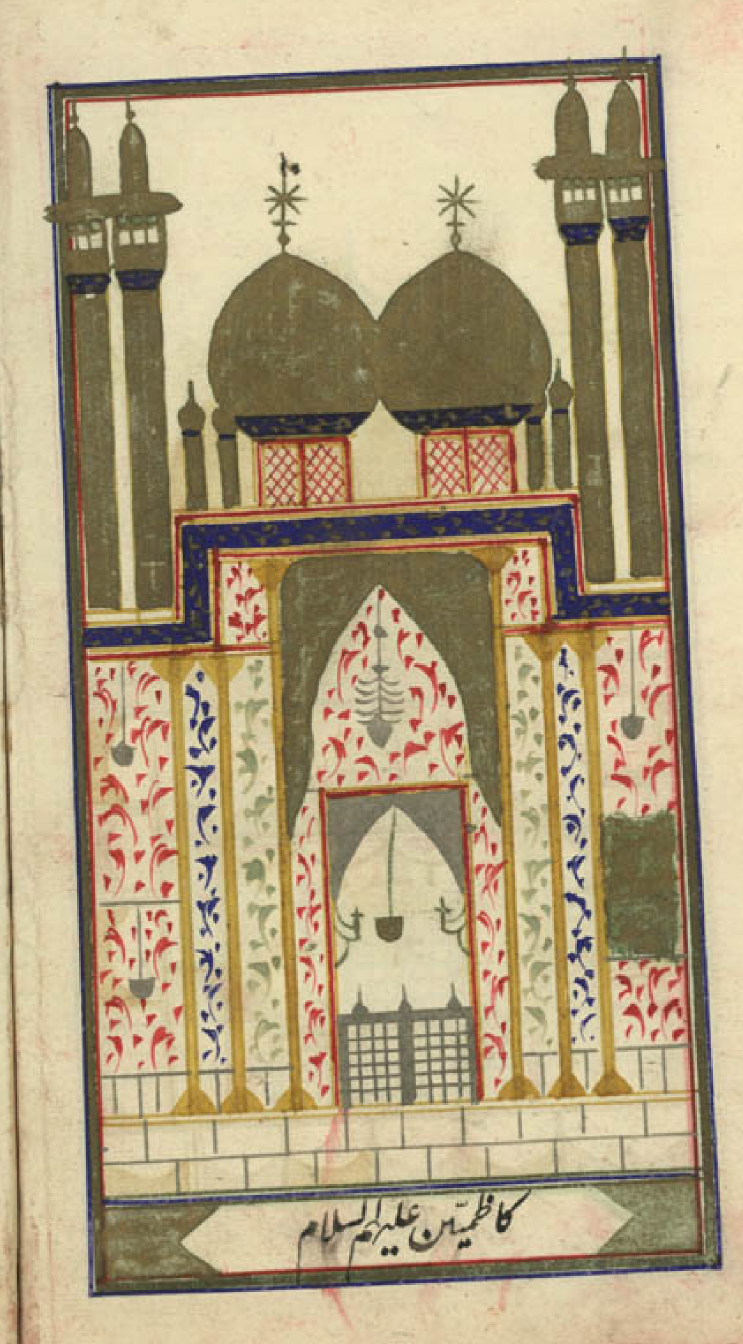
بمژده گفت که نامت نوشت منشی عشق — بثبت دفتر طومار سید الشهدا

مهیمنا بزبان تا برند نام حسین — برار حاجت زوار سید الشهدا

باری در دو فرسخی کربلای معلا قبر حضرت عونست که بروایت مشهور میان علما رضوان الله علیهم پسر عبد الله ابن جعفر طیار

ذکر


بارگاه حضرت عون
طفلان مسلم



کاظمین

رحمت الله علیها است که شیخی از عرب بقعه او را
تعمیر نموده و گنبد او را کاشی کرده محل زیارتگاه هست
بین کربلا و مسیب واقع شده هر کس با عرابه آمد و شد
میکند زیارت مینماید و مقبره طفلان مسلم ابن عقیل
در مسیب یکمنزلی کربلا واقعست از مسیب تا طفلان
مسلم ربع ساعت راه است اصل بنای گنبد از
حسنخان سردار است یک ضریح او را میرزا ابدالیت وزیر
لشکر ساخته است و تعمیرات بقعه و غیره را معیر الممالک
در عهد مرحوم ناصرالدین شاه کرده است و بعدها
هم زوار و غیره تعمیرات را نموده اند مقصود پنجم

در احوالات کاظمین فی المدیحه
لمؤلفه

کنار دجله بغداد آشکار و مبین	دو نور میرود از فرش تا بعرش برین
دو بقعه سر بفلک برکشیده از رفعت	دو آفتاب شعاعش فکنده روی زمین

یکی ز موسی جعفر امام هفتم ناس — غریب خطهٔ بغداد مقتدای امم
دگر ز نور دو چشم غریب طوس الرضا — نهم امام تقی جواد عرش مکین
سلام بجد و بمیز کرد کار جهان — بر آن دوازده طه و سوره یس
که ابتدای بتاریخ صحنشان کردم — بروی صفحه کاغذ قلم کند تحسین

کاظمین علیه السلام در غربی شهر بغداد بفاصله نیم ساعت راه است
و در عرض سی و سه طول پنج درجه انحراف قبله سیزده درجه است
و مدفن مطهر امام هفتم موسی ابن جعفر ع و مدفن امام نهم محمد تقی جواد
نواده آنحضرت است و آنمکان در سابق مقابر قریش معروف بوده اما
بنای بقعه مطهر اول از مجد الملک را دستانی بوده و بعد از آن
شاه اسمعیل صفوی بنای بقعه مطهر و رواق را نمود و این دو
گنبد که هر دو بیک اندازه است در روی بقعه شاه
اسمعیل ساخته است و بعد طلای گنبدین مطهر را
خاقان مغفور فتحعلی شاه نمود و آینه بند داخل حرم

مطهر از میرزا شفیع صدر اعظم خاقان مغفور است
و قبر مطهر منور حضرت موسی ابن جعفر ع و حضرت امام
محمد تقی ع هر دو در یک ضریح بزرگ فولادیست و دو صندوق
نقره بفاصله جزئی در میان ضریح فولاد است صندوق
مبارک امام موسی کاظم در جلو و صندوق مقدس
امام محمد تقی ع در عقب و ازاره روضه مطهر از کاشی است
و از کاشی معرق که میتوان از جواهرات شمرد و حرم مطهر
پنج در دارد یکدر از سمت قبله و دو در از سمت مشرق
و یکدر از سمت مغرب بمسجد بالا سر و یکدر از سمت
پشت سر که بمسجد اهل جماعت باز میشود و دو ایوان
مطهر که یکی در سمت قبله و یکی در سمت مشرق واقع است
هر دو ایوان و ستون و سقف را الا شیخ عبد الحسین
مرحوم از جانب پادشاه ایران مرحوم ناصر الدین شاه

مباشر بوده بسیار عالی بنا نموده وطلای بالای درهائی
که از این دو ایوان وارد رواق مطهر میشوند از مرحوم
ناصر الدین شاه هست که از خشتهای طلای عسکریین زیاد
امده بود با مر مرحوم ناصر الدین شاه انها را طلا نمودند
وبعد ایوان سمت مشرق چون از جلوه افتاده بود
در ثانی در سنه هزار وسیصد ونوزده ۱۳۱۹ از جانب
پادشاه جمجاه مظفر الدین شاه قاجار جناب حجة الاسلام
اخوند ملا محمد شرابیانی متصدی شده ایوان را بسیار
تعمیر عالی نموده وحرم مطهر ورواق وایوانها در وسط
صحن واقعشده از سه سمت مجدد است واز سمت
پشت سر مسجد است که دور نمیگردد وصحن مطهر را
مرحوم حاجی فرهاد میرزای معتمد الدوله ابن عباس
میرزا در کمال خوبی از نو بنا کرده این صحن وحجرات

دور در کمال امتیازات واز مخارج هیچ مضایقه نکرده
وسردابها برای دفن اموات وحجرات برای زوار
وغربا وتذهیب چهار مناره صحن مقدس از قرب
زمین تا غایت ارتفاع ان وبنای برکه در جلوخان
واز دجله مجرای ان را ساخته واب جاری نموده و
همچنین در صحن شیخ ابو یوسف برکه دیگر که بنا نموده
وبعضی متعلقات دیگر از قبیل تکیه کتابشیه وغیره وغیره
در سنه هزار وسیصد ویک ۱۳۰۱ بمباشرت حاجی
عبد الهادی استرابادی باتمام رسیده چنانکه شیخ محمد صادق
اعصم نجفی در قصیده تاریخیه انجا میگوید خدا بیدی
فرهاد فی یوم عشره   فقد تم عن سر تاریخه خذا ۱۳۰۱
واین شاهزاده نیت خوبی داشته است معروفست
یکی از وصایای او این بوده که در وقتی که نعش مرا از

از طهران حمل بکاظمین علیه السلام مینمائید نعش مرا در سر
جسر بغداد بر زمین بگذارید بعد چهار نفر حمال نعش مرا
بردارد ببرد تا بکاظمین تا تاسی بامام علیه السلام بوده باشد
واکنون مقبره اش درب صحن مقدس است دری که سمت مشرق
واقعست وقت داخلشدن بسمت دست راست
القصه خدام آستان ملایک پاسبان تقریبا صد و پنجاه
نفر میباشند کلیددار و خازن حرم مطهر آقا شیخعلی
و علمائی که در رواق مطهر و اطراف مدفونند ابن قولویه
اعلی الله مقامه که استاد شیخ مفید رحمة الله علیه میباشد
و شیخ مفید اعلی الله مقامه در رواق مطهر مدفونند و خواجه
نصیر الدین طوسی رحمة الله علیه در مسجد بالا سر مدفونست
و از سمت در قبله که بازار میروی دو مقبره است
بفاصله چند قدم که یکی از سید رضی رحمة الله علیه و

یکی

و یکی از سید مرتضی رحمة الله علیه میباشد اند و بزرگوار
در آنجا مدفونند و در صحن مقدس در ضلع جنوب
مایل بمغرب حرم مطهر بقعه ایست ارکانش که دو نفر
از فرزندان موسی ابن جعفر ع مدفونند گفتند که حضرت
موسی ابن جعفر ع با این دو فرزندش بی الثقات بوده
ولی تکلیف ما رعیت نسبت بشاهزادگان از ذریه
حضرت رسول ع احترام است مرحوم سید قزوینی
اعلی الله مقامه در کتاب صوارم الماضیه آنچه تحقیق فرموده
که این دو قبر از اولاد حضرت امیر مؤمنان علیه السلام است
که در یکی از جنگها شهید شده اند و در اینجا مدفون
شدند مقابر قریش بدان جهة میگفتند العلم عند الله
و نواب حضرت حجت که در بغداد مدفونند عثمان
و محمد ابن عثمان ابن سعید
ابن سعید عمری حسین ابن روح علی ابن محمد سمری

و قبر قنبر غلام امیر مومنان علی علیه السلام در بغداد است
و کلینی علیه الرحمه نیز در بغداد مدفون است و مسجد براثا از
مساجد مشهوره است در میان مشهد کاظمین و بغداد
واقع است و در ان مسجد حضرت امیرالمومنین علیه السلام
نماز خوانده خانه حضرت ابراهیم و حضرت مریم بوده
و حضرت عیسی در انجا نماز خوانده از کاظمین که ببغداد
میروی در بین راه سمت دست راست واقعست
مدائن قبر مبارک حضرت سلمان فارسی که از صحابه خاص
حضرت رسول ص میباشد از بغداد از راه خشکی بفاصله
نه ساعت راه است و قبر حضرت سلمان نزدیک
طاق کسری است و از طاق تا مقبره حضرت سلمان
یک میدان اسب است از کنار شط دو میدان اسب
تا مقبره حضرت سلمان است مقبره مختصری دارد

دوسه نخل خرما در انجاست چند نفر عرب خدام انجا
میباشند و مقبره حذیفه یمانی و خواجه عبدالله انصاری
نیز در انجاست و شهروان که از منازل بین راه
خانقین و بغداد است جائیست که در انجا جنگ
نهروان اتفاق افتاده و ان جنگ بزرگی بود که حضرت
امیر مؤمنان ع با لشکر خوارج نمودند که تفصیل ان در کتب
اخبار است که مقداد ابن اسود رحمه الله علیه که از اصحاب
خاص حضرت بود در انجنگ شهید شد و قریب
شهروان قبر ان بزرگوار است که در کنار راه بفاصله
دو میدان اسب واقع است که بقعه و اثاری از او موجود است
بعضی از زوار بزیارت میروند

مقصود ششم

در احوالات سر من رای که سامرا و عسکرین گویند
اما سامره عرض او سی و چهار طول شش و انحراف

قبله هشت درجه است در ایالة الجزیره که بین الفرات والدجله است وشهر سامره درکنار دجله واقع شده است از خشکی تا بغداد بیست و دو ساعت راه است گویند از بنای سامرا که از سلاطین اثور است این شهر را بنام خود بنا نهاده و بعد معتصم عباسی تجدید کرده پانصد هزار هزار دینار خرج کرده واینشهر واقعست فی مابین شمال و بغداد وصحیح الهوا میباشد ودرین شهر مرقد منور نورین النیرین شمسین القمرین حضرت امام علی النقی امام دهم و پسر بزرگوارش امام حسن عسکری امام یازدهم علیهم السلام است و سرداب است در انجا که خاتم الائمه امام دوازدهم مهین فرزند خیر البشر خلیفة الرحمن مهدی صاحب الزمان عجل الله فرجه غیبت فرموده اما بنای گنبد و بقعه مطهر عسکرین علیهم السلام از احمد

خان دنبلی میباشد و بنای حرم و گنبد مطهر بنای بسیار مرتفع بزرگیست و روی گنبد مطهر را مرحوم ناصرالدین شاه قاجار شاهنشاه ایران طلا نموده و خشتهای طلای گنبد مطهر را در طهران تذهیب نموده بمأموریت علیرضا خان عضد الملک بدانموضع نقلشده مرحوم ناصرالدین شاه بجهة اظهار اخلاص و ارادت شخصاً مباشر انخدمت بوده و داخل بقعه را محمد علیخان بندی که از نوآبان لکنا هور است آئینه بندی ممتاز نموده و حرم مطهر بسیار با وسعت است وضریح مطهر امامین از فولاد میباشد شاه سلطانحسین صفوی پیش کش نموده بسیار ممتاز در ضریح فولادی اول مرقد مطهر امام علی النقی دویم مرقد منور امام حسن عسکری علیهما السلام سیم قبر نرجس خاتون مادر

وانضریح را در سال هزار و صد و نوزده بامر شاه سلطانحسین ابتنا نصب شده است

امام دوازدهم و در ضلع شرقی ضریح فولاد ضریح از
برنج است که حلیمه خاتون دختر امام محمد تقی جواد
مدفونست آینه کاری رواق مطهر از میرزا سلیمان
خان رکن الملک شیرازی میباشد و چهل چراغ با مصارف
روشنائی در رواق مطهر از مرحوم ناصر الدین شاه است
و گنبد مطهر در وسط رواق و رواق دور میگردد
و ایوان مقدس سقف ندارد ولی ایوان بسیار
بزرگیست سطح و ازاره هم از سنگ میباشد
چندی قبل در گنبد مطهر شکافی پیدا شد که لازم بتعمیر
شده بود از شاهنشاه ایران مظفر الدین شاه قاجار
امر بتعمیر آن بقعه مقدس گردید باهتمام اولیای ملت
و دولت و بمباشرت حاجی عبد الهادی استرآبادی
بقعه و گنبد را تعمیر عالی نموده و تعمیرات لازم سمت

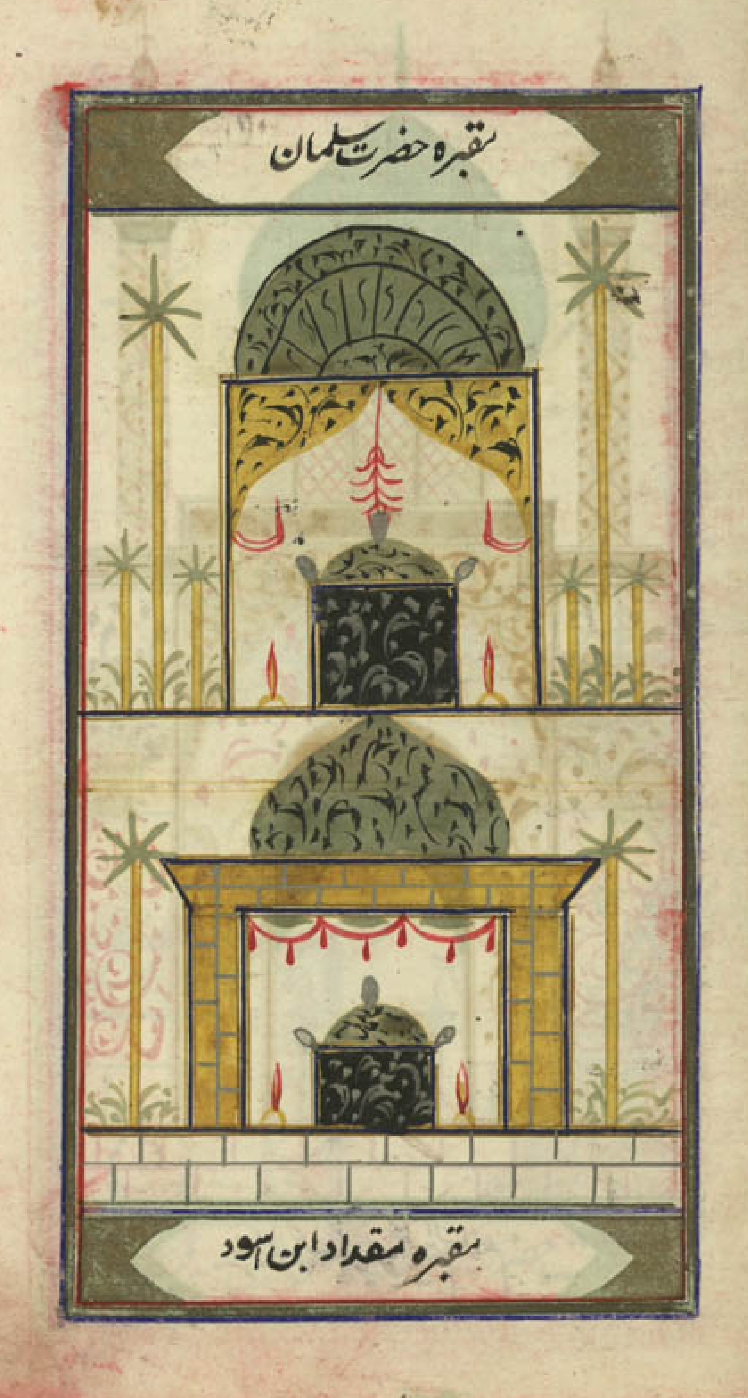
مشرق صحن و بعضی تعمیرات دیگر را نمودند محل غیبت
سرداب است و آن سرداب چندین پله بزیر میرود و آن
موضعی است که اکثرا امام زمان عجل الله فرجه و پدران
بزرگوارش از شر اشرار در آنجا مخفی بودند و بعبادت
مشغول فضل بسیار دارد زیارت آنحضرت و پدرانش
در آنجا و آنجا خانه امام حسن عسکری علیه السلام است
و آن سرداب را آقا شیخ محمد برادر مرحوم آقا شیخ عبد الحسین
کاشی نموده و محل غیبت خاتم الائمه چاهیست
منتها دو ذرع دور چاه را با سنگ مرمر فرش
کرده اند و شبکه مطلای سر چاه که اکنون برداشته اند
از مرحوم ناصر الدین شاه بود بتوسط آقا شیخ محمد ساخته
شده بود گنبد کاشی مقام غیبت صاحب الامر
و مسجد و شبستانهای آنجا از بناهای مرحوم محمد علی

و داخل سرداب نقوش در صفه که چاه در او [illegible] میباشد [illegible] چوب که [illegible] ابو العباس احمد [illegible] خلفای عباسی [illegible] نصب کرده [illegible]

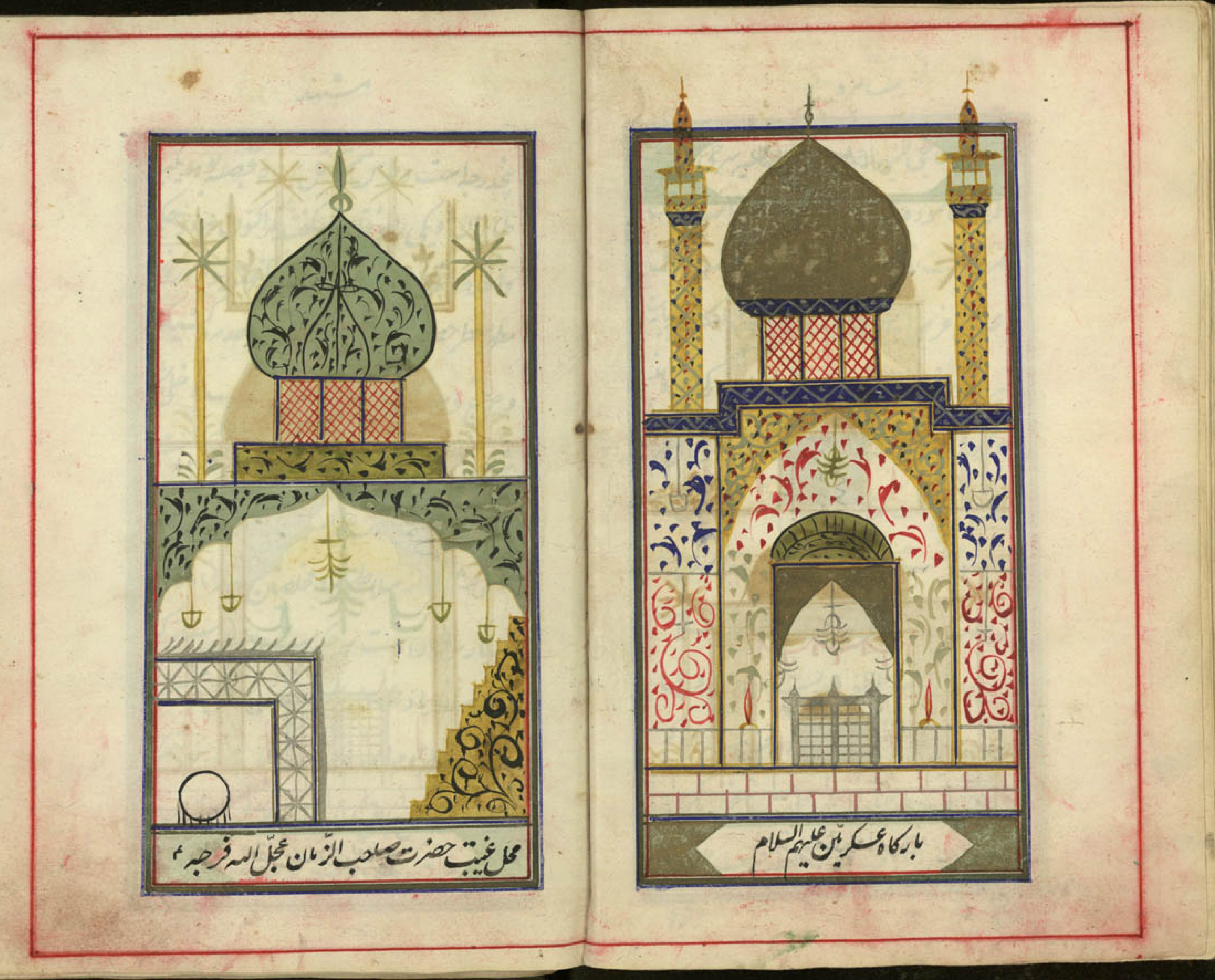
[illegible]

میز است صحنهای سامره یک صحن بسیار بزرگ که
در جلو واقعست و یک صحن وسط در پشت روضهٔ مبارک
و یک صحن کوچک در سمت محل غیبت و صحن بزرگ
بسیار باروحست و چاهیست نزدیک بمحل غیبت
و اینجاییست که در میان خانهٔ امام حسن عسکری بوده
و هر وقت در میان چاه نگاه میکنی اب ته چاه
مثل بدر منیر درخشد که مردم از اب ان استشفا میکنند
و کاشی کاری صحن و طاق نماهای دور و دو مناره
کاشی مرحوم شیخ عبد الحسین از جانب مرحوم ناصر
الدین شاه متصدی بوده و در معروف صحن مقدس
دو بزرگ از جانب قبله است و یکی هم در پشت که
بصحن پشت سر واقعست و بیشتر ابادی و جمعیت
سامره بتوسط مرحوم حجة الاسلام حاجی میرزا محمد حسن

شیرازی رحمة الله علیه شده مدرسهٔ بسیار خوبی از برای
طلاب و حمام و بازارچه از جهة زائرین و اهل انجا بنا
کرده و جسر روی دجله سامره را از ثلث مرحوم حسام
الملک همدانی بفرمایش مرحوم حجة الاسلام کشیده اند
و الحق کمال اسایش از کشیدن جسر از برای عابرین و
زوار حاصل شده خدام استان مقدس تقریبا صد نفر
میشوند و کلیددار روضهٔ مطهر اقا سید علی اعمی که از
دو چشم نابیناست القصه از جمله زیارتگاهی که در
راه سامره است امام زاده عالیمقدار سید محمد
بعاج است که بقعهٔ انجناب قریب به بلده در کنار
دجله واقعست بلده در یکمنزلی سامره است از انجا
تا بقعه سید محمد دو میدان اسب راهست و این
سید محمد بعاج فرزند امام دهم امام علینقی علیه السلام است

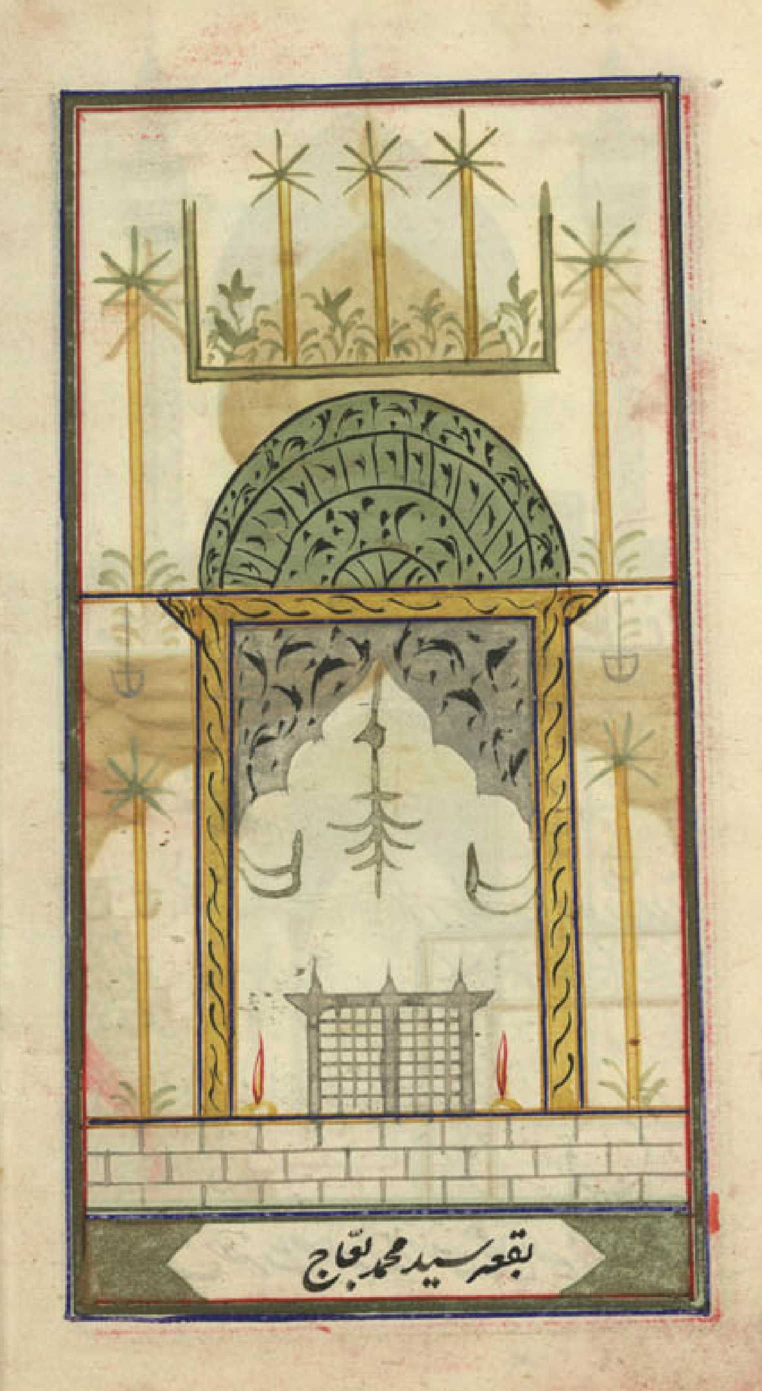


که مرحوم حاجی میرزا حسین [نوری] رحمة الله علیه شرحی در احوالات
او بیان نموده و سالی نیست که چند کرامت از آن
قبر شریف بظهور نرسد اعراب و اهالی آن صفحات
اعتقاد غریبی دارند و هر ساله در صورت امکان بزیارت
میروند و ضریحی چند قبل نصب بر روضه مبارک نموده اند
و دیگر در راه سامره قبه مختصر نیست گفتند که قبر ابراهیم پسر
مالک اشتر است کنار نهر خشکی و قصبه آبادی ندارد
مقصود هفتم در احوالات مشهد مقدس که مرقد
منور سلطان السلاطین علی ابن موسی الرضا علیه السلام است
که آن همام را در صفر المظفر دویست و دو و بروایتی
دویست و سه با زهر شهید نمودند و در قریه سناباد که
موضعی است در چهار فرسخی طوس مدفون گردید
و مشهد مقدس انحراف قبله از نقطه جنوب چهل و



محل غیبت حضرت صاحب الزّمان عجّل الله فرجه

بارگاه عسکریّین علیهم السلام


بقعه سید محمد بقاج

پنجدرجه است وطوس مشتمل بر دو قصبه بوده یکیرا
طایران ویکی را نوقان میگفتند که اکنون هر دو حکم
واحد دارند بر هردو انها مشهد گفته میشود وروضه
مطهر معطر حضرت رضوی از حیثیت خدمه وکشیک
وچراغ وموقوفات نظم وقاعده ترتیب دخلی بمشاهد
شریفه ائمه دیگر ندارد یکهزار و پنجده یا نوزده سالست
که حضرت ثامن الائمه علیه السلام دران بقعه منوره
مدفون شده از سلاطین ومخلصین شیعه آثار وعمارت
بسیار برقرار است هر حکومت ومتولی آستانه که
از جانب پادشاه ایران مأمور بارض اقدس
شده بقدر لزوم تعمیر یا خدمت دیگر باستان مقدس
نموده واسمی باقی گذارده و بیشتر بنا از عهد
صفویه است وبعد از صفویه بنا وتعمیرات بسیار

از نادر شاه افشار و از عهد سلاطین قاجاریست
خاصه در عهد شاهنشاه مرحوم ناصر الدین شاه بپا شد
الحاصل فی الجمله شرح صحون مبارک و عمارات روضه
مطهره بدین موجب است صحن بزرگ که از طرف
شمال پشت سر حضرت واقعست معروف بصحن
عتیق طول ان که از مغرب بمشرقست تقریباً یکصد و
پنجاه قدم متوسط میشود و عرض ان که از شمال
بجنوبست تقریباً یکصد قدم میشود و نصف این
صحن که در سمت ایوان و گنبد طلاست از
بناهای امیر شیر علی وزیر شاه سلطان حسین بایقراست
و نصف دیگر که سمت ایوان شاه عباسی است
ثانیاً مدارس اهل سنت بوده مرحوم شاه عباس
ثانی بر صحن افزوده و این صحن را بخدز است

حجرات واقعه درین صحن فوقانی و تحتانی است
و انچه از بناهای ان باسم و رسم است از اینقرار است
ایوان طلای نادری که بنای ان از امیر شیر علی است
و طلای ان از نادر شاه افشار است و از این
ایوان دری بدار السیاده و دری بتوحید خانه
میرود و کتابخانه مبارکه در این ایوانست محمد ناصر خان
ایشیک اقاسی باشی در عهد مرحوم ناصر الدین
شاه تعمیر ایوانرا نموده است و دیگر مدرسه میرزا
جعفر که از بناهای بسیار عالیه در عهد اوزبکیان
ساخته شده است و در گنبد قبلی اسم شاه سلطان
حسین ضبط است معلوم نیست که مرحوم شاه
سلطان حسین معمر یا بانی این بنا بوده باشد و دیگر ایوان
شاه عباسی که مقابل ایوان طلاست که کاشی

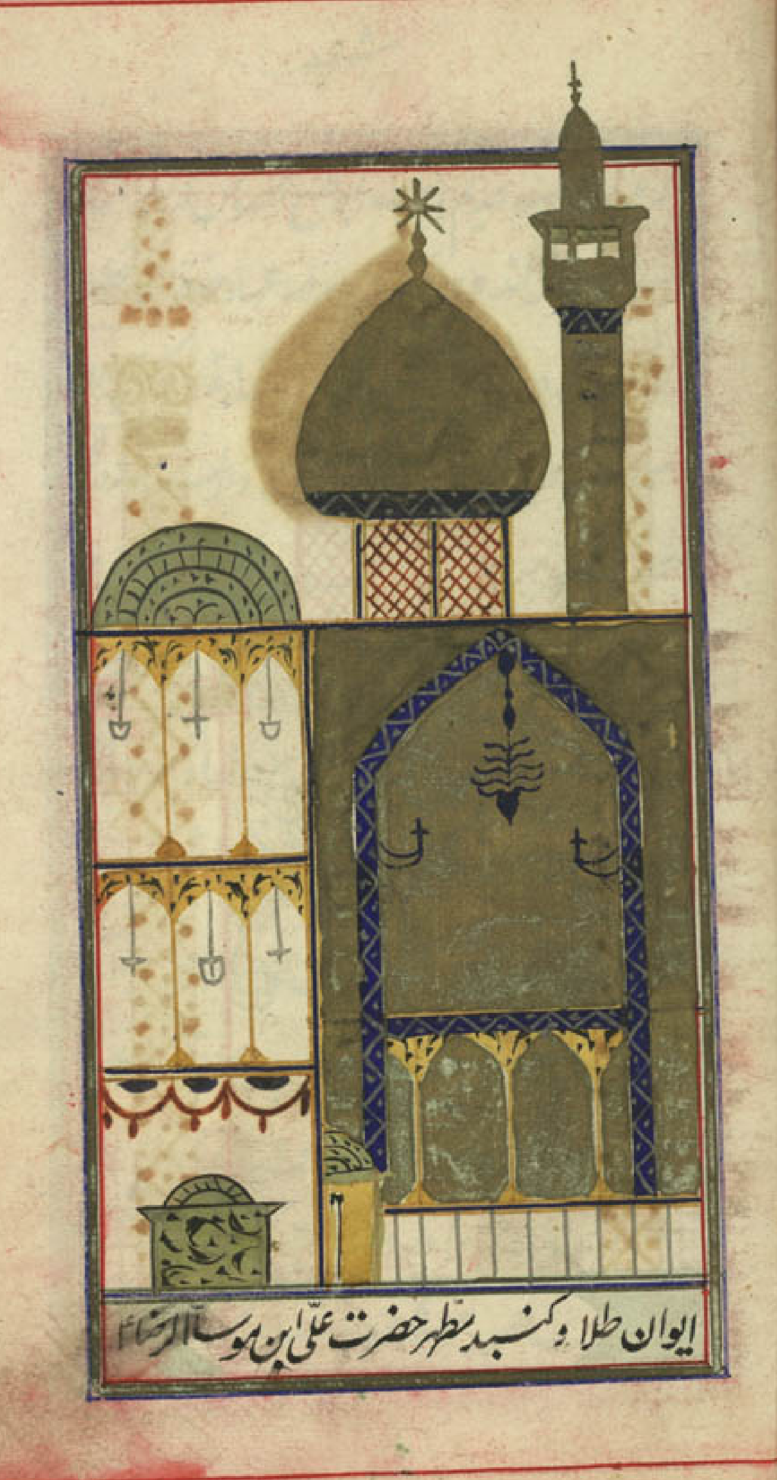
کاری ان در نهایت امتیاز است که درچلوان
مفتول کشیده شبها با چراغ کشیک خسته را معلوم
میدارند و در پشت سر ایوان محل مدرسه ملا تاج است
که موتمن الملک مستشار خراسان تعمیر ان مدرسه را
نموده دران مدرسه بجز گلدسته طلای نادری بنای
عالی دکر ندارد و تعمیر این گلدسته را بعد از نادر
شاه والده خاقان خلد اشیان کرده شمالغربی
مکتب خانه ایتام کشیک خانه دربانان مجلسخانه
حضرت درین صحن میباشد بالای در صحن که از
سمت خیابان پائین وارد میشود نقاره خانه
حضرتست که مرحوم حاجی قوام الملک تمام نموده است
که در تاریخ ان گفته اند   هر بامداد نوبتیانش فراز بام
هریک زکاسه سر کاوس کرده کوس   سرخوش

بدیهه از پی تاریخ سال گفت   باید ز شمس شمسه
۱۲۸۷
ایوان شاه طوس   سقاخانه وسط صحن موسوم
بسقاخانه طلا که سنگ اب انرا در عهد نادر اورده اند
اصل عمارت و طلای انرا اسمعیلخان طلائی در
عهد خاقان خلد اشیان ساخته است نهر وسط
صحن اب ان از دروازه بالا خیابان جاریست بخط
مستقیم وارد صحن مطهر و از صحن مطهر وارد خیابان
پائین ها از دروازه پائین خیابان بیرون میرود و
این اوقات اب دیگر را هم مجرای او را ساخته
وارد صحن مقدس نموده اند و در تولیت صدیق الدوله
متولی باشی بامر همایونی از منافع ملکی حضرت
از دو سمت کنار نهر اب بزرگ را معجر کشیده
از در صحن بالا خیابان تا قریب بدروازه بالا خیابان

واز در صحن پایین خیابان هم بشرح ایضاً بسیار بر
شکوه خیابانها افزوده وصحن جدید که صحن شرقی باشد
معروف بصحن خاقان که پایین پای مبارک
واقعست و اصل ان از بناهای خاقان خلد آشیانست
واین صحن بسیار خوب اتفاق افتاده طول این
صحن هم از مغرب بشرقست کاشی کاری ان در
کمال امتیازاست که میرزا موسی خان متولی باشی
تعمیر نموده وازاره سنگ ان قدری از مرحوم معزی
الیه و قدری از میرزا عبدالباقی منجم باشی و اتمام
ان از میرزا فضل الله خان وزیر نظامست و
این صحن را چهار درست دری بطرف مقبره شیخ
بهائی علیه الرحمه است عمارات واقعه در صحن علاوه
بر عمارات فوقانی وتحتانی دو در صحن که محل توطن

طلاب

طلا نسبت از انقرار است ایوان طلای مبارکه
ناصری که اصل بنای ان از خاقان مغفورست
وطلای انرا برحسب حکم مرحوم ناصرالدین شاه
میرزا محمد حسین عضدالملک درایام حکومت مرحوم
حسام السلطنه از منافع ملکی حضرت فیض آثار
ساخته است واز این ایوان دری بدارالسعاده
کارخانه وشربت خانه خدام دراین صحن واقعست
ودر کارخانه ازوسط ایوان رو بشمال مقابل دری
که از پایین خیابان وارد صحن مطهر میشوند سقاخانه
کاشی وسط صحن از بنای حاجی محمدرضای مستوفیست
ودیگر صحن مسجد گوهرشاد است که پیشروی مبارک
واقعست وان مسجد یکی از بناهای عالیه است
وخاصه کاشی کاریهای معرق که با چینیهای بسیار


ایوان طلا و گنبد مطهر حضرت علی ابن موسی الرضا ع

ممتاز میتواند برابری بکند و بانی این بنای عالی از
گوهرشاد است که عروس امیر تیمور گورکانست
و در این صحن چهار ایوان و شبستانست و چهار در
دارد دری بمحوطه معروف بپایین پا مقبره مرحوم شیخ
بهائی علیه الرحمه است و اسامی ایوانها ایوان مقصوره
با گنبد بسیار عالی و دو گلدسته بلند کاشی دهنه ایوان
دوازده ذرعست و ارتفاع ان بیست و پنج ذرع و نیم
و طول ان سی و چهار ذرعست ارتفاع گنبدی
که در وسط ان واقعست چهل و یک ذرع و قطر پایهای ایوان
پنج ذرع و ارتفاع هر یک از گلدستهها چهل و یک ذرعست
و نیز از محسنات این ایوان آنکه از سنه هشتصد و بیست
که بنای ان شده است الی حال هیچ جهه محتاج بتعمیر
نگشته و در میان گنبد این ایوان دو منبر از چوب است



مسجد گوهرشاد

که منبر بزرگ قدیم است بموضع مخصوص که بعد از اتمام
مسجد ساخته اند و منبر کوچک در عهد خاقان خلد
آشیان دو نفر بانی شده اند ساخته اند و دگر ایوان
سمت حضرت معروف بایوان دار السیاده که در وی
بحرم مطهر میروند از دار السیاده و دگر ایوان غربی و
دگر ایوان شرقی و شبستانها در اطراف دارد و وسط
مسجد محوطه ایست که بحجر سنگ در او کشیده اند
معروف بمسجد پیره زن و تمام کاشی کاریهای
آنمسجد آیات قرآن و احادیث و اسماء الهی ضبط است
یک منبر از سنگ در کنار مسجد است بعضی از
عوام میگویند که حضرت را روی او غسل داده اند
اصلی ندارد آنمنبر را در وقت بنای مسجد ساخته اند
و تولیت مسجد مجزا است با سادات که از قدیم

با انها بوده خدمه و دربان و کشیک دار و امام
جماعت واعظ مسئله گو مؤذن بسیار دارد عمارات
رواق مطهر سمت غربی بطول واقعشده دار السیاده است
که از سمتی بمسجد گوهرشاد و از سمتی بسقاخانه و بایوان
طلای نادری منتهی میشود از بناهای گوهرشاد است
و از دریکه بدار السیاده از طرف مسجد گوهرشاد
وارد میشوند دست راست بجرز دیوار یک سینی
نصب کرده اند و تاریخ ان سینی از عهد بنی عباس است
گویند که انگور زهرآلود در میان این سینی بوده است
و سمت شرقی دار السعاده است که از بناهای صفی
الدوله است پائین پا واقعست بالای المحوطه پائین
پاست و ایوان طلای ناصری جلوی ان واقعست
و سمت شمالی توحید خانه است و سمت جنوبی

دار الحفاظ

دار الحفاظ است که سمت بالای ان حرم مطهر است
و سمت پائین ایوان مسجد گوهرشاد است که آئینه
کاری از امرحوم حسام السلطنه کرده است میان
غرب و شمال سقاخانه و راه گلدسته طلای شاه
عباسی میباشد میان شمال شرق کتابخانه حضرت
و گنبد الله وردیخانست که دار الضیافه حضرت در یک
سمت انواقعست و این گنبد قوی اساس که
سابق کریاس حرم مطهر بوده از ابنیه الله وردیخانست
که بیگلربیگی فارس بوده در زمان صفویه ساخته شده است
و کاشی کاری ان در کمال امتیاز است که همه آیات
قران و احادیث ضبط شده و کفش کن ان
بصحن قدیمست که سر در ان نوشته   این کفش کنیست
در که عرش عظیم   این کفش کنیست طور موسی کلیم

این وادی مقدس است فاخلع نعلیک این باب
خداست فاسجد و التعظیم میان شرق جنوب
مدرسه علینقی میرزا است که در او میرزا علیرضای
مستوفی مهمانخانه ساخته در حقیقت این مدرسه حال
حیات کشیک خانه است و در پهلوی ان کشیکخانه
خدام و قهوه خانه و راه رو و کشیک خانه معروف
بگنبد او پک میرزا و خزانه مبارکه که در ان از دارا
لحفاظ است سمت میان جنوب و مغرب تحویلخانه
فراشان که در هر دو از دار الحفاظ است و دگر حرم مطهر
مدیحه از قصیده ملک الشعرا خسرو اقلیم امکان
مظهر یزدان رضا کز همایون ذات او فر خدائی
اشکار نور حق طور تجلی زاده موسی که هست استانش
عرش و جبرئیل امینش پرده دار سوده بر پاک استانش

بم

نیر اعظم جبین رفته از عالی رواقش خازن
جنت غبار حرم مطهر امام هشتم علی ابن موسی الرضا
علیه الاف التحیه و الثنا محلی است مربع که در وسط
اعلای ان ضریح مطهر واقعست اصل بنای این
چهار دیوار و این بناهای عالیمقدار از بناهای اسکندر است
گویا روزی ازاین زمین بهشت ائین عبور کرده
واقعه خارق عادتی مشاهده فرمود سبب ازان
برهمنی دانا جویا گشته ان برهمن خبر داد که مکان مدفن یکی
از اولاد خاتم پیغمبران خواهد شد پس نذری بخاطر
گذرانید بعد از وصول بمطلب چهار دیواری محکم
درین محل بر پا نموده که تا کنون بهمان اسم باقیست
هرون الرشید در زمان خلافت روزی از طوس
بان محل رفیع امد از حقیقت ان جویا گشته حکایت

گذشته باز شنیدند پس امر نمود بران گنبد عالی بنا کردند
بعد از فوت هرون الرشید مامون الرشید جسم هرون را
در این محل دفن کرد و غافل از اینکه هرون الرشید را
همانساعت بجای خود میبرند زیرا انموضع بقعه ایست
از زمین بهشت و کسیکه موسی ابن جعفر فرزند پیغمبر را
بزهر شهید کند از اهل بهشت نخواهد بود الحاصل پس
در زمان خلافت مامون چون بزهر انار یا انگور یا
هر دو انها روح پاک و گوهر تابناک امام غریب
در قریه سناباد که هنوز بعضی از محلات مشهد باب
ان مشروب میشوند بعالم قدس و مرکز اصلی خرامید
باشارت مامون جسد مطهر را بجاییکه بالای سر هرون است
بخاک سپردند غبار انمکان را طوطیای دیده رضوان
کردند مامون میخواست که قبر انحضرت را در عقب

سر هرون قرار دهد هر چند کلنگ بر زمین زده اصلا
کنده نشد اخر در جائیکه حضرت با باصلت خبر داده
بود قبر ساخته بیرون امد بتفصیلیکه در کتب اخبار است
باری چون قبر هرون در وسط واقع بود اینست که مرقد
مطهر منور بالای سر واقعست پس ضریح مطهر نقشی
واقعشده که وسعت سمت بالاسر بسیار کمست و
نزدیک بدیوار گشت این هم از کرامت ان قبر مطهر است
زیرا زوار انحضرت بانموضع که میرسند الظلمهای
بنی عباس که بخاطر ایشان میرسد از کشندگان امام
علیه السلام تبرا میجویند و لعن میکنند هرون و مامون را
باری مرحوم شاه عباس صفوی بالای گنبد
مطهر را طلا نموده مرحوم حاجی فرهاد میرزای معتمد الدوله
تذهیب کنند مطهر را از نادرشاه افشار نوشته شیاند



سقاخانه طلا

نادرشاه تعمیر گنبد مطهر را کرده باشد بهرجهة داخل گنبد
مطهر را در عهد مرحوم ناصر الدین شاه میرزا صادق
قایم مقام آیینه کاری بسیار خوب ممتاز نموده
کاشی ازاره وسط گنبد که سرکوب چینی فغفور است
دو قسم ساخته شده است قسمی در کتیبه که خطوط
رقاع و اسلیمی برجسته دارد میتوان دعوی کرد که
تا امروز چینی باین صفا و صنعت باین دقت دیده نشده
و دیگر خشتهای مسدس سفید است که با خطوط طلا
بآیات و احادیث تزیین یافته گویند که خمیره این
کاشیهای اعلا از معدنیست که بالفعل در نواحی مشهد
موجود است آنچه بتحقیق پیوست این کاشیها با
کاشیهای علی ابن جعفر که در قم موجود است در یک
عهد ساخته شده است هردو کار یک استاد است

وحرم مطهر را از دو سمت یکی از سمت بالاسر و
یکی از سمت پشت سر دو فضای شاه نشین مانند است
سمت پشت سر مسجد زنانه و توحید خانه میرود و
سمت بالاسر را مرحوم محمد ولی میرزا ساخته مسجد
ایشان موسوم و زمین ایمسجد بالاسر از سنگهای
مینا شد که قیمت جواهر است و این دو مسجد از پشت
سر یکدیگر راه دارد که آئینه کاری از عباسقلی خان
میرپنجه نموده است و اکنون در پشت سر محل قرائت
کلام الله است اما ضریح مطهر مربع طولانیست که سطح آن
از سنگهای قیمتی مینا شده و او را سه ضریحیست
ضریحی که دور قبر مبارکست از طلاست که مرحوم
شاه عباس جنت مکان در سفری که پیاده بآن
آستان ملایک پاسبان آمد بر حسب نذر مبلغ هفت



هزار تومان انجام داده ناصر قلی میرزا نواده نادرشاه
انرا دزدید و بعد بحکم نادر میرزا بمحل خود عود دادند و
پس طلای یکسمت ان در حمل و نقل مفقود شده
و حال یکسمت ان نقره و سه سمت ان طلاست
و بالای ان یک شیر و امنیت و ضریح دیگر فولاد است
مرصع که نادرشاه افشار ساخته و دانه نشانست
و بالای انهم یک شیر و امنیت که بروی ان صفحه طلا
استواراست و روپوش بالای این شیر و امنیت
و سلبی از طلا در وسط ان شیروانی نصب کرده اند
که در میان او جواهرات بسیار نصب است دو قبه
طلای جواهرنشان در دو طرف سلب مرصعست
و پهن ضریح مرصع و ضریح فولاد یک شبکه ازبرنجست
بجهة محفوظ بودن دانهای جواهر و در ضریح از طرف

پائین

پائین پا طلای مرصعست که جواهرات بسیار براو
نصب است خاقان خلد اشیان ساخته و طلای
انرا در عهد سالار بردند بعد بر حسب حکم مرحوم ناصر
الدین شاه سلطانمراد میرزای حسام السلطنه طلا و
مرصع کرده است و روی انرا اینه قدی قرار داده اند
و الکنون در یک لنگه در اسم خاقان مغفور و در یک
لنگه دیگر اسم مرحوم ناصرالدین شاه ثبت است که از زیر
اینه معلومست این دو پادشاه بدربانی السلطان
عالم مفتخر اند و در ضریح فولاد پیش روی مبارک
پائین پا اتفاق افتاده بخط میرزا عبد العلی یزدی باب
طلا بالای ان نقش است و الله روضة من ریاض
الجنة و قفل نقره براین دراست و در چهار کنج حرم
مطهر قنادیل طلا و نقره و حباب نقره بسیار اویخته

و یک قندیل مرصع جواهر نشان در بالای سر آویخته
و یک جعبه آئینه بزرگ در بالای سر مبارک نصب است
که جقه و تاج و جواهرات و کارد و جواهر و جقه بزرگ
از خاقان مغفور و از سلاطین سلف و صفویه و از نادر
شاه در آن جعبه است که نیازان آستان مقدس
نموده اند و یک جقه پر دار در میان جعبه آئینه در کتیبه
بالای سر نصب است که مرحوم ناصرالدین شاه در سفر
شرفیابی پیشکش آستان مقدس نموده و دو جعبه
کوچک اینهم در بالای سر نصب است که بازوبند جواهر
در میان آنهاست و یک جعبه بالای سر دار الحفاظ است
که شمشیر جواهر در میان اوست و جواهر و پارچه های
قیمتی بسیار میباشد که همه وقف نیازان آستان
مبارکست اشیاء پیشکشی انقدر وقف از روضه

مطهر است که حد و حصر ندارد و چه در میان خزانه مبارکه
و چه در کتابخانه آنحضرت فرشها و قالیها از سلاطین
قدیم و صفویه وقف است که هر پارچه آن صد مرتبه
از ترمه کشمیر بالاتر است الحاصل کتیبه مرمر دور حرم را
در عهد مرحوم ناصرالدین شاه دبیرالملک تمام نموده است
و بر کتیبه میان در پایین پا نوشته   قدم گذار
دمی در وساده وحدت   بچشم دل سوی این قصر
زرنگار نگر   در واقع اگر پرده غفلت و حجب
حب شهوات دنیا از پیش دیده دل برخیزد جلال باطنی
آنحضرت معلوم خواهد شد و حرم مطهر را سه در است
دری بدار الحفاظ دری بپایین پا و دری بتوحید
خانه و درهای طلا و نقره رواق و روضه مطهر بسیار است
و از سمت مسجد بالای سر بدار السعاده پنجره از نقره است

که در تولیت میرزا محمد خان مجد الملک در عهد مرحوم ناصر
الدین شاه ساخته و یک پنجره از سمت توحید خانه بسمت
صحن قدیم است که از برنجست معروف به پنجره فولاد
و بر کتیبه تمام رواقها و روضه مطهر قصیده شعرا ضبط است
و این دو بیت از قصیده قاآنی ثبت شد زهی بهمت بلند

از عرش برده فرش تو رونق | زمین زمین تو محسود
هفت کاخ مطبق | کدام مظهر چون بود بخاک تو مدفون
که از زمین تو خیزد همی خروش انا الحق

و بسیاری هم قصیده شعرا در قاب آینه کرده آویخته اند و این
خادم الزائرین در وقتی که در ارض اقدس مشرف
بودم در روز عاشورای هزار و سیصد و نوزده ۱۳۱۹
در صحن مقدس ملاحظه شد که از تمام محلات مشهد
و اطراف مشهد بجهة عزاداری خامس آل عبا همی

از هر طرف متصل دسته سینه زن با طوق علم وارد صحن
مقدس میشد و مقابل پنجره فولاد طوق علم را تعظیم
داده و عزاداری میکردند و بیرون میرفتند بخاطرم افتاد
آن وقتی که پسر زیاد ملعون دسته بدسته اهل کوفه را علم
میداد و بجنگ پسر فاطمه روانه میکرد حالتم منقلب شد

مقابل پنجره فولاد عرض نمودم فی المرثیه

یا ابن رسول الله یا علی ابن موسی الرضا | یا ثامن الائمه جزاک الله زین عزا
حسن چون بگویم آه زبانم بریده باد | زد پسر مصیبت جدش کنم ادا
آخر کشید کار که از ظلم کوفیان | از زین فتاد در روی زمین حجت خدا
واعزتای ناله شه چونکه شد بلند | کروبیان بگریه تمامی از آن صدا
از زخمهای بیحد و از ضعف تشنگی | بر خاک تکیه داد همین سبط مصطفی
القدر تشنه بود عزیز خدا حسین ع | این بس ز تشنگیش که شد کام او علی کاف ها
آب فرات مهریه مادرش بتول | یکجرعه کس نداد بدان خامس کسا

نصرانی حرام نمود از مباهله　　چون دید حال عترت مظلوم کربلا

شمر لعین ز سوره طه نکرد شرم　　خنجر کشید و کشت روان سوی ملک لافتی

چون قطع کرد شاخه مرجان فاطمه　　لؤلؤ ز دیده کان گهر جاری مجتبی

با زفرف شهادت شه جمع بانوان　　مویه کنان سینه زنان وا اخاه اخا

شد در عروج کوکب والنجم ز سنان　　گویا شنیده بود دنی یا حسین فی

بگریست انچه بود بر یکجا نه رسول　　سرخی پدید گشت ز رخساره سما

چون شد هلال ابروی شه جلوه گر بنی　　از اختران برج حیا شد فغان بپا

وانگاه تاختند بغارت خیام ان　　دنیا پرست کوفی بیشرم و بیحیا

نامردها بغیر لبس کشوده دست　　نشناختند حرمت والشمس والضحی

ان اهلبیت بیکس و اطفال دربدر　　فریاد میزدند کرای وا محمدا

اتش چرا زدند دگر بر خیامشان　　زنجیر از چه کردن بیمار کربلا

این بود ان سفارش ذی القربی رسول　　امت چه خوب اجر نبی داد مرحبا

در راه شام و کوفه و در مجلس یزید　　ایا چها گذشت باطفال بینوا

دستت بریده باد یزید این چه ظلم بود　　بر جای بوسگاه نبی خیزران زدن

خیز ز دست باده نابت تر دماغ　　بر پا ستاده نور خدا حجت خدا

اولاد هند متکی اما چاک پیرهن　　کوه وقار فاطمه ان عصمت خدا

این درد میکشد که زنازاده پشت زد　　خواهد دهد بجواهر بار الله خونبها

زائر به بند لب مکن اسرار حق عیان　　اظهار بندگی بود این صبر در بلا

قربانت ای حسین نکشتی که شیدمی　　ما را شفیع روز قیامت صف جزا

اخیر و حج ز شهنشاه ارض طوس　　اینور گرده کار ولی خدا رضا

یک سکه قبول با عمال ما بزن　　لطفی دمی مرحمت بروم سوی کربلا

دانم چرا که هر دل شیدائش طالب است　　زیرا که بود ناله هل من ناصر ینصرنا

با دوستی فاطمه اولاد فاطمه　　زائر بزن تو بیرق عشقت بنینوا

این مرثیه را با قصیدهٔ سلامیه که در اخر کتاب مذکور است که
وقت شرفیابی حضور از روضه مبارک عرض نموده هر دو را
در قطعه از کربلای معلی تقدیم ان استان مبارک نمودم

القصه بقبره شیخ بهائی علیه الرحمه با بعضی از علماء دیگر در
رواق در محوطه معروف بپائین پا ملحق شد وکیل الملک
میر تبریزی که از سادات طباطبائیست صندوق اورا
ساخته وان بقعه را تعمیر نموده است ودر رواق
مطهر وصحنین انقدر از قبور سادات عظام وعلمای
اعلام واعیان وخدام ان استان مقدس وغیره گذشته
که از حد حصر بیرونست که بیشتر قاری وچراغ دارد تقریباً
سی هزار جزو قران در روضه واطراف قرائت
میشود واز سلاطین شاه طهماسب صفوی نزدیک
مسجد زنانه مدفونست ودر قبرستان معروف
بقتلگاه قبور بسیار از سادات وعلماء وغیره است
ازانجمله قبر سید احمد کبیر از اولاد موسی بن جعفر ع
وقبر او در زیر خاک مخفی بود چند نفر درویش اهتمام

نموده ان قبر را از زیر خاک بیرون اورده میرزا
رضای صدیق الدوله متولی باشی انجا را تعمیر نموده
واز علماء قبر شیخ طبرسی اعلی الله مقامه با بعضی از علماء
دیگر در قبرستان قتلگاهست ودار الشفای حضرت
در خیابان بالا واقعست که چند نفر طبیب اشپز ودربان
پرستار همیشه مواظبت از بیماران وغربا وزوار مینمایند
ومهمانخانه عمومی حضرت در بست بالا خیابان واقعست
که از زوار وغرباء وفقرا پذیرائی میکنند سه ماه رجب
شعبان رمضان از موقوفات مرحوم ناصر الدین
شاه صرف میکنند ومهمانخانه خدام علاحده است
در صحن نو میباشد اشرف النظاره میرزا محمد صادق ناظر
که ناظر حضرت است از سادات رضویست بقول
مشهور بیست وپنج پشت بحضرت رضا علیه السلام میرسد

و نایب التولیه حاجی سید حسین عرب که پدرش سید
سعید کلیددار حضرت ابوالفضل بود و مادرش دختر
خاقان مغفور است و پنج سرکشیک و پنج خدام باشی
و دربان باشی کل دربانان و صاحبمنصبان آن
استان هر یک بلقبی و بخدمتی سرفراز و خدام آستان
ملایک پاسبان زیاده از هزار نفر میباشند که
در کشیک خمسه حاضر خدمت هستند هر کشیک تخمیناً و
تقریباً دویست نفر زیاده اند بغیر از اعیان و ارکان
و سایرین که اسمشان در دفتر حضرت محض افتخار است
زیاد خرج از روضه مطهره و خدام استان ملایک پاسبان نیست
که بیشتر از موقوفات حضرت است تقریباً تا نزده هزار
پانزده هزار نفر وظیفه خور و شهریه گیرنده و مستمری
و غیره از آن استان ملایک پاسبان بهره مندند

و مدارس

و مدارس بسیار در خیابان پایین و بالا و اطراف
از روضه مطهر است طلاب بسیاری دران مدرسه ها
مشغول تدریس است و چند مدرسه از عهد صفویه است
و بعضی مدارس مخروبه که تعمیر لازم دارد و گنبدی
و بقعه در خیابان پایین هست گفتند قبر پیر پالان
دوز است که مرد سالکی بوده و از عرفا میباشد هر
زواری که دارد میشده اگر پالان حیوان آنها شکسته
شده بود مجاناً تعمیر میکرده معاصر با شیخ بهائی علیه الرحمه
بوده در عهد شاه خدابنده گنبدی ساخته اند و مقبره و
فضائی دارد و مدرسه در جنب آن واقعست
عجب اینکه یک دکان نانوائی در پایین خیابان نشان
دادند گفتند که آنجا قبر حمید ابن قحطبه طوسی است و این
ملعون کسی است که در یکشب بحکم هرون الرشید

عباسی شصت نفر از اولاد علی و فاطمه طفل جوان پیر را
گردن زد و سر از زیر در چاه کرد الحال قبر او در جایی
اتفاق افتاده که آتشی که از برای نان پختن بسیار فروزند
روی قبر این ملعون است که قبر او باتش دنیا و خود ملعونش
باتش جهنم میسوزد الظاهر عنوان الباطن الحاصل خواجه
ربیع تا مشهد مقدس یک فرسخ راه است گویند خواجه
ربیع از تابعین و اخلاص کیش حضرت امیر المؤمنین ع
بوده و از جانب حضرت در ری و عراق ریاست
لشکر با او بوده و در جنگ صفین با چهار هزار
مرد جنگی از ری بامداد حضرت بکوفه آمد و قبر او در
کنار رودخانه طوس است در خبر است چون حضرت
رضا علیه السلام داخل سناباد شد پشت مبارک را
گذاشت بکوهی که قریب شهر مشهد است که دیگها

و ظرفها از او میتراشند و فرمود خداوندا نفع بخش
باین کوه و برکت ده آنچه در ظرفی گذارند که از این
کوه تراشند از آن روز مردم دیگها و ظرفها از این
کوه تراشیدند و برکت یافتند اما قدمگاه در سه
منزلی مشهد مقدس در دامنه کوه و تپه واقع شده
بسیار جای با صفائی اتفاق افتاده است
اصل قدمگاه عبارت از بقعه کوچکی است که سلاطین
صفویه ساخته اند که گنبد عالی دارد تمام او را با کاشی
معرق زینت داده اند و در دیواران بقعه تخته
سنگ سیاهی نصب نموده اند سطح که بر آن
نقش پای مبارک است گویند که آن سنگ را زیر او
آتش میکردند و در روی او نان می پختند
خدمت حضرت استغاثه کرد حضرت نقش پای



مبارک همچون حجر الاسود بوسه گاه خلایقش کرد
واز اطراف بزیارت انمقدم شریف امده تحصیل
سعادت مینمایند لمؤلفه   بوسیدن پایش اگرت
نیست میسر   نقش قدمش جای گرفتست بسنگی د
درسمت شرقی این بقعه بفاصله چند قدم چشمه ایست
کانه سلسبیل که از قرار مشهور از زمین دست مبارک
معجز اثر انحضرت جاری شده وعابرین وقوافل ووارد
از ابان استشفا حاصل میکنند وانچه محقق است که
قدمهای مبارک حضرت بان مکان رسیده وجود
انسرزمین گواهی میدهد از نزهت وصفا چنانکه
در تحفة الزائر مجلسی علیه الرحمه نقل میکند که ابن بابویه
روایت کرده است که چون حضرت رضا علیه السلام
در وقتی که بنزد مامون میرفت بده سرخ رسید



قدمگاه

که همین قدمگاهست ازبرای ظهر فرود آمد آب طلبید
بجهة وضو گفتند یا بن رسول الله آب همراه نداریم پس
بدست مبارک زمین را کاوید آنقدر آب جوشید که
آنحضرت و هرکه با او بود وضو ساختند اثرش تا امروز
باقیست الحاصل باغ قدمگاه درختهای کاج بسیار کهن دارد
که زیاده از پنج زرع قطر دارد و از ازمنهٔ قدیم خبر میدهد
گویند در عهد شاه عباس صفوی کاشته اند بقعه و
باغرا در عهد هر سلطان تعمیر کرده اند در عهد مرحوم ناصرالدین
شاه هم تعمیر شده و این اوقات تمام آن بقعه و باغرا
از موقوفات خودش نیر الدوله حاکم نشابور تعمیر نموده است

مقصود هشتم در احوالات شهر قم که در آنجا فاطمه
دختر موسی ابن جعفر علیه السلام مدفونست و شهر قم در
کنار رودخانه واقعست و قم در عرض سی و پنج درجه

طول یکدرجه انحراف قبله سی درجه است و اهل قم از
شیعه های قدیم بوده اند وقتی که کل ایران مذهب
اهل السنت داشتند قم و کاشان و استراباد و سبزوار
نشابور شیعه خانه بوده و چند حدیث در مدح ارض
بیضاء قم رسیده است و بسیاری از علماء و صلحاء
و اخیار از اهل قم بوده اند که در حق انها این حدیث
کافیست لولا القمیون لضاع الدین و حضرت معصومه
فاطمه بنت موسی ابن جعفر ع در زمین بابلان قم مدفونست
که حضرت رضا علیه السلام بسعد اشعری فرمودند
هرکس زیارت کند او را بهشت ازان اوست اول
بر سر قبر مطهر حضرت معصومه سایه بانی ساخته بودند
تا اینکه زینب دختر محمد ابن علی الرضا قبه بنا نهاد و بعد
در سنه هشتصد و بیست و نه شاه بیگی بیگم قبه را ازرک

کرد و تجدید نمود و این شاه بیگی بیگم خواهر گوهرشاد است
که عروس امیر تیمور گورکانست و بانی مسجد گوهر
شاد که در خراسان این مسجد معروفست و در قبه حضرت
معصومه هفت قبر است اول حضرت فاطمه بنت
موسی ابن جعفر ع دوم ام محمد دختر موسی رضائیه
و خواهر محمد ابن موسی سیم میمونه دختر موسی چهارم
ام اسحق جاریه محمد بن علی پنجم ام حبیب جاریه ابی علی محمد
ابن احمد ابن الرضا و این کنیزک مادر ام کلثوم دختر محمد
بوده است ششم ام القاسم دختر علی کوکبی هفتم
ابو الحسن ابن
جعفر ابن محمد ابن اسمعیل ابن جعفر الصادق و این اول
کسی است از سادات حسنی که بقم امد و قبر او بقبه
فاطمه بنت موسی ابن جعفر متصل است و بعد تعمیر
بنای بقعه و صحن و مدرسه را سلاطین صفویه نمودند

یکصد

تا در عهد خاقان مغفور فتحعلی شاه در بقعه و صحن و مدرسه
هزار تومان بیشتر تعمیر و غیره نموده از جمله تذهیب
گنبد مطهر و نقره ضریح مقدس و سنگهای مرمر
دور ضریح و گوی کوچک مکلل بجواهر بالای سر آویخته
و در میان آن رشته مروارید با زنجیر طلا و حقه جواهر
و قنادیل طلا و نقره و اتمام در طلا و در مینا را در سمت
شمالی حرم که از خاقان مغفور است و این قصیده
از ملک الشعرای کاشی است که در دور گنبد مطهر ثبت است

آتش طور موسی عیان از سینه سیناستی / یا که گردون بارگاه بضعه موسی ستی
بضعه موسی ابن جعفر فاطمه کز روی قدر / خاک درگاهش عبیر سنبل حوراستی
تو گلی روشن ز طرف گلشن یس بود / آیتی روشن ز صدر نامه طه ستی
پرتوی از آفتاب اصطفای مصطفی / زهره از آسمان عصمت زهراستی
صحن از اهسته اقصی با عزت چنان / کز شرف مسجود سقف مسجد اقصی ستی

و این

و این چند بیت در دور ضریح مطهر در کتیبه ثبت است

یا رب این خلد برین یا جنت المأوی ستی / یا همایون بارگاه بضعه موسی ستی
این همین یا نو که در برج شرف بنشسته است / نسل پاک زاده آسیه حوراستی
بنت موسی فاطمه اخت الرضا کز روی قدر / تربت پاکش که مشک عنبر ساراستی

باری آینه بندی داخل بقعه از شاهزاده کیکاوس میرزا است
طلای بالای ایوان از مرحوم ناصرالدین شاه است ازاره
سنگ دور تا دور حرم مطهر و مسجد زنانه پیشتر و از
میرزا علی اصغر خان صدر اعظم است و در نقره پائین پا
و در رواق پائین پا از حسین خان نظام السلطنه میباشد
بنای گلدسته صحن قدیم از شهاب الملک است طلای
بالای گلدسته از نایب السلطنه کامران میرزا میباشد
و از سلاطین صفویه شاه عباس ثانی و مرحوم شاه
صفی و شاه طهماسب و شاه سلطان حسین صفوی بیرون

بقعه و در اطراف حرم مدفونند و سلاطین قاجاریه
مقبرهٔ خاقان مغفور در صحن سمت شمالی واقعست
و مقبرهٔ محمد شاه سمت مغرب صحن است و این دو رباعی
از خاقان مغفور است خاقانم و یکجهان گناه آوردم در
حضرت معصومه پناه آوردم مهر نبی و حب علی یارب
بر درگه کبریا گواه آوردم ایضاً خاقانم و مانده ز دهم کلاه
زورنگ خلافت شده دستم کوتاه اندر حرمت بمسکنت
جبهه پناه یا فاطمه اشفعی لنا عند الله و بالای سردر صحن
سمت شمالی زیر ساعت این چند بیت نوشته از
میرزا عبدالمجید شاعر است بعهد خسرو جمجاه
ناصر الدین شاه که سوده رفعت وی بتاج کیکاوس
جناب تولیت اسمی سبط دویم که قدر اوست
بر از دانش عقول نفوس خود این بقرن شاهان این

این بلند

بلند ایوان که رشک انجم کیوان چرخ آبنوس
بزیب صحن کزین دخت موسی جعفر جناب فاطمه اخت خدیو خطهٔ طوس
شعاع شمع شبستان عصمت کبرا شفیعه دو سرا کردگار ناموس
که شد ز هجرت نبی یکهزار و سیصد و پنج ز چرخ داد عطارد بکلک شد بوس
و بر سردر صحن از طرف مدرسهٔ فیضیه اسم شاه اسمعیل صفوی
در کاشی نوشته نصب است و در سردر مدرسه که از دار الشفا
داخل میشوی تاریخ مدرسه نوشته شده است در
روضهٔ معصومه شهنشاه ملک جاه بنهاد بنا مدرسه دلکش و دلخواه
تاریخ بنا بس که ز ارباب سخن خواست بنوشت صبا مدرسهٔ فتحعلی شاه ١٢٣١
و دار الشفا اصل بنا از صفویه است و تعمیرات از نایب
السلطنه کامران میرزا بپا شد و آب انبار شاه عباسی نیز در
دار الشفا بپا شد که مصرع تاریخ او اینست لعنت بیزید باد
بر گور یزید ١٠٦٩ و اما صحن جدید سمت مشرق موسوم بصحن

آئینه دربائین پا واقعست اصل بنای صحن مقدس با ایوان
و رواق از مرحوم آقا ابراهیمخان امین السلطان بنا شد
و عمرش کفایت نکرد در انجام این بنا و اتمام این صحن
و ایوان و رواق مطهر را میرزا علی اصغرخان امین السلطان
صدراعظم ولد ارجمند آن مرحوم نموده در سنه هزار و
سیصد و سه صحن مطهر و ایوان و رواق مقدس
باتمام رسید و رواق مطهر و غرفات رواق را که رشک
غرفات جنانست آئینه کاری نموده بهمین طور
ایوان مقدس را آئینه بندی بسیار ممتاز نموده
و ازاره رواق و ایوان را از سنگ مرمر مخصوص
معدن جدید قم نموده اند و در جلوی ایوان ستونهای
سنگ با ارتفاع استوار است که اینگونه
ستونهای سنگ کمتر دیده شده و عجب

اینکه

اینکه کتیبه ایوان با این ارتفاع را هم از سنگ
کرده اند بسیار با جلوه و باشکوه بطرزی مرغوب
چنانکه شاعر گوید   این روضه شریف که خاک حرمش
عنبر است   در رتبه با سپهر چهارم برابر است
این بقعه که نور از او میرسد بعرش   قبر منیر دختر
موسی ابن جعفر است   معصومه خواهر شه سلطان
دین رضا   همنام جده فاطمه دخت پیمبر است
شاهان بدرگهش همه آورده التجا   سائل بدرگهش
همه خاقان و قیصر است   هر کس که گشت زائر قبرش
بجان و دل   او را شفیعه فاطمه فردای محشر است
و صحن مذکور دارای چهار گلدسته و یک دستگاه ساعت
و دور تا دور حجرات که ازاره از سنگ دارد و
کاشیهای اعلا حجرات را تزئین کرده اند الحق صحن

بارو حی میباشد و حوض وسط نیز از مشار الیه است
و قبر قطب راوندی در سمت قبلی بالای این صحن
واقعشده و از برای این صحن موقوفات کلیه بجهت مصارف
چراغ و خدام و فراش دربان و غیره مقرر داشته
و تولیت کل روضه منوره از جانب دولت علیه
ایران بجناب المعظم ذالنور المفخم منبع السیاده و فخر السادات
اقای اقا سید محمد باقر خلف ارجمند مرحوم حاجی میر محمد
حسین متولی باشی اعلی الله مقامه میباشد که سالهاست
جدا با جد بدین خدمت نمایان مفتخر و سرافرازند و الحق
ادب و احترامی که در وقت دخول و خروج از روضه
منوره از آن سید عالیجناب دیده میشود باعث
شوق و رغبت خواص و تربیت عوامست و بین
خدام و خطبا و سرکشیک و سایرین از خدمه ان

استان منوره تنظیمات حسنه و اداب نیک در
زمان خروج و دخول و روشن کردن چراغ و استادن
با جتماع هر شام و قرائت قران و تنظیم چلچراغ و چراغهائی
بسیار در هر شب مقرر داشته که احتیاج به بیان ندارد
هر کس شرف میشود می بیند و خدام کشیک ثلاثه
معین و از برای هر کشیک رئیسی مقرر و نوبه معین
فرموده اند در تمام سال هر کشیک بعد از خدمات
موظفه از برای ایشان غذای مخصوص در جای
معین با لوازم ان از قهوه و غلیان چای حاضر
مینمایند و این تهیه غذا از موقوفاتیست که چند سالست
جناب میرزا یوسف خان مستشار الملک برقرار
کرده و شبهای جمعه را با ضافه از زوار و طلبه و غیره
دعوت شامست ثانی روضه رضویه بوی در گاه رضا

می اید از درگاه او   اری اری بوی گلرا جست باید
از گلاب   باری در صحن قم و قبرستان قم از
علما و صلحا و اخیار قبور بسیار است و در محوطه
میان قبرستان بعضی از علما مدفونند از انجمله قبر
زکریا بن ادم که در سفر مکه معظمه با حضرت علی ابن موسی
الرضا هم کجاوه بود در خبر است زکریا بن ادم خدمت
حضرت رضاء عرض نمود میخواهم از شهر قم بیرون
ردم حضرت فرمودند این کار را مکن خداوند از
اهل بیت تو بجهة تو بلا را دفع میکند چنانکه از اهل
بغداد بواسطه موسی ابن جعفرع و قبر مرحوم حاجی سید
جواد چسبیده بقبر زکریا بن ادم است و زکریا بن
ادریس و ادیم ابن اسحق هم در انجا مدفونند و قبر
میرزای قمی اعلی الله مقامه نیز در انجاست که خاقان مغفور

بقعه مختصری ساخته قبور بسیاری از علما در ان
محوطه است و محوطه دیگر هم هست انجا هم بعضی از
علما مدفونند علی ابن ابراهیم محمد ابن قولویه قاضی ابو
سعید اشعری با بعضی از علما در ان محوطه و اطراف
مدفونند و در شرقی قبرستان علی ابن بابویه بقعه علاحده
دارد معروفست چهار صد متجاوز امام زاده در قم و
اهالی قم مدفونند از انجمله قبر علی ابن جعفر است که با مجهر
ابن موسی در یک بقعه مدفونند بنا خطوطیکه بر سطح ان
مزار نوشته شده است علی ابن جعفر کوچکترین اولاد
حضرت صادق است و نسل عریضیان منتهی بوی
میشود و محمد ابن موسی برادر حضرت رضا است که بواسطه
کثرت عبادت و صوم صلوات حضرت موسی ابن جعفرع
او را لقب عابد مرحمت فرموده و بعضی مدفن علی ابن جعفر را

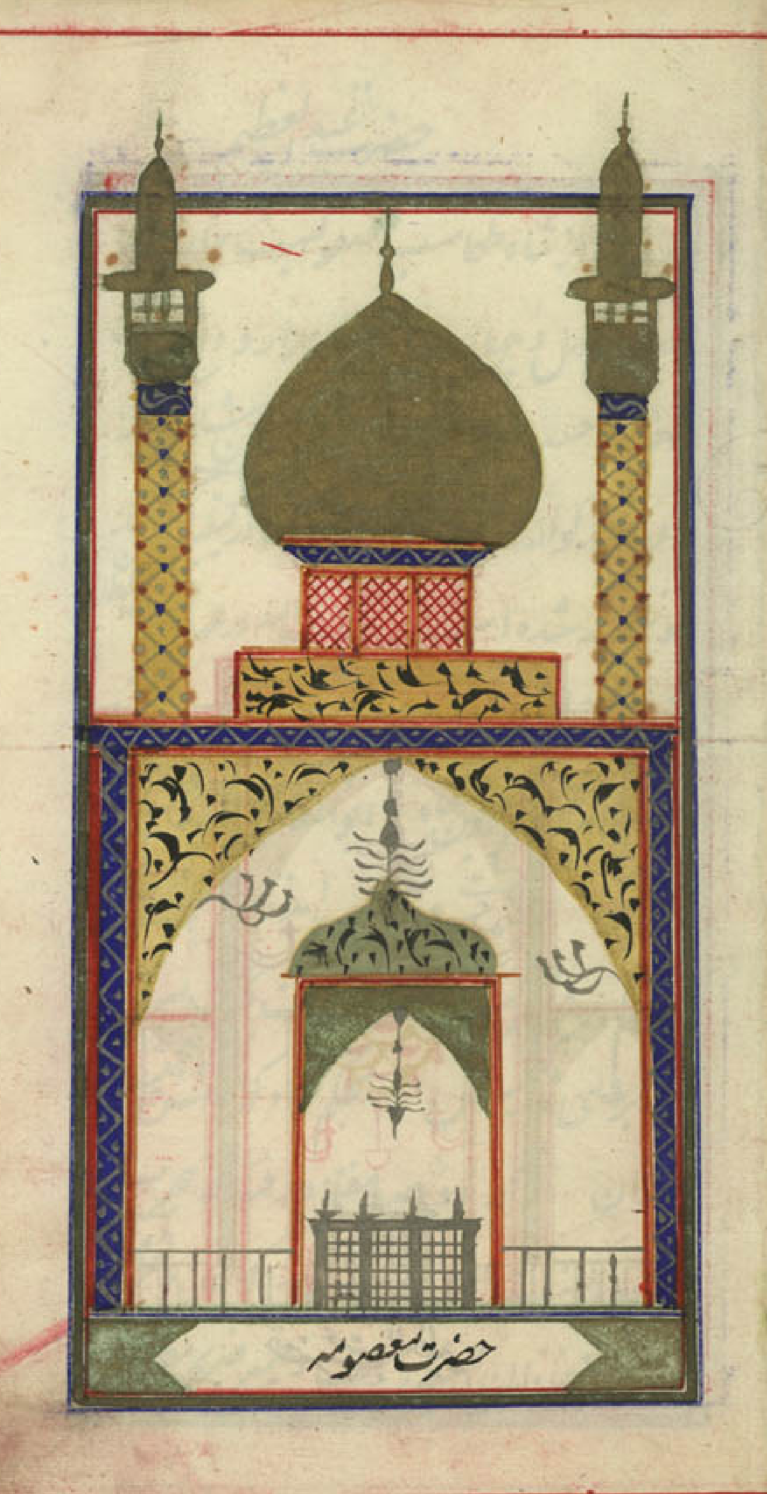
در سمنان میدانند که آثار بقعه هم موجود است
و بعضی از علما قبر علی ابن جعفر را در عریض میدانند و
عریض یکی از دهات مشهور مدینه است و چهار
میل است تا مدینه طیبه الحاصل کاشیهای بقعه علی ابن
جعفر معروفست در خوبی و امتیاز بسیار قدیمست
در سنه هفتصد و سیزده (۷۱۳) نصب مرقد مبارک شده است
و تاریخ روضه مبارکه هفتصد و سی هفت است و
کاشی بیرون بقعه و ایوان سر در بقعه جدید است در
سنه هزار و دویست و شصت و نه (۱۲۶۹) نصب شده است
و این دو بیت از قصیده ایست که در آن کاشی سر در نوشته
این بارگاه عرش مثال از جناب کیست کز نور طلعتش بفلک خور مکدر است
پرسیدم از خرد بمن این جواب گفت کاین جایگه مقام علی ابن جعفر است
و معروفست بگدر بهشت در بقعه علی ابن جعفر باز میشود

و دیگر از امام زاده های معروف قم شاه حمزه است
امام زاده جلیل القدریست که هر کس در آن بقعه بناحق
قسم بخورد فوراً ببلائی مبتلا میشود و الان هم در قم
رسم است اگر مدعی مدعی الیه را بخواهد قسم
بدهد در آن بقعه حاضر میشوند کمتر کسی جرات میکند
قسم بخورد در سنه هزار و سیصد پانزده (۱۳۱۵) میرزا علی
اصغر خان صدر اعظم آن بقعه را تعمیر بسیار خوبی
نموده ولی معماران گنبد متعارف نساخته گنبدی بسبکی
اقتراحی بنا کرده و در یکفرسخی شهر قم مسجدیست و آن
مسجد در سمت جنوب دروازه کاشان اتفاق
افتاده معروف بمسجد جمکران که شیخ عفیف صالح
حسن ابن مثله جمکرانی باعانت سید ابوالحسن الرضا
در سنه سیصد و نود و سه (۳۹۳) بامر امام عصر عجل الله فرجه

بنا نموده و مرحوم حاجی میرزا حسین نوری اعلی الله مقامه
در کتاب نجم الثاقب شرحی در احوالات این مسجد
نوشته و آن مسجد فضیلت بسیار دارد و چهار رکعت
نماز دارد دو رکعت نماز تحیت مسجد و دو رکعت
نماز صاحب الزمان عجل الله فرجه که امام عصر علیه السلام
فرموده است که فمن صلیها فکانما صلی فی بیت
العتیق یعنی هرکس این دو رکعت نماز را در این مکان
بگذارد همچنانست دو رکعت نماز در کعبه گذارده
باشد و آن مسجد چندی بود مخروبه شده بود در
سنه هزار و سیصد و پانزده میرزا علی اصغرخان (۱۳۱۵)
صدر اعظم تعمیرات لازمه او را نمود و این مسجد
امام حسن عسکری که احمد ابن اسحق بامر امام بنا کرده
از یکسمت نزدیک بقبرستان و از یکسمت قرب

بدروازه

بدروازه قم واقعست و تعمیرات آن مسجد از مرحوم
حاجی علینقی کاشانی مهیا شد در مقابل یکدر
مسجد از میان بازار قم مقبره هست که میگویند
قبر احمد ابن اسحق است صحیح آنست که قبر احمد ابن
اسحق در حلوان است همین زهاب معروف
بین کرمانشاهان و خانقین عرب و عجم و در زهاب
نزدیک رود خانه بفاصله هزار قدم تقریباً از
سمت جنوب و بر آن قبر بنائیست بنای مختصری و از
بیمعرفتی الحوالی و بی همتی مترددین بی نام و نشان
مانده از صد یک نفر زوار بزیارت و فاتحه
نمیرود با وجودیکه از بزرگان اصحاب ائمه
بوده از وکلای معروف و امام علیه السلام
خادم خود را بطی الارض برای تجهیز او فرستاد

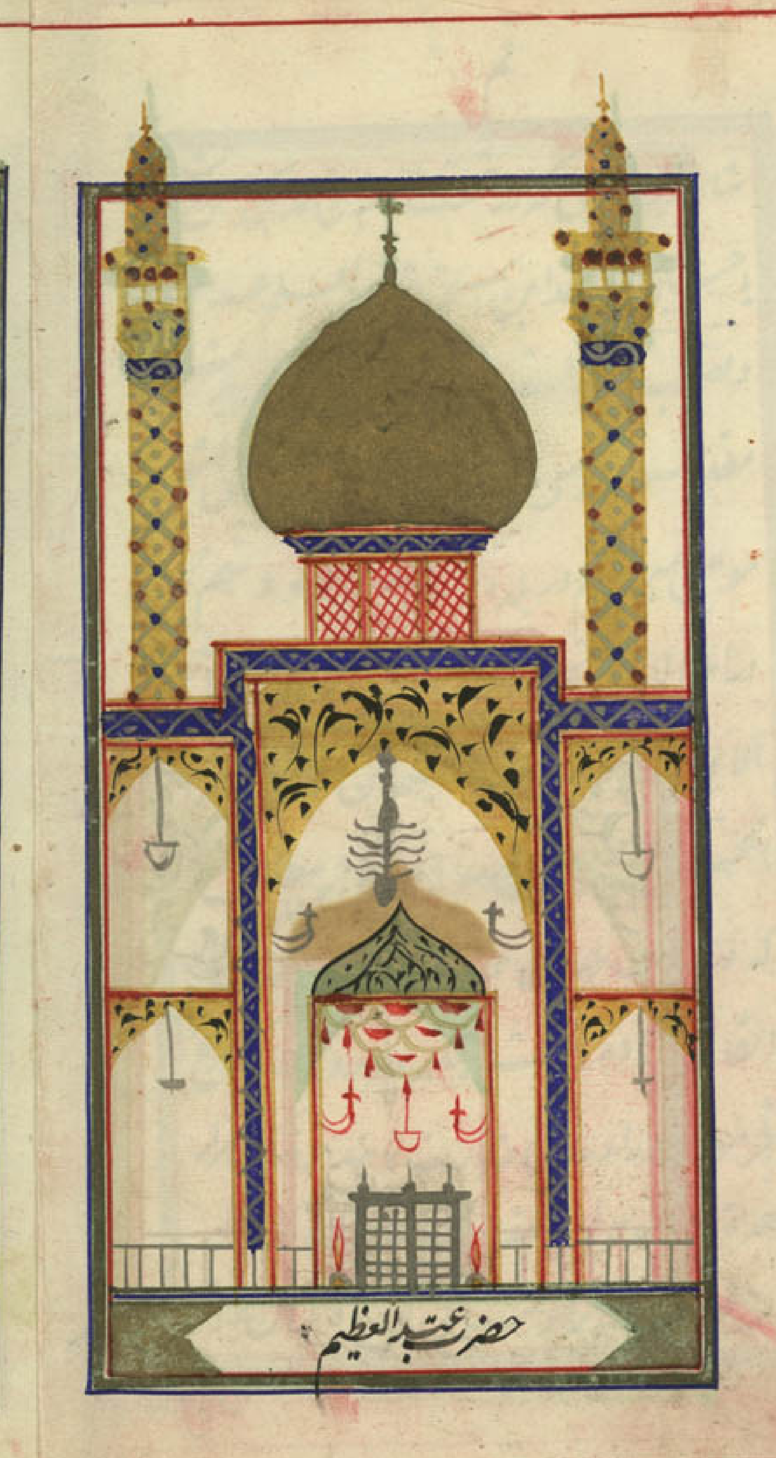


قم

شاید این قبری که در قمست احمد ابن احمد ابن اسحق باشد
یا حسین ابن احمد ابن اسحق باشد العلم عند الله
و نصب سادات قم و سادات رضویه مشهد
مقدس بموسی مبرقع فرزند امام محمد تقی منتهی میشود
موسی مبرقع هم در بلده قم مدفونست مقصود نهم
در احوالات حضرت عبد العظیم و درری مزار فایض
الانوار حضرت عبد العظیم ابن عبد الله ابن علی ابن
الحسن ابن زید ابن الحسن ابن علی ابن ابیطالب علیه السلام
که در جنوب طهران بمسافت دو ساعت راه
اتفاق افتاده است بنابر دو روایت که صریح امام
فرموده او را درری زیارت نمایند نزدیک مزار
حمزة ابن موسی ابن جعفر است اما بنیان گنبد مطهر
از مجد الملک رادستانی بوده و بنیان ایوان

حضرت عبد العظیم

در رواق از شاه طهماسب صفویست بتاریخ نه
صد و چهل و چهار و در سنه ۱۲۷ هزار و دویست و
هفتاد حسب الامر مرحوم ناصرالدین شاه گنبد
ان بزرگوار را تذهیب کردند و در کتیبه گنبد
نوشته شده است   تبارک الله در عهد دولت سلطان
فراشته است سر دین بگنبد گردون   قویم گنبد
اسلام ناصرالدین شاه   ابوالمظفر خورشید خسروان
جهان   عظیم همت خسرو بزر ناب اندود   خجسته قبه
شهزاده عظیم الشان   نگاشت کلک سروش
از برای تاریخش   بحکم شاه که حکمش همیشه باد
روان   هزار و دو صد و هفتاد رفته از هجرت
فزوده گشت ازین قبه قیمت زر و کان   و نقره ضریح
مطهر از خاقان مغفور است و تعمیر ضریح مطهر باز



در ثانی از مرحوم ناصرالدین شاه هست در تولیت مرحوم
آقا ابراهیم امین السلطان بامر مرحوم ناصرالدین شاه
صحن مقدس را از نو تعمیر نموده اعیانی حجرات دور را
بکاشیهای اعلا تزئین کرده و ستونهای سنگ
جلو ایوانها و در اطراف صحن و وسعت در جدید سمت
بازار و بنای مدرسه امینیه و تعمیرات دیگر را انجام
رسانید و آینه بندی و نقاشی ایوان از میرزا آقا خان
صدر اعظم نوری بود چون از جلوه افتاد و کهنه شده
بود در سنه هزار و سیصد و نه ۱۳۰۹ در ثانی میرزا علی
اصغر خان صدر اعظم آینه بندی ممتاز نموده و
کتیبه ایوان از تمام کاشی کاری با خط رقاع برجسته
بسیار ممتاز ساخته آینه های قدی بلند دور
تا دور ایوان کار گذاشته و کفش کن جنبین ایوان را

کاشی

کاشی بسیار اعلا ممتاز نموده و یکجفت گلدسته
بامر مرحوم ناصرالدین شاه بنا نموده و این چند بیت
از قصیده شمس الادباء در تعریف از روضه متبرکه است

زهی از روضه کش مینو برشک اندر ز بستانش
فرح بخشا و جان پرور نسیم عنبر افشانش
بروید خاک درگاهش همه حورا بگیسوش
فشاند گرد ایوانش همه غلمان بمژگانش
حریم حضرت شهزاده عبدالعظیم آنکو
ز برج زهره زهرا بود نجم درخشانش
ز گلزار امامت مجتبی را دی شم لاله
حسن گل بن علی باغ چمن زهرائی کانش
فلک فر ناصرالدین شاه اعظم سایه یزدان
که نصرت کرد دین را بازیزدان شد جابنانش
در عهد همایون فر که باشد تا ابد مقرون
رواق صحن ایوانش تزئین

شد بفرمانش طلا اندود در بابش که پاید تا ابد
بانش منظم کرد درگاهش مرتب کرد اوقافش
و امامزاده حمزة ابن موسی ابن جعفر که جد سلاطین
صفویه میباشد در سمت قبلی مرقد آن بزرگوار واقعست
که از این بقعه بفاصله چند قدم بآن بقعه میروند و
بقعه امام حمزه را دوست محمد خان معیر الممالک آیینه بندی
و تعمیر نموده و ضریح نقره بامر مرحوم ناصر الدین شاه
بمباشرت یحیی خان معتمد الملک نصب شده و ازاره
کاشی از امین السلطان صدر اعظم است صحن امام
زاده حمزه که تکیه باشد تعمیرات او از میرزا اسمعیل
خان امین الملک است و در بین الحرمین مقبره مرحوم ناصر
الدین شاه است که قاری و وظایف مقرره دارد و
در سمت مشرق میان بقعه قبر مرحوم حاجی ملاعلی

کنی

کنی اعلی الله مقامه میباشد در بین الصحنین مقبره شیخ ابو الفتوح
رازی که از اجله علماست میباشد و در صحن مقدس
سمت شرق مزار امامزاده طاهر است و نسب آن
بزرگوار بعلی ابن الحسین منتهی میشود طاهر ابن محمد ابن
حسن ابن حسین ابن عیسی ابن یحیی ابن حسین ابن زید ابن
علی ابن الحسین ع و جد مادری او علی زینبی است و علی زینبی
مادرش حضرت زینب بنت امیر المؤمنین است و پدرش
عبد الله جعفر است و کاشی کاری گنبد و ایوان و
تعمیرات او بامر شاهزاده مسعود میرزا ظل السلطان است
که سراج الملک تعمیر نموده و مقبره امامزاده عبد الله
ابیض بیرون قصبه بفاصله چهار صد قدم واقعست
و بقعه اش در میان باغ واقعست و نسب این
بزرگوار به پنج پشت بحضرت امام زین العابدین ع منتهی میشود

عبدالله ابن ابیض ابن عباس ابن محمد ابن عبدالله شهید
ابن حسن افطس ابن علی ابن الحسین ع و در خرابهای
شهر ری که اکنون باغ بسیار خوبیست مقبره ابن
بابویه محمد ابن علی قمی مشهور بصدوق علیه الرحمه در میان
ان باغ واقعست و صدوق علیه الرحمه معاصر بود
با رکن الدوله دیلمی در سال سیصد و هشتاد و یک ٣٨١
در ری وفات کرد بقعه او مشهور است قریب
با بن بابویه مقبره امامزاده هادی فرزند موسی ابن
جعفر است اصل مزار از کاشی قدیم بپا شد و بر روی
او نوشته در عهد شاه طهماسب صفوی و مسجدی
در پشت ان واقعست و ایوان و بقعه را تعمیر
نموده اند ولی صندوق ضریح نصب نشده نزدیک
دروازه جدید حضرت عبدالعظیم مقبره مرحوم آقا سید

صادق مجتهد طباطبائیست که از سادات صحیح
النسب است اصل بقعه را مستوفی الممالک میرزا
یوسف از بنیان با حجرات و در بنا نموده در واقع امام
زاده است که بیشتر اهل طهران خدمتش مشرف
شده اند مثل مزار مرحوم آقای میرزا ابوالقاسم
امام جمعه که در طهران بیرون دروازه قدیم حضرت
عبدالعظیم بقعه دارد که با میر مرتضی صدر العلما با بعضی دیگر
در یک بقعه مدفون میباشند مرغوبست که
زمان عبور عابرین خود را از فیض فاتحه برایشان
بی نصیب نفرمایند و دیگر مزار بی بی زبیده که بقعه اش
کنار جاده حضرت عبدالعظیم است از قراری
که در زیارت نامه او میخوانند که دختر حضرت
سید الشهدا است مادرش شهربانویه دختر

یزدجرد پادشاه عجم که بمقبره شهربانو در کوه سمت
مشرق رو بقبله است که سید نعمت الله جزایری
مینویسد که مقبره شهربانو در ری مشهور است
علی ای حال بی بی زبیده امامزاده و از علویاتست
و روضه انحذره حالت گریه و بکائی غریب دارد
و در سنه هزار و سیصد و چهارده ۱۳۱۴ بر حسب الامر
اعلیحضرت شاهنشاه اسلام پناه مظفر الدین شاه
قاجار بتعمیر از روضه منوره فرمازفت بقعه و
اطراف بقعه را تعمیر عالی نمودند و دیگر از امامزا
ده های معروف در کوهستانات ری که سمت
شمالی طهران واقعست امامزاده داوود است که
در فصل تابستان ازدهام غریبی از زوار میشود
مرقد این امامزاده عالیمقدار در میان کوه وسط

دره کنار رودخانه واقعست و قبر قنبر غلام ان
حضرت نیز در انجا است و این اجتماع نفوس کس
خیرات مبراقی که در ان موضع میشود دلالت بر
شان جلالت این بزرگوار میکند و نسبش بپنج
پشت بعلی ابن الحسین منتهی میشود داوود بن عا
دبن جعفر ابن نوح بن عقیل ابن هادی ابن علی ابن
الحسین چون بیشتر راه در میان دره و کوه بود عبور
بسیار سخت بود
مرور زوار بامر نایب السلطنه کامران میرزا راه را از
نعل کوه بریده اند و جاده بسیار خوبی ساخته اند قبور
بسیار از امامزادگان عالیمقام در کوهستانات
ری و اطراف ان پیدا شد مثل امامزاده صالح ابن موسی
ابن جعفر که در تجریش است که اثار بقعه او از خاقان
مغفور است و امامزاده قاسم در مقدمه کوه شمیران

و امام زاده قاضی صابر و نکی در ونک که امامزاده
صحیح النسب است و در سمت غربی طهران مزار منور امام
زاده حسن میباشد که از بنی اعمام حضرت عبد العظیمست
وانتهاء نسبشان از یک شجره است بر صحت نسب
این امام زاده محترم همانا بقاع و آثار و ظهور انوار نیست
که در هر صباح مساح مشاهده میشود و در سمت شرقی طهران
دو مزار است بفاصله یکمیدان که یکی مشهور بامامزاده
اهل علی که بقعه او را حاجی محمد حسن تاجر بنا کرده و یکی
دیگر بقعه مقدسه بی بی سکینه خاتون که در زیارت نامه او
نوشته خواهر حضرت رضا علیه السلام است الحاصل
این فهرست مختصری بود از احوالات مزارات
و عمارات امکنه شریفه و مشاهد مقدسه حضرت
رسول صلعم و ائمه مبین علیهم السلام و بعضی از اولاد

ودریه

و ذریه آن بزرگوار ها الحق والانصاف که شیعیان
و دوستان خانواده رسالت بهیچوجه کوتاهی در
تعمیر مشاهد متبرکه و ترویج مزارات مقدسه ننموده اند
و این سبب آن میشود تا مادامیکه آثار آن باقی باشد
هدیه و ثواب بروح بانی واصلست شعر هر که خیری
کرد چون محمل بدان عالم کشید روح او را هر نفس
فیض دگر خواهد رسید غرض از نوشتن نام بانیان
روضات با برکات جز این نیست که بدانند نام نیک
آنها در روزگار باقی میباشد دو چیز حاصل عمر است نام
نیک ثواب که زین دو درگذری کل من علیها
فان حمد خدا را که روز بروز مشاهد شریفه ائمه طاهرین
آبادتر و اخلاص شیعیان زیادتر میشود و نور خدا
ساعت بساعت روشن تر میشود و هر سالی کرور

کرور بفیض زیارت ایشان فائز میشوند و قبور مطهر
ایشان ملجأ و پناه شیعیانست اهل عناد هرچند
خواستند و آنچه سعی کردند که از قبور ائمه هدی خاصه
حضرت سید الشهدا ام اثاری باقی نماند نتوانستند
نور خدا را خاموش کنند و معلوم نیست که قبور اهل عداوت
در کدام جای از زمین ناپیدا شد و اگر هم معلوم باشد کسی ایشان را
سال بسال بفاتحه یاد نمیکند و غریب تر آنکه از اولاد
آنها هم اثری باقی نیست صاحب تاریخ گزیده گوید
نشان بدکرداری و نیکوکاری را از اینجا میتوان قیاس
کرد که یزید ملعون را سیزده پسر بود از این فرزندان
یکی را نام و نشان نیست و از نسل پاک حضرت امام حسین ع
که تنها امام زین العابدین علیه السلام ماند هزاران هزاران
سادات علویات در جهان پیش اند خدا تعالی

الز

برکت در نسل فاطمه علیها السلام نهاد و از تخم یزید
علیه اللعنه ببرید و از قبور شان کسی نشان نمیدهد در شام
مزبله است میگویند قبر یزید ملعونست و اهل شام
حتی از یهود و نصاری که در شام میباشند شوم میدانند
که از آن سمت عبور نمایند اگر بر سبیل اتفاق از آنجا بگذرند
قاعده چنین جاری شده مشتی سنگ و خاک بر آن زنند
بان مزبله میپاشند که اکنون تلی شده است اما قبور
اولاد رسول خدا ص و فاطمه زهرا سال بسال بر حسب نام
و مکان و نشان بلندتر میشود و با علی علیین میرسد
و قباب رفیعه عالیه از خاک مزار فرزندان سید
لولاک بسوی قباب افلاک برافراشته میشود
یکدلیل بر حقیت دین مبین حضرت ختمی مآب آثار
بقاع ائمه معصومین و ذریه طاهرین آنجناب است و سلاطین

تاجدار و مخلصین شیعه در تعمیر مراقد و زیارات
ایشان افتخار دارند تا کنون تقریباً صد هزار معجزه
و کرامات از قبور ایشان دیده شده و از قبور
ائمه گذشته در حدود عجم و اهالی ایران قبور بسیار
از اولاد سید عالم رسول مکرم میباشد مثل مزار فاطمه
دختر موسی بن جعفر ع در شهر قم و چندین امامزاده دیگر
در ری حضرت عبد العظیم با بعضی دیگر و در طهران
امامزاده زید حسنی و سید ولی و سید نصر الدین
و امام زاده سید اسمعیل و امامزاده یحیی با بعضی دیگر
و در قزوین امام زاده حسین فرزند امام محمد تقی ع با
بعضی و در کاشان امام زاده حبیب ابن موسی الکاظم
باسایر امام زاده ها و در شیراز سید میر احمد ابن
موسی الکاظم معروف بشاه چراغ که خاقان مغفور

ضریح

ضریح نقره نصب آن مرقد نموده با بعضی دیگر و در یزد
امامزاده جعفر که امامزاده جلیل القدری میباشد
و در اصفهان شاهزاده احمد با بعضی دیگر و در دامغان
امام زاده جعفر فرزند امام زین العابدین و امام زاده
محمد که تیمور گورکان بنای آنجا را کرده و سایر اولاد ائمه
که در شهرها چه در اطراف مدفون میباشند که همه
متولی خدام و مصارف چراغ و موقوفات دارند
و بمدد و اعانت حق کارکنان این دولت و بزرگان
این ملت هر یک بوضع خوشی محترم می باشند و آثار عالیه
که بر مزارات ائمه اطهار است تماماً از سلاطین عجم است
و سلاطین صفویه انار الله براهینهم در بنای روضات
مطهرات ائمه و ذریه حضرت رسول ص اهتمام تام داشتند
و در عهد سلطنت قاجاریه خصوصاً مرحوم ناصر الدین شاه

که هر ساله در تعمیر و توسیع هر مشهدی فرمان میداد
بر عمارات مشاهد شریفه افزوده شد و همین طور در
عهد این پادشاه تاجدار سلطان سلاطین و الخاقان
الخواقین ظل الله مظفر الدین شاه قاجار که امید است
انشاء الله تعالی خدمات شایسته سلاطین ماضین در
عهد دولت این پادشاه باعز و تمکین تکمیل گردد
مناسب است که این قصیده سلامیه که مشتمل بر
مدح حضرت علی ابن موسی الرضا و مصیبت خامس آل عباع
ورود بارض اقدس و آستان مقدس عرض نموده
بنگاریم تا آنکه کتاب مستطاب مصیبت حضرت ابی عبد الله ع ختم گردد

قصیده سلامیه

غریب طوس سلام علیک الف سلامی — سلام کرد و پیام جن نبی برسد تو تمامی
توئی که حجت پروردگار نور خدائی — امین حضرت حقی و مقتدا و امامی

توئی بشهر خراسان ستاره احمد — ز نور گنبد تو روشن است هر در و بامی
توئی که بهر جلالت باستانه خدمت — ستاده فوج ملایک ترا ز بهر غلامی
توئی که ضامن آهو شدی بر صیاد — رها کننده صید غزال از دامی
توئی بشهر نشابور الحدیث شریف — بیان نمود شروط حدیث هم تو تمامی
توئی که جای قدوم تو چه باغ خلد برین — ز یمن دست تو جاری ز چشمه آب مدامی
توئی که وعده نمودی بمرد مسلمانی — که در سئوال نکیرین کنی دلیش حامی
ز حکمت از عدم آمد بمجلس مامون — دو شیر پرده که طعمه نموده شوم لئامی
امام ثامن ضامن ولی حضرت داور — پناه و ملجا هر بینوا ز خاصی و عامی
توئی که وقت وداع مدینه امر نمودی — عیال خویش که نوحه کنند بر تو تمامی
توئی که زهر جفا ریخت روزگار بکامت — بشهر طوس غریبانه داده جان گرامی
تو پادشاه حجازی بطوس از چه غریبی — چه شد که دور ز شهر و دیار اهل کرامی
بلی زمانه ز هم دور ساخت آل علی را — ز ظلمهای بر ایشان بحیله ایامی
مدینه و نجف و کربلا کنار ره بغداد — بطوس سامره هر جا غروب بدر تمامی

قصیده سلامیه

علی الخصوص کنار فرات جد غریب | حسین آنکه از او دین حق گرفت قوامی

غریب‌تر که از وی کسی نشان دارد | دمی که تکیه بنی زد میان کوفی و شامی

ستاده بود غریبانه نداء فرمود | حبیب و مسلم و عباس کس نگفت کلامی

علی اکبر و قاسم هر آنکه را طلبید | همه بخاک و بخون دید یاوران تمامی

فدای غربت مظلوم کربلا گردم | بخنجر تب شمارم ز درد و ناش کدامی

غریبی و عطش و بیکسی و مرگ برادر | عیال مضطرب و داغ نوجوان گرامی

دو نهر آب بهین و لب رو تشنه | عزیز فاطمه را کس نداد قطره جامی

ز بهر طفل صغیرش ز قوم آب بخواست | چهار سید برانشه ز حکم نحس حرامی

جواب شاه بداد و بدوخت حلق نازک اصغر | بریده کشت سراسر ز تیر حرمله نامی

بس است زائر غمدیده این مصیبت را | حضور حجت حق پیش از این مگوی کلامی

مگر امام زمان حجت خدا آید | بقلبهای حزین غمین دهد کامی

شها قبول کن از لطف و عیب علم نبود | محب و زائر و مداح تربت تو علامی

لسان من ز کی مدح آل پیغمبر | که هست جامعه قول امام مدح تمامی

تمت

تو که عادت احسان سجیت کرمست | ز لطف و رحمت یکنظر با غلامی

الا که تا که سلامست بر رسول کرم | بروح پاک امامان درود باد و سلامی

سلام بر همه اولاد مصطفی بادا | بجلوه و قمر و هر کجاست نسل امامی

قد تمت ترتیبات النسخة الشریفة بسعی این خادم الزائرین اقل الحاج

الزائر محمد هادی طهرانی فی شهر جمادی الاولی

سنه هزار و سیصد و بیست یک

در کربلا معلی اتمام یافت در همه

اعتاب عالیه التماس

دعا دارم

بعضی عبارات علما و مورخین بعضی در نسخه درج شده که از آنها بهره از ثواب ببرند

